



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

روند تشکیل و ساختار حکمرانی بازارهای مشترک: آموزه‌هایی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی



آذر ۱۴۰۲

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

روند تشکیل و ساختار حکمرانی بازارهای مشترک: آموزه‌هایی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: آذر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی: ساختار حکمرانی، بازار مشترک اسلامی، اتحادیه اروپا، مرکوسور، شورای همکاری خلیج فارس،

آسه آن، بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	خلاصه کاربردی
۱۵	روند تشکیل بازارهای مشترک: اتحادیه اروپا
۲۹	روند تشکیل بازارهای مشترک: مرکوسور
۳۴	روند تشکیل بازارهای مشترک : شورای همکاری خلیج فارس
۵۳	روند تشکیل بازارهای مشترک : آسه آن
۶۴	روند تشکیل بازارهای مشترک: بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا
۷۱	ضمیمه : پروتکل اورپرتو

خلاصه کاربردی

- هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی روند شکل‌گیری بازارهای مشترک در پهنه جهانی، تبیین ساختار حکمرانی آنان و برگرفتن درس‌هایی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی است. به دیگر سخن، موضوعات اقتصاد به معنای ریاضیاتی آن در کانون این پژوهش نیست. در این راستا تجربه تشکیل بازار مشترک در اروپا، آسیای شرقی، خاورمیانه، آمریکای جنوبی و آفریقا مورد بحث و بررسی قرار گرفته، روند تشکیل بازارها و اقدامات گام به گام کشورهای عضو بررسی شده و ساختار حکمرانی آنان تبیین گشته است. بی شک توجه به روند شکل‌گیری این بازارها، چالش‌هایی که کشورهای عضو در این روند با آن روبرو بودند و شیوه‌های حل و فصل چالش‌ها و نیز ساختارهای حکمرانی طراحی شده می‌تواند آموزه‌های مهمی برای کشورهای اسلامی جهت تشکیل بازار مشترک در بر داشته باشد

بر مبنای تجربیات شکل‌گیری بازارهای مشترک در اتحادیه اروپا، مرکوسور، آسه‌آن، شورای همکاری خلیج فارس و بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا می‌توان گام‌های اولیه کلیدی را برای ایجاد بازار مشترک جدید در جهان اسلام را به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

- اراده و تعهد سیاسی: وجود اراده و تعهد سیاسی از سوی کشورهای عضو برای پیگیری یکپارچگی و همکاری اقتصادی اهمیت بسیار دارد. این امر مستلزم تلاش‌ها و مذاکرات دیپلماتیک سطح بالا برای اطمینان از همسویی اهداف و مقاصد میان کشورهای شرکت‌کننده است.
- مطالعات و ارزیابی‌های امکان‌سنجی: انجام مطالعات و ارزیابی‌های جامع امکان‌سنجی برای ارزیابی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تشکیل بازار مشترک یکی دیگر از گام‌های کلیدی است. این امر مستلزم تجزیه و تحلیل مزایای بالقوه، چالش‌ها و تاثیرات بر بخش‌های مختلف اقتصاد در کشورهای عضو است.
- چارچوب حقوقی و نهادی: تدوین یک چارچوب قانونی و نهادی برای بازار مشترک، از جمله تدوین یک معاهده یا توافقنامه که اهداف، قوانین و مقررات حاکم بر بازار مشترک را مشخص می‌کند، (همان‌گونه که تجربه مرکوسور نشان می‌دهد) حیاتی است. این چارچوب همچنین نقش‌ها و مسئولیت‌های نهادهای بازار مشترک و کشورهای عضو را مشخص می‌کند.
- سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری: هماهنگ کردن سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو، از جمله کاهش موانع تجاری، تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای برای تسهیل حرکت آزاد کالاها، خدمات و سرمایه در بازار مشترک از دیگر گام‌های کلیدی است.

- زیرساخت و اتصالات: تقویت زیرساخت و اتصالات بین کشورهای عضو برای تسهیل حرکت بهینه کالاها، خدمات و افراد که شامل سرمایه‌گذاری در شبکه‌های حمل و نقل، زیرساخت‌های انرژی و اتصال دیجیتال برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی باشد.
- ظرفیت‌سازی نهادی: ایجاد ظرفیت نهادی بازار مشترک برای تنظیم موثر و نظارت بر عملکرد بازار مشترک که شامل توسعه نهادهای نظارتی، ساز و کارهای حل اختلاف و آژانس‌های نظارت بر بازار می‌شود.
- آگاهی عمومی و مشارکت ذینفعان: تعامل با بخش عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی برای افزایش آگاهی در مورد مزایای بازار مشترک و جلب حمایت از فرآیند ادغام از طریق رایزنی و مشارکت ذینفعان برای اطمینان از مشارکت گسترده بسیار مهم است.
- پروژه‌های آزمایشی و ادغام بخشی: اجرای پروژه‌های آزمایشی و طرح‌های ادغام بخشی برای نشان دادن مزایای همکاری و ادغام اقتصادی در پرتو تمرکز بر بخش‌های خاص مانند کشاورزی، تولید یا خدمات می‌تواند به ایجاد مشوق‌ها و نشان دادن تاثیر بالقوه بازار مشترک کمک کند.
- بر مبنای پژوهش حاضر و با تکیه بر تجربه شکل‌گیری و ساختار حکمرانی بازارهای مشترک مورد بررسی، ساختار نهادی پیشنهادی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی را به صورت ذیل می‌توان ترسیم کرد:

جدول ۱- ساختار نهادی پیشنهادی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی

۱. شورای حکام
هدف: تدوین سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی کلان برای بازار مشترک اسلامی
ساختار شورای حکام:
<ul style="list-style-type: none"> • شورای عالی: متشکل از وزرای اقتصادی و کارشناسان کشورهای عضو، مسئول تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در سطوح راهبردی • دبیرخانه: نهاد اداری دائمی زیر نظر شورای عالی که وظیفه اجرای تصمیمات، هماهنگی فعالیت‌ها و مدیریت فعالیت‌های روزمره را بر عهده دارد • کمیته‌های فنی: کمیته‌های تخصصی با تمرکز بر بخش‌های کلیدی، مانند تجارت، مالی، فناوری و زیرساخت، برای رسیدگی به چالش‌ها و فرصت‌های خاص
۲. زیرساخت‌های فنی، منابع انسانی و تخصیص منابع
هدف: اطمینان از وجود زیرساخت‌های فنی لازم، نیروی انسانی ماهر و تخصیص منابع برای عملکرد موثر
اجزاء:
<ul style="list-style-type: none"> • بخش فنی در دبیرخانه: مسئول هماهنگی جنبه‌های فنی، از جمله استانداردسازی، همسویی نظارتی و توسعه زیرساخت‌ها

<ul style="list-style-type: none"> • مرکز تحقیق و توسعه اسلامی (IRDC): با تمرکز بر تحقیق، نوآوری و انتقال فناوری به منظور ارتقاء رشد و توسعه اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> • موسسات آموزشی: ایجاد موسسات آموزشی برای ارتقای مهارت‌های افراد درگیر در فعالیتهای بازار مشترک اسلامی
<ul style="list-style-type: none"> • واحد هماهنگی منابع: تسهیل همکاری بین کشورهای عضو برای اشتراک منابع و انتقال فناوری
<p>۳. مرجع تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست</p> <p>هدف: تعریف سطوح اختیارات مقامات حاضر در جلسات و روند اتخاذ سیاست</p> <p>سلسله مراتب:</p>
<ul style="list-style-type: none"> • شورای وزیران: متشکل از وزرای مربوطه از کشورهای عضو، مسئول بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی • اجلاس سران کشورهای عضو: اجلاس سالانه سران کشورها برای بررسی پیشرفت‌ها، تعیین سیاست‌های راهبردی و رسیدگی به چالش‌های کلان • جلسات وزیران به تناسب موضوعات: جلسات منظم با تمرکز بر بخش‌های خاص برای تسهیل بحث‌های عمیق و تدوین سیاست
<p>۴. ساز و کارهای تصمیم‌گیری، رای‌گیری و چارچوب قانونی</p> <p>هدف: ایجاد یک فرآیند تصمیم‌گیری شفاف و کارآمد</p> <p>سازو کارها:</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تصمیم‌گیری اجماعی: اولویت دادن به اجماع و در عین حال امکان رای‌گیری در صورت بن بست در مذاکرات • قوانین حد نصاب: تعیین حداقل تعداد کشورهای شرکت‌کننده مورد نیاز برای یک تصمیم معتبر • هیئت مشاوره حقوقی: تعیین یک هیئت مشاوره حقوقی برای هدایت بحث‌ها و اطمینان از پایبندی به قوانین و موافقتنامه‌های بین‌المللی
<p>۵. مشارکت نهادها و مقامات کشورهای عضو</p> <p>هدف: تعیین نهادها و مقامات کشورهای عضو شرکت‌کننده در جلسات مختلف بازار مشترک اسلامی</p> <p>نهادهای شرکت‌کننده:</p>
<ul style="list-style-type: none"> • وزارت بازرگانی کشورهای عضو: نمایندگی منافع اقتصادی و مشارکت در بحث‌های سیاستی • بانک‌های مرکزی: در بحث‌های مربوط به سیاست‌های مالی و پولی شرکت دارند • آژانس‌های توسعه ملی (سازمان برنامه و بودجه): ارائه بینش در مورد نیازهای توسعه و همکاری در پروژه‌های مشترک
<ul style="list-style-type: none"> • اتاق بازرگانی: نمایندگی بخش خصوصی و مشارکت در مذاکرات تجارت و سرمایه‌گذاری • شوراهای فناوری و نوآوری: تمرکز بر مذاکرات در مورد پیشرفت‌های فناوری و نوآوری
<p>۶. تامین مالی فعالیتهای بازار مشترک</p> <p>هدف: تشریح سازو کارهای تامین مالی برای دبیرخانه و سایر فعالیتهای بازار مشترک اسلامی</p> <p>مدل‌های تامین مالی:</p>
<ul style="list-style-type: none"> • مشارکت‌های اعضا: تخصیص درصدی از بودجه هر کشور عضو برای تامین مالی طرح‌های بازار مشترک • مشارکت‌های دولتی و خصوصی: مشارکت بخش خصوصی در تامین مالی پروژه‌های زیربنایی و سایر تلاش‌های مشترک • صندوق توسعه اسلامی: ایجاد صندوق با کمک‌های کشورهای عضو، کمک‌های بین‌المللی و کمک‌های بلاعوض • درآمد حاصل از پروژه‌های مشترک: ایجاد درآمد از طریق سرمایه‌گذاری مشترک و پروژه‌های مشترک برای کمک به پایداری بازار مشترک اسلامی

• اتحادیه اروپا بی‌شک مهم‌ترین تجربه بازار مشترک و واحد است. اتحادیه اروپا که در ابتدا به عنوان جامعه اقتصادی اروپا شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۵۰ با هدف ایجاد بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی بین کشورهای عضو تاسیس شد. بازار مشترک اتحادیه اروپا بر اساس اصول جابجایی آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و مردم و همچنین هماهنگی مقررات و استانداردها شکل گرفته است. در طول سال‌ها متمدادی، اتحادیه اروپا با چالش‌های متعددی در دستیابی و حفظ بازار مشترک خود مواجه بوده است، اما به موفقیت چشمگیری نیز در تقویت یکپارچگی اقتصادی و همکاری بین کشورهای عضو خود دست یافته است. درس‌های حاصل از تجربه بازار مشترک اروپایی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. یکی از مهم‌ترین درس‌های تجربه اتحادیه اروپا، نیاز به ساختار حکمرانی قوی برای نظارت بر شکل‌گیری و عملکرد یک بازار مشترک است. اتحادیه اروپا دارای یک مدل حکمرانی پیچیده است که شامل نهادهای فراملی مانند کمیسیون اروپا، پارلمان اروپا و دیوان دادگستری اروپا و همچنین نهادهای بین‌دولتی مانند شورای اتحادیه اروپا و شورای اروپا است. این ساختار حکمرانی چارچوبی برای تصمیم‌گیری، هماهنگی سیاست‌ها و حل اختلاف فراهم می‌کند و عملکرد موثر بازار مشترک مطابق با اصول بنیادی اتحادیه اروپا را تضمین می‌کند.

۲. یکی دیگر از درس‌های کلیدی تجربه اتحادیه اروپا، اهمیت چارچوب‌های قانونی و نهادی برای حمایت از بازار مشترک است. اتحادیه اروپا مجموعه‌ای از قوانین جامع ایجاد کرده است که به عنوان *acquis communautaire*^۱ شناخته می‌شود و شامل تمام قوانین و مقررات حاکم بر بازار مشترک است. این چارچوب قانونی شفافیت و اطمینان را برای کسب و کارها و افراد فعال در بازار مشترک فراهم می‌کند و همچنین اجرای قوانین بازار مشترک و حل و فصل اختلافات را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، اتحادیه اروپا نهادهایی مانند بانک مرکزی اروپا و سازمان بانکرداری اروپا را برای نظارت بر جنبه‌های مالی بازار مشترک و تضمین ثبات و یکپارچگی آن ایجاد کرده است.

۳. تجربه اتحادیه اروپا اهمیت هماهنگ‌سازی و استانداردسازی نظارت‌ها در شکل‌گیری بازار مشترک را برجسته می‌کند. اتحادیه اروپا تلاش کرده است تا مقررات و استانداردهای کشورهای عضو خود را در بخش‌های مختلف از جمله کشاورزی، تولید و خدمات هماهنگ کند تا حرکت آزاد کالاها و خدمات را در بازار مشترک تسهیل کند. این روند همگرایی مقرراتی، شامل مذاکرات و همکاری گسترده بین کشورهای عضو و همچنین توسعه تخصص فنی و ظرفیت‌سازی در موضوعات نظارتی است.

۱- The *acquis communautaire* مجموعه قوانین و مقررات گسترده و پیچیده اتحادیه اروپا است که به تصویب رسیده و در چارچوب حقوقی کشورهای عضو اتحادیه اروپا گنجانده شده است و شامل تمام معاهدات، قوانین و تصمیمات دادگاه است که سیستم حقوقی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد.

۴. تجربه اتحادیه اروپا از منظر اهمیت پرداختن به نابرابری‌ها میان کشورهای عضو در فرایند شکل‌گیری یک بازار مشترک نیز اهمیت دارد. اتحادیه اروپا سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی را برای ارتقای همگرایی و انسجام اقتصادی بین کشورهای عضو خود اجرا کرده است، از جمله تخصیص بودجه برای توسعه زیرساخت‌ها و اجرای طرح‌های توسعه منطقه‌ای. هدف از این تلاش‌ها کاهش نابرابری در درآمد، تجهیز زیرساخت‌ها و دستیابی به سطوحی از توسعه در بین کشورهای عضو بوده است. افزون بر این اطمینان از این‌که همه کشورها می‌توانند به طور کامل در بازار مشترک مشارکت کنند و از آن بهره‌مند شوند، نیز مورد توجه بوده است.
۵. ادغام تدریجی یکی دیگر از درس‌های کلیدی تجربه بازار مشترک اروپایی است. بازار مشترک اتحادیه اروپا به تدریج از طریق مجموعه‌ای از معاهدات و موافقتنامه‌ها طی سالیان متمادی شکل گرفت. تدریجی‌گرایی فرصت لازم برای ادغام حقوقی و اقتصادی و نیز مدیریت چالش‌های سیاسی را فراهم کرد.
۶. حذف تعرفه‌ها و سهمیه‌ها بر تجارت کالا از دستاوردهای اولیه اتحادیه اروپا بود. این امر مستلزم وضع تعرفه‌های خارجی مشترک علیه کشورهای غیر اتحادیه اروپا بود.
۷. آزادسازی تدریجی خدمات یکی دیگر از نکات کلیدی در تجربه اروپایی بازار مشترک است. در فرایند شکل‌گیری بازار اروپایی، تجارت کالا به سرعت آزاد شد اما ادغام بازارهای خدمات در اتحادیه اروپا به دلیل پیچیدگی آن‌ها طولانی‌تر شد.
۸. شناسایی متقابل از دیگر درس‌های مهم تجربه اروپایی است. اتحادیه اروپا برای تسهیل تجارت فرامرزی، اصول به رسمیت شناختن متقابل استانداردهای محصول و صلاحیت‌های حرفه‌ای را پذیرفت. این امر به کالاها و متخصصان این امکان را می‌دهد که در صورت داشتن صلاحیت حرفه‌ای در کشور خود، بتوانند در کشورهای دیگر به راحتی فعالیت کنند.
۹. توسعه فضای رقابتی و شفاف از دیگر موفقیت‌های اتحادیه اروپاست. اتحادیه اروپا قوانین جامعی علیه کارتل‌ها، انحصارات و یارانه‌های دولتی که تجارت را مخدوش می‌کند، مصوب کرده است.
۱۰. جابجایی آزاد نیروی کار یک اصل اصلی اتحادیه اروپا است. حرکت تدریجی کشورهای اسلامی در این مسیر برای تشکیل بازار اسلامی ضروری است.
۱۱. حل و فصل اختلافات یکی دیگر آموزه‌های بازار مشترک اروپایی است. سیستم دادگاه‌های فراملی اتحادیه اروپا احکام الزام‌آور را در مورد اختلافات بین اعضا و افراد در مقابل دولت‌ها ارائه می‌کند.

۱۲. حمایت مالی از دیگر اصول بازار مشترک اروپایی است. صندوق‌های اتحادیه اروپا به مناطق فقیرتر کمک می‌کنند تا نابرابری‌های توسعه‌ای یا عدم توازن در توسعه بخش‌های مختلف اتحادیه کاهش یابد.

۱۳. در ساختار نهادی اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا به عنوان حافظ معاهدات اتحادیه اروپا عمل می‌کند در حالی که شورای وزیران و پارلمان اروپا تصمیم‌گیری می‌کنند. تشکیل بازار مشترک اسلامی مستلزم موسساتی است که در زمینه‌هایی مانند سیاست تجاری، مقررات رقابت، حل و فصل اختلافات و نظارت بر بازار اختیار داشته باشند.

۱۴. به طور خلاصه تجربه تشکیل بازار مشترک اتحادیه اروپا درس‌های ارزشمندی برای شکل‌گیری بازار مشترک اسلامی ارائه می‌دهد. این درس‌ها شامل تلاش برای رسیدگی به نابرابری‌ها بین کشورهای عضو، یک چارچوب قانونی و نهادی جامع، هماهنگ‌سازی و استانداردسازی مقررات و نیاز به یک ساختار حکمرانی قوی است. با به کارگیری این درس‌ها و تطبیق آن‌ها با شرایط خاص کشورهای دارای اکثریت مسلمان، می‌توان یک مدل یا ساختار حکومتی برای تشکیل بازار مشترک اسلامی ایجاد کرد که یکپارچگی اقتصادی و همکاری در جهان اسلام را ارتقا بخشد.

• روند تشکیل مرکوسور، بازار مشترک جنوبی نیز درس‌های مهمی برای پیشبرد تلاش‌ها جهت ایجاد بازار مشترک اسلامی دارد:

۱. چارچوب نهادی و ساختار حقوقی: موفقیت مرکوسور تا حدی به ایجاد نهادها و ساز و کارهای قانونی برای تنظیم تعاملات اعضا نسبت داده می‌شود. یک پایه حقوقی محکم به حل اختلافات کمک و پایبندی به توافقات تجاری را تضمین می‌کند.

۲. فرایند یکپارچه‌سازی تدریجی: اجرای فرآیند یکپارچه‌سازی تدریجی و مرحله‌ای یکی دیگر از آموزه‌های مرکوسور است. مرکوسور مراحل ادغام را تدریجی طی کرد؛ مرحله‌ای که از یک منطقه تجارت آزاد شروع شد و تا اتحادیه گمرکی و در نهایت یک بازار مشترک پیش رفت. رویکرد گام به گام به کشورهای عضو اجازه می‌دهد تا به تدریج سیاست‌های حمایت‌گرایانه خود را تعدیل کنند و اختلالات احتمالی را به حداقل می‌رساند.

۳. تسهیل تجارت و کاهش تعرفه: تمرکز بر تسهیل تجارت و کاهش تعرفه از دیگر آموزه‌های مرکوسور محسوب می‌شود. مرکوسور کاهش موانع تجاری بین کشورهای عضو را در اولویت قرار داد. در روند تشکیل بازار مشترک اسلامی نیز حذف تعرفه‌ها و ساده‌سازی رویه‌های گمرکی برای تقویت تجارت درون منطقه‌ای واجد اهمیت بسیار است.

۴. تصمیم‌گیری فراگیر: تقویت فرآیندهای تصمیم‌گیری فراگیر از دیگر نقاط قوت مرکوسور محسوب می‌شود. فراگیر بودن در تصمیم‌گیری، اهمیت نقش همه کشورهای عضو در شکل دادن به سیاست‌ها را تضمین می‌کند. این امر به ایجاد اعتماد و تعهد در میان کشورهای عضو کمک می‌کند و برای موفقیت بلندمدت بازار مشترک بسیار مهم است.
۵. هماهنگی سیاست‌های اقتصادی: مرکوسور به دلیل نابرابری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو با چالش‌هایی مواجه بود، اما به صورتی موفقیت‌آمیز سیاست‌های اقتصادی را برای رفع نابرابری‌ها هماهنگ کرده است. بازار مشترک اسلامی باید سازوکارهایی را برای هماهنگ کردن سیاست‌های اقتصادی در جهت رسیدگی به نابرابری‌ها و تقویت توسعه متوازن ایجاد کند.
۶. انعطاف‌پذیری نهادی: ایجاد انعطاف‌پذیری نهادی یکی دیگر از درس‌های مهم تجربه مرکوسور است. در روند تشکیل یک بازار مشترک، توانایی سازگاری با شرایط متغیر بسیار مهم است. مرکوسور دوره‌هایی از بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی را تجربه کرد و بر اهمیت نهادهای انعطاف‌پذیری که قادر به پاسخگویی به چالش‌های پیش‌بینی نشده بودند تاکید کرد.
۷. توسعه سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت: یک بازار مشترک باید سرمایه‌گذاری‌های فرامرزی را تشویق کند و بر توسعه زیرساخت‌ها برای تسهیل جابجایی کالا و خدمات تمرکز کند. تجربه مرکوسور اهمیت رسیدگی به شکاف‌های زیرساختی را برجسته می‌کند.
۸. روابط خارجی و یکپارچگی جهانی: روابط خارجی سازنده و حرکت در مسیر یکپارچگی جهانی یکی دیگر از درس‌های تجربه مرکوسور محسوب می‌شود. مرکوسور تعامل نهادینه با سایر بلوک‌های تجاری را در دستور کار قرار داده و حضور جهانی خود را گسترش داده است. اهمیت روابط سازنده میان اعضای بازار مشترک اسلامی در روند تشکیل چنین بازاری واجد اهمیت بسیار است.
۹. مشارکت بخش دولتی و خصوصی: مشارکت هر دو بخش دولتی و خصوصی برای اجرای موفق بازار مشترک بسیار مهم است. تجربه مرکوسور بر نیاز به همکاری بین دولت‌ها و کسب و کارها برای اطمینان از یکپارچگی موثر بازار تاکید دارد.
۱۰. ساز و کارهای حل اختلاف: مرکوسور همواره با اختلافات بین کشورهای عضو مواجه بوده است. از همین رو سازوکارهای موثری برای حل و فصل اختلافات ایجاد کرده است. بازار مشترک اسلامی باید سازوکارهای کارآمدی را برای حل و فصل اختلافات ایجاد کند تا از یک سو هماهنگی را حفظ کند و از دیگر سو از بروز مناقشاتی که می‌توانند مانع از روند تشکیل بازار مشترک شوند، جلوگیری نماید.

- تجربه بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس چندین درس مهم برای شکل‌گیری بازارهای مشترک جدید ارائه می‌دهد:
 ۱. تنوع‌بخشی اقتصادی: شورای همکاری خلیج فارس اهمیت تنوع‌بخشی اقتصادی را برجسته کرده است. کشورهای عضو با اتکای شدید به درآمدهای نفت و گاز، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ناشی از نوسانات قیمت جهانی نفت را تجربه کرده‌اند. بازارهای مشترک جدید باید بر تنوع بخشیدن به اقتصاد خود برای کاهش وابستگی به یک بخش متمرکز شوند.
 ۲. چارچوب نهادی: تجربه شورای همکاری خلیج فارس بر اهمیت ایجاد یک چارچوب نهادی قوی تاکید می‌کند. بازارهای مشترک جدید باید ساختارهای حکمرانی روشن، چارچوب‌های قانونی و ساز و کارهای حل اختلاف را برای اطمینان از تصمیم‌گیری موثر و حل تعارض ایجاد کنند.
 ۳. تجارت درون منطقه‌ای: شورای همکاری خلیج فارس اهمیت ترویج تجارت درون منطقه‌ای را نشان داده است. بازارهای مشترک جدید باید رفع موانع تجاری، هماهنگ‌سازی مقررات و تسهیل تجارت فرامرزی را برای تحریک رشد اقتصادی در منطقه در اولویت قرار دهند.
 ۴. تحرک نیروی کار: شورای همکاری خلیج فارس با مسائل مربوط به تحرک نیروی کار، به ویژه عدم تعادل بین کارگران مهاجر و شهروندان دست و پنجه نرم کرده است. بازارهای مشترک جدید باید به دقت سیاست‌های مربوط به تحرک نیروی کار، از جمله جابجایی کارگران را در نظر بگیرند تا از رفتار عادلانه و تعادل اقتصادی بین کشورهای عضو اطمینان حاصل کنند.
 ۵. هماهنگ‌سازی استانداردها: شورای همکاری خلیج فارس با چالش‌های مربوط به هماهنگ‌سازی استانداردها و مقرراتی که مانع از جریان روان کالاها و خدمات شده است، دست و پنجه نرم کرده است. بازارهای مشترک جدید باید همسویی استانداردها و مقررات را برای ایجاد یک محیط اقتصادی یکپارچه در اولویت قرار دهند.
 ۶. توسعه فراگیر: تجربه شورای همکاری خلیج فارس بر نیاز به سیاست‌های توسعه فراگیر تاکید دارد. بازارهای مشترک جدید باید بر حصول اطمینان از بهره‌مندی همه کشورهای عضو و جمعیت مربوطه آن‌ها از یکپارچگی اقتصادی متمرکز شوند و از نابرابری شدید در توسعه بین کشورهای عضو اجتناب کنند.
 ۷. اراده و تعهد سیاسی: بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس نقش حیاتی اراده و تعهد سیاسی در میان کشورهای عضو را برجسته می‌کند. بازارهای مشترک جدید نیازمند تعهد قوی کشورهای عضو برای غلبه بر چالش‌ها و دستیابی به اهداف مشترک است.



۸. روابط خارجی: روابط خارجی شورای همکاری خلیج فارس (از جمله توافقنامه‌های تجاری) درس‌هایی را برای بازارهای مشترک جدید از نظر مدیریت روابط اقتصادی خارجی و در عین حال حفظ منافع کشورهای عضو ارائه می‌دهد.
۹. انعطاف‌پذیری و سازگاری: تجربه شورای همکاری خلیج فارس بر اهمیت انعطاف‌پذیری و سازگاری در پاسخ به شرایط متغیر اقتصادی و ژئوپلیتیکی تاکید دارد. بازارهای مشترک جدید باید در خصوص سیاست‌ها و مقررات منعطف باشند.
۱۰. درس‌هایی از عقب‌نشینی‌ها: در نهایت، شکست‌ها و چالش‌های شورای همکاری خلیج فارس درس‌های ارزشمندی را برای بازارهای مشترک جدید ارائه می‌کند. درک دلایل هر گونه شکست یا موانع در توسعه شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند به بازارهای مشترک جدید کمک کند تا مسائل مشابه را پیش‌بینی و به آن‌ها رسیدگی کنند.
- مطالعه تجربه بازار مشترک اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) چندین درس مهم برای شکل‌گیری بازارهای مشترک جدید ارائه می‌دهد:
 ۱. ادغام تدریجی: رویکرد آسه آن به ادغام منطقه‌ای، تدریجی و انعطاف‌پذیر بوده است. بازارهای مشترک جدید می‌توانند از این رویکرد بیاموزند که یکپارچگی زمان می‌برد و یک چارچوب انعطاف‌پذیر می‌تواند نیازها و اولویت‌های متنوع کشورهای عضو را برآورده کند.
 ۲. تنوع اقتصادی: تجربه آسه آن اهمیت تنوع اقتصادی را برجسته می‌کند. بازارهای مشترک جدید باید تلاش برای تنوع بخشیدن به اقتصاد خود، کاهش اتکا به یک بخش واحد و ترویج توسعه اقتصادی پایدار را در اولویت قرار دهند.
 ۳. تجارت درون منطقه‌ای: موفقیت آسه آن در ترویج تجارت درون منطقه‌ای بر اهمیت حذف موانع تجاری، هماهنگ‌سازی مقررات و تسهیل تجارت فرامرزی تاکید می‌کند.
 ۴. هماهنگ‌سازی استانداردها: تجربه آسه آن اهمیت هماهنگ‌سازی استانداردها و مقررات برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری را نشان داده است. بازارهای مشترک جدید باید همسویی استانداردها و مقررات را برای ایجاد یک محیط اقتصادی یکپارچه در اولویت قرار دهند.
 ۵. توسعه فراگیر: تمرکز آسه آن بر سیاست‌های توسعه فراگیر درسی برای بازارهای مشترک جدید است. حصول اطمینان از این‌که همه کشورهای عضو و جمعیت آن‌ها از یکپارچگی اقتصادی بهره‌مند می‌شوند، برای جلوگیری از نابرابری در توسعه بین کشورهای عضو بسیار مهم است.

۶. اراده و تعهد سیاسی: موفقیت تلاش‌های ادغام آسه آن با اراده و تعهد سیاسی کشورهای عضو، پشتیبانی شده است. بازار مشترک اسلامی نیازمند تعهد قوی کشورهای عضو برای غلبه بر چالش‌ها و دستیابی به اهداف مشترک است.

۷. روابط خارجی: مدیریت آسه آن در روابط اقتصادی خارجی، (از جمله توافقنامه‌های تجاری) درس‌های ارزشمندی را برای بازارهای مشترک جدید از نظر ایجاد تعادل در یکپارچگی داخلی با روابط اقتصادی خارجی ارائه می‌دهد.

۸. انعطاف‌پذیری و سازگاری: تجربه آسه آن بر اهمیت انعطاف‌پذیری و سازگاری در پاسخ به شرایط متغیر اقتصادی و ژئوپلیتیکی تاکید دارد. بازارهای مشترک جدید باید در خصوص سیاست‌ها و مقررات منعطف باشند.

۹. امنیت و همکاری منطقه‌ای: نقش آسه آن در ارتقای امنیت و همکاری منطقه‌ای درس‌های مهمی را برای بازارهای مشترک جدید ارائه می‌دهد. پرداختن به نگرانی‌های امنیتی و تقویت همکاری بین کشورهای عضو برای ثبات و موفقیت بازار مشترک ضروری است.

• مهم‌ترین درس‌های شکل‌گیری بازار مشترک آفریقایی شرقی و جنوبی را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی کرد:

۱. تدریجی‌گرایی و انعطاف در اجرا: تشکیل بازار مشترک باید فرآیندی تدریجی باشد و واقعیت‌های مختلف اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو را در نظر بگیرد. بازار مشترک آفریقایی شرقی و جنوبی با اتخاذ رویکردی انعطاف‌پذیر که زمان‌بندی متفاوتی را برای اجرا و سطوح مختلف یکپارچه‌سازی برای بخش‌های مختلف ایجاد می‌کند، در شکل‌دهی به بازار مشترک موفق شد.

۲. تعهد قوی به آزادسازی تجارت: موفقیت بازار مشترک آفریقایی شرقی و جنوبی عمدتاً به دلیل تعهد قوی آن به آزادسازی تجارت است. این بلوک، تعرفه‌ها را بر اکثر کالاهای تجارت شده در داخل مرزهای خود حذف کرده و تعرفه مشترک خارجی^۱ (CET) را بر واردات از خارج از بلوک اعمال کرده است. این امر منجر به افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری در بازار مشترک آفریقایی شرقی و جنوبی شده است.

۳. تمرکز بر زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای: بازار مشترک آفریقایی شرقی و جنوبی در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای^۲ (RVC) در تعدادی از بخش‌ها مانند خودروسازی و کشاورزی موفق بوده است. RVCs

1- Common External Tariff

2- Regional Value Chain

شبکه‌های تولیدی هستند که در آن، مراحل مختلف تولید در کشورهای مختلف در یک منطقه قرار دارد. شکل‌دهی به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای می‌تواند منجر به افزایش کارایی و رقابت‌پذیری در منطقه شود.

۴. چشم‌انداز و اهداف روشن: تشکیل یک بازار مشترک، مستلزم ترسیم چشم‌انداز روشن و مجموعه‌ای از اهداف است. معاهده تاسیس این بازار مشترک، به وضوح اهداف بلوک را که شامل جابجایی آزاد کالاها، خدمات و عوامل تولید، ایجاد یک تعرفه خارجی مشترک و هماهنگی سیاست‌های کلان اقتصادی می‌شود را بیان کرده است.

۵. اراده سیاسی قوی: تشکیل بازار مشترک، مستلزم وجود اراده سیاسی قوی کشورهای عضو است. موفقیت بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی تا حدی به دلیل تعهد سیاسی قوی کشورهای عضو آن است.

۶. چارچوب نهادی موثر: تشکیل بازار مشترک نیازمند یک چارچوب نهادی موثر است. بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی نهادهایی تاسیس کرده است. از جمله شورای بازار مشترک^۱ (CMC)، شورای وزیران و دبیرخانه که بر اجرای توافقات بلوک، نظارت می‌کنند.

۷. رفع نابرابری‌های بالقوه: تشکیل یک بازار مشترک می‌تواند منجر به افزایش نابرابری بین کشورهای عضو و درون کشورهای عضو شود. بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی اقداماتی را مانند ایجاد صندوق (FOCEM) برای همگرایی سیاست‌های ساختاری برای رفع این نابرابری‌ها انجام داده است.

۸. ترویج تبادل فرهنگی: تشکیل بازار مشترک می‌تواند به ارتقای مبادلات فرهنگی بین کشورهای عضو کمک کند. در همین راستا بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی برنامه‌های تبادل فرهنگی و آموزشی را در دستور کار قرار داده است.

۹. تعامل با جامعه مدنی: بازار مشترک باید سازمان‌های جامعه مدنی را نیز در برگیرد. از همین رو بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی سازوکارهای مختلفی برای تعامل با جامعه مدنی طراحی کرده است.

روند تشکیل بازارهای مشترک: اتحادیه اروپا

بازار مشترک اروپا که به عنوان جامعه اقتصادی اروپا^۲ (EEC) نیز شناخته می‌شود، به عنوان شاهدی قابل توجه بر قدرت همکاری اقتصادی در ایجاد رفاه مشترک است. جامعه اقتصادی اروپا که از خاکستر جنگ جهانی دوم بیرون آمد، اروپای یکپارچه را متصور شد، اروپایی که در آن کشورها از اختلافات تاریخی فراتر رفته و مسیری برای رشد اقتصادی و ثبات مشترک ایجاد کنند. این فصل به پیچیدگی‌های بازار مشترک اروپا می‌پردازد، ساختار حاکمیتی و مراحل شکل‌گیری

1- Common Market Council

2- European Economic Community

آن را بررسی می‌کند و یک نمای کلی از این بازار مشترک ارائه می‌دهد.

تشکیل بازار مشترک اتحادیه اروپا (EU) که با نام بازار واحد یا بازار داخلی نیز شناخته می‌شود، فرآیندی پیچیده و چند مرحله‌ای را طی کرده و توسعه آن، چندین سال به طول انجامید. بازار مشترک، یکی از ارکان اساسی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود که به منظور امکان جابجایی آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و افراد در داخل کشورهای عضو طراحی شده است. در ادامه مراحل اصلی شکل‌گیری بازار مشترک اتحادیه اروپا مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۱- جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا^۱ (ECSC):

- حرکت اروپا به سمت تشکیل بازار مشترک با امضای معاهده پاریس در سال ۱۹۵۱ آغاز شد که منجر به تاسیس انجمن زغال‌سنگ و فولاد اروپا (ECSC) شد. این توافقنامه، بازار مشترکی برای زغال‌سنگ و فولاد بین شش کشور موسس، یعنی کشورهای بلژیک، فرانسه، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند و آلمان غربی ایجاد کرد. تشکیل انجمن زغال و فولاد نخستین گام در مسیر تشکیل بازار مشترک به شمار می‌رود. از همین رو تبیین جنبه‌های فنی آن حائز اهمیت است. این انجمن دارای چندین ویژگی مهم بود:
- **اقتدار فراملی:** جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا، اقدام به ایجاد یک مرجع فراملی به نام "مرجع عالی" کرد. این نهاد، مسئول نظارت بر صنایع زغال‌سنگ و فولاد در کشورهای عضو بود. برخلاف قراردادهای بین‌المللی سنتی که در آن کشورها حاکمیت خود را حفظ می‌کنند، مرجع عالی، از قدرت اتخاذ تصمیمات الزام‌آور برای کشورهای عضو برخوردار بود.
- **بازار مشترک:** جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا به دنبال ایجاد یک بازار مشترک برای محصولات زغال‌سنگ و فولاد در بین کشورهای عضو خود بود. این بازار مستلزم حذف موانع و سهمیه‌های تجاری و همچنین امکان حرکت آزاد زغال‌سنگ و فولاد در منطقه ECSC بود. این بازار مشترک محدود، بستر مناسبی را برای ادغام اقتصادی بعدی اروپا فراهم کرد.
- **کنترل و تنظیم قیمت:** توافق ECSC به مرجع عالی این اجازه را داد تا قیمت زغال‌سنگ و فولاد را در بازار مشترک تنظیم و تعیین کند. این کار به منظور ممانعت از شکل‌گیری رقابت ناعادلانه و تضمین ثبات در این صنایع کلیدی صورت پذیرفت که برای بازسازی و ایجاد سد دفاعی در زمان پس از جنگ حیاتی بودند.
- **ادغام منابع:** کشورهای عضو توافق کردند که ذخایر زغال‌سنگ و فولاد خود را با یکدیگر

تجمیع کنند و آن‌ها را تحت مالکیت مشترک قرار داده و به صورت مشترک مدیریت کنند. هدف از این تجمیع منابع، حصول اطمینان از عدم استفاده از این صنایع حیاتی به عنوان ابزار تهاجم بود که در طول جنگ جهانی دوم به این شکل مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود.

- **سرکوب کارتل‌ها:** هدف جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا، حذف کارتل‌ها و شیوه‌های تجاری محدودکننده در صنایع زغال‌سنگ و فولاد بود. این امر از طریق اقدامات مختلف ضدتراستی و تعهد به انجام رقابت و قیمت‌گذاری منصفانه به دست آمد.

- **مقررات اجتماعی:** موافقتنامه جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا، شامل مقرراتی به منظور بهبود شرایط کار کارگران صنعت ذغال سنگ و فولاد و همچنین تعهد به انجام اقدامات رفاهی اجتماعی برای حمایت از منافع کارکنان در این بخش‌ها بود.

- **مدت زمان:** در ابتدا قرار بر این بود که قرارداد اولیه ECSC پس از ۵۰ سال منقضی شود که در سال ۲۰۰۲ اتفاق افتاد. با این حال، میراث و اصول کلیدی آن در چارچوب اتحادیه اروپا (EU) و با امضای معاهده رم در سال ۱۹۵۷ باقی ماند.^۱

- رویکرد فراملی منحصربه‌فرد جامعه زغال‌سنگ و فولاد اروپا و تمرکز آن بر صنایع ضروری، پایه‌ای برای تلاش‌های بیشتر برای همگرایی اروپا ایجاد کرد که در نهایت منجر به تشکیل اتحادیه اروپا شد. این توافق، حاکی از انگیزه و پتانسیل کشورهای مستقل برای برقراری همکاری نزدیک در زمینه‌های مورد علاقه متقابل و واگذاری برخی از اختیارات حاکمیتی هر یک از کشورها به نهادهای فراملی به منظور تامین منافع مشترک بود که الگویی برای توسعه پروژه همگرایی اروپایی ایجاد کرد.

۲-۱- معاهده رم (۱۹۵۷):

معاهده رم که در سال ۱۹۵۷ به امضا رسید، منجر به ایجاد جامعه اقتصادی اروپا (EEC) و جامعه انرژی اتمی اروپا^۲ (Euratom) شد. هدف جامعه اقتصادی اروپا، ایجاد بازار مشترک برای طیف وسیع‌تری از کالاها و خدمات و همچنین رفع موانع تجاری بین کشورهای عضو بود. معاهده رم که به عنوان معاهده تاسیس جامعه اقتصادی اروپا شناخته می‌شود، یک توافق‌نامه محوری است که پایه و اساس اتحادیه اروپا (EU) را بنا نهاد. این معاهده دارای دو بخش اصلی بود: ۱- تاسیس اتحادیه اروپا ۲- تاسیس اتحادیه انرژی اتمی اروپا^۳

1- <https://www.jstor.org/stable/40750370>

2- European Atomic Energy Community

3- <https://ecipe.org/wp-content/uploads/2014/12/the-rome-treaty-at-50.pdf>

معاهده رم از منظر فنی، موارد ذیل را در برمی‌گیرد:

- **مقدمه و اهداف:** مقدمه معاهده بر تمایل به ایجاد بازار مشترک و اتحادیه گمرکی در میان کشورهای امضاکننده تأکید داشت. اهداف اولیه شامل تقویت یکپارچگی اقتصادی، دستیابی به رشد پایدار و ترویج صلح و رفاه در اروپا بود.
 - **نهادها:** معاهده رم، چندین نهاد کلیدی از جمله کمیسیون اروپا (مسئول پیشنهاد و اجرای قوانین اتحادیه اروپا)، شورای وزیران (به نمایندگی از دولت‌های کشورهای عضو) و پارلمان اروپا (که توسط شهروندان اتحادیه اروپا انتخاب می‌شوند) را تأسیس کرد. این معاهده همچنین به دیوان دادگستری اروپا شکل داد تا بدین وسیله از اجرای قوانین اتحادیه اروپا اطمینان حاصل شود.
 - **چهار آزادی:** هدف این معاهده، رفع موانع تجاری با ایجاد چهار آزادی اساسی بود: ۱- جابجایی آزاد کالاها، ۲- خدمات، ۳- سرمایه و ۴- افراد که معمولاً از آن تحت عنوان "چهار آزادی" نام برده می‌شود. این امر به تدریج، باعث ایجاد بازار مشترکی شد که در آن کالاها، خدمات و افراد می‌توانند آزادانه در میان کشورهای عضو جابجا شوند.
 - **اتحادیه گمرکی:** این معاهده یک اتحادیه گمرکی را ایجاد کرد؛ به این معنا که تعرفه‌ها و موانع تجاری بین کشورهای عضو حذف شد و برای تمامی کالاهایی که از خارج از جامعه اقتصادی اروپا وارد می‌شدند، یک تعرفه خارجی مشترک اعمال شد.
 - **سیاست رقابت:** معاهده رم پایه و اساس سیاست رقابتی اتحادیه اروپا را بنا نهاد که هدف از آن، جلوگیری از اقدامات ضد رقابتی و انحصار در بازار مشترک بود.
 - **سیاست کشاورزی مشترک^۱ (CAP):** معاهده رم، چارچوب سیاست مشترک کشاورزی برای کشورهای عضو را تبیین کرد که هدف از آن، تضمین امنیت غذایی و تثبیت بازارهای کشاورزی از طریق قیمت‌گذاری و ایجاد مکانیسم‌های بازار مشترک بود.
- به طور خلاصه معاهده رم (۱۹۵۷)، بستر مناسبی را برای جامعه اقتصادی اروپا (EEC) و بازار مشترک آن فراهم کرد. هدف از این معاهده، ارتقای یکپارچگی اقتصادی، حذف موانع تجاری و ایجاد نهادهای کلیدی بود. از همین رو معاهده رم به سندی اساسی در تشکیل اتحادیه اروپا و توسعه بازار مشترک آن تبدیل شد.^۲

۳-۱- اتحادیه گمرکی (۱۹۶۸):

1- Common Agricultural Policy

2- <https://www.europarl.europa.eu/about-parliament/en/in-the-past/the-parliament-and-the-treaties/treaty-of-rome>



جامعه اقتصادی اروپا، اتحادیه گمرکی را در سال ۱۹۶۸ بنا نهاد. بر اساس آن، کشورهای عضو توافق کردند که عوارض گمرکی در تجارت درون جامعه را لغو کنند و یک تعرفه خارجی مشترک برای تمامی کالاهای خارج از اتحادیه اروپا تعیین کنند. اتحادیه گمرکی اروپا، یکی از اجزای محوری یکپارچگی اقتصادی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود، زیرا به حذف موانع گمرکی و ایجاد یک منطقه گمرکی واحد در میان تمامی کشورهای عضو آن منجر شد. به لحاظ فنی نکات کلیدی این توافقنامه عبارتند از:

عوارض گمرکی: توافقنامه اتحادیه گمرکی، عوارض گمرکی (تعرفه) کالاهایی که در داخل قلمرو کشورهای عضو مبادله می‌شوند را حذف کرد؛ این بدان معناست که کالاهای تولیدشده در یک کشور عضو می‌توانند در سایر کشورهای عضو بدون پرداخت عوارض واردات، به فروش برسند.

تعرفه مشترک خارجی: کشورهای عضو اتحادیه گمرکی اروپا یک سیستم مشترک تعرفه خارجی شکل دادند؛ این بدان معناست که تمامی کشورهای عضو، حقوق گمرکی واحدی را برای واردات از کشورهای خارج از اتحادیه اعمال می‌کنند. طراحی تعرفه مشترک خارجی به رفع ضرورت مذاکره تک‌تک کشورهای عضو در معاملات تجاری خود با کشورهای غیرعضو کمک می‌کند؛ امری که می‌توانست وحدت اتحادیه گمرکی را تضعیف کند.

حذف موانع غیرتعرفه‌ای: یکی دیگر از اهداف اتحادیه گمرکی علاوه بر کاهش تعرفه‌ها، رفع موانع غیرتعرفه‌ای تجارت مانند سهمیه‌بندی، مجوزهای واردات و استانداردهای فنی است که می‌تواند جریان آزاد کالا در داخل اتحادیه را محدود کند.

قوانین مبدا: اتحادیه گمرکی به منظور ممانعت از ورود کالاهای خارج از اتحادیه بدون پرداخت عوارض گمرکی از طریق کشورهای عضو با تعرفه‌های پایین‌تر، قوانین مبدا را وضع می‌کند. این قوانین ضمن تعیین مبدا کالاها، شرایط معافیت از عوارض را نیز مشخص می‌کنند.

همکاری گمرکی: کشورهای عضو اتحادیه گمرکی، همکاری نزدیکی در امور گمرکی شکل داده‌اند. این همکاری شامل به اشتراک‌گذاری اطلاعات، انجام بازرسی‌های مشترک گمرکی و هماهنگ‌سازی رویه‌های گمرکی به منظور حصول اطمینان از جریان روان کالاها در سراسر اتحادیه می‌شود.

چالش‌ها: فارغ از امکاناتی که اتحادیه گمرکی برای کشورهای عضو خود فراهم کرده است، مسبب چالش‌هایی نیز هست، زیرا تمامی اعضا موظفند سیاست‌های تجاری خود را هماهنگ کرده و بر روی تعرفه‌های خارجی مشترک توافق کنند. علاوه بر این به منظور جلوگیری از تقلب، قاچاق

و سایر فعالیت‌های غیرقانونی، اتحادیه اروپا یک سیستم قوی در اداره گمرک شکل داده است.

افزایش تعداد اعضا: با گذشت زمان، اتحادیه گمرکی با توسعه اتحادیه اروپا، اعضا جدید پذیرفته است. کشورهای عضو جدید باید قوانین گمرکی و تعرفه‌های خارجی مشترک اتحادیه اروپا را رعایت کنند.

به‌روزرسانی: اتحادیه گمرکی از زمان تاسیس در سال ۱۹۶۸، تاکنون چندین بار اقدام به به‌روزرسانی قوانین خود به منظور انطباق با شرایط متغیر اقتصادی و تجاری از جمله دیجیتالی شدن فرآیندهای گمرکی نموده است.

شایان توجه است که اتحادیه گمرکی اروپا، یک جزء حیاتی از یکپارچگی اقتصادی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود که بر حذف موانع گمرکی و ایجاد یک قلمرو گمرکی واحد بین کشورهای عضو تمرکز دارد. این توافق، تجارت در داخل اتحادیه را ساده ساخته و همچنین رویکردی ثابت به تجارت خارجی با کشورهای غیرعضو را طراحی و بنا نموده که هم به نفع کشورهای عضو و هم در راستای شکوفایی اقتصاد اروپا است.¹

۴-۱- هماهنگ‌سازی مقررات:

پس از توافق بر سر اتحادیه گمرکی، جامعه اقتصادی اروپا به منظور تسهیل تجارت و ایجاد زمینه برای رقابت منصفانه، به هماهنگ‌سازی مقررات و استانداردها در بخش‌های مختلف اقدام نمود؛ این روند شامل همسویی قوانین و مقررات مربوط به ایمنی کالا، استانداردهای فنی و سایر زمینه‌ها بود تا از مبادله آزادانه کالاها در بازار مشترک اطمینان حاصل شود.

۵-۱- چهار آزادی:

هدف جامعه اقتصادی اروپا، ایجاد "چهار آزادی" در بازار مشترک بود:

۱-۵-۱- انتقال آزاد کالا: رفع موانع تجاری، تعرفه‌ها و سهمیه‌بندی‌ها.

۲-۵-۱- انتقال آزاد خدمات: به ارائه دهندگان خدمات اجازه می‌دهد تا در سراسر مرزهای اتحادیه فعالیت کنند.

۳-۵-۱- جابه‌جایی آزاد سرمایه: رفع محدودیت تراکنش‌های مالی و سرمایه‌گذاری.

۴-۵-۱- تحرک آزاد مردم: اعطای مجوز به تمامی شهروندان کشورهای عضو به منظور انتخاب

1-[https://eurlex.europa.eu/summary/chapter/12.html#:~:text=The%20Customs%20Union%20is%20an,the%20European%20Union%20\(TFEU\).](https://eurlex.europa.eu/summary/chapter/12.html#:~:text=The%20Customs%20Union%20is%20an,the%20European%20Union%20(TFEU).)



آزاد محل زندگی و کار در هر یک از کشورهای عضو.

چهار آزادی در چارچوب بازار مشترک اتحادیه اروپا، به اصول اساسی بازار داخلی اتحادیه اروپا اشاره دارد که هدف از آن، ترویج حرکت آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و افراد در داخل اتحادیه اروپا است. این چهار آزادی، ستون‌های کلیدی بازار واحد اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند که به منظور ایجاد فضای اقتصادی یکپارچه بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد شده است. در ادامه، روند تحول چهار آزادی و نحوه تحقق آن‌ها به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

جابجایی آزاد کالا:

حرکت آزاد کالا، یکی از اصول اساسی شکل‌گیری جامعه اقتصادی اروپا بود که در مراحل بعدی به اتحادیه اروپا تبدیل شد. این آزادی، شامل حذف عوارض گمرکی، محدودیت‌های کمی و سایر موانع تجاری بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌شود. هدف جابجایی آزاد کالا، از طریق ایجاد اتحادیه گمرکی تحقق یافت که در آن کشورهای عضو دارای یک تعرفه خارجی مشترک و یک بازار واحد هستند. این دو ساز و کار به تبادل آزادانه کالاها در اتحادیه اروپا بدون بازرسی‌های گمرکی یا موانع تجاری منجر شده است؛ در همین راستا اتحادیه اروپا، با هدف تسهیل تجارت اقدام به هماهنگ‌سازی استانداردها و مقررات فنی نموده است.

انتقال آزادانه خدمات:

با اجرای دستورالعمل خدمات در سال ۲۰۰۶، با هدف رفع موانع ارائه خدمات در سراسر اتحادیه اروپا، حرکت آزاد خدمات به بخش برجسته‌ای از بازار واحد تبدیل شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا با آزادسازی بازارهای خدمات موافقت کردند و به ارائه‌دهندگان خدمات در یک کشور عضو اجازه دادند خدمات خود را در سایر کشورهای عضو بدون تبعیض ارائه دهند. اصل شناخت متقابل نقش مهمی در تضمین ارائه خدمات برون مرزی ایفا می‌کند.

جابجایی آزاد سرمایه:

حرکت آزاد سرمایه از روزهای اولیه شکل‌گیری اتحادیه اروپا به عنوان یک اصل اساسی مطرح بوده است که هدف آن، رفع محدودیت‌های جابجایی سرمایه در داخل اتحادیه اروپا است. در این قالب، نه تنها کشورهای عضو نمی‌توانند محدودیت‌هایی را در مقابل جابجایی سرمایه بین خود یا با کشورهای ثالث اعمال کنند، بلکه به تضمین جریان آزاد سرمایه‌گذاری‌ها و معاملات مالی نیز متعهد شده‌اند. شایان توجه است که بانک مرکزی اروپا و سایر نهادهای اتحادیه اروپا در حفظ

ثبات مالی در منطقه یورو نقش کلیدی ایفا می‌کنند.

تردد آزاد شهروندان با جابجایی نیروی کار:

رفت و آمد آزاد شهروندان کشورهای عضو، با معاهده شنگن و معرفی حق شهروندی اتحادیه اروپا که در قالب معاهده ماستریخت در سال ۱۹۹۳ تبیین شده، ارتباط نزدیکی دارد. در راستای این اصل، شهروندان اتحادیه اروپا از حق زندگی و کار در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا برخوردارند. از این رو منطقه شنگن، در طیفی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا، امکان سفر بدون گذرنامه و عدم کنترل مرزهای داخلی را فراهم می‌کند. علاوه بر این، شهروندان غیراتحادیه اروپا نیز ممکن است تحت شرایط خاصی از آزادی تردد برخوردار شوند.

اجرای چهار آزادی، در قالب مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اتحادیه اروپا، احکام صادره از دیوان دادگستری اروپا^۱ (ECJ) و مذاکرات جاری بین کشورهای عضو تبیین و اجرایی می‌شود. علاوه بر این، اجرای این اصل، مستلزم تعهد به هماهنگ‌سازی چارچوب‌های قانونی و نظارتی مختلف به منظور ایجاد زمینه‌های رقابت منصفانه برای مشاغل و افراد در سراسر اتحادیه اروپا است.

شایان توجه است که اجرای آزادی‌های چهارگانه، بدون چالش هم نبوده است، زیرا تفاوت در مقررات ملی، بازار کار و سیستم‌های اجتماعی می‌تواند تنش‌ها و اختلافاتی را ایجاد کند. با این وجود، اصل چهار آزادی، اجزای اساسی چشم‌انداز اتحادیه اروپا در مورد بازار واحد و شکوفای به شمار می‌رود.^۲

۶-۱- قانون اروپای واحد (۱۹۸۶):

شکل‌دهی به قانون اروپای واحد، گام بزرگی در ایجاد بازار مشترک بوده است. این اتحادیه کشورهای عضو را نسبت به تکمیل فرایند بازار مشترک تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ متعهد نمود. علاوه بر این، اتحادیه اصل "شناسایی متقابل" را تبیین کرد که بر اساس آن، به کالاهایی که دارای مجوز قانونی فروش در یک کشور عضو است، اجازه می‌داد تا بدون آزمایش یا گواهی بیشتر در کشور دیگر به فروش برسد. در ادامه به برخی از جنبه‌های بنیادین فنی و جزئیات قانون اروپای واحد پرداخته خواهد شد:

هدف: هدف اصلی قانون اروپای واحد، ایجاد بازار اروپای واحد تا سال ۱۹۹۲ بود که به معنای حذف موانع تجاری، هماهنگ‌سازی مقررات و حرکت آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و افراد در جامعه اروپا تلقی می‌شد. قانون اروپای واحد معاهده‌ای کاملاً جدید نبود، بلکه اصلاحیه‌ای بر معاهدات

1- European Court of Justice

2- <https://www.bertelsmann-stiftung.de/en/publications/publication/did/the-four-freedoms-in-the-eu-are-they-inseparable>



موجود بود که جوامع اروپایی را تاسیس کرد. در واقع این قانون، معاهده رم (معاهده تاسیس جامعه اقتصادی اروپا) و معاهده پاریس (معاهده تاسیس جامعه انرژی اتمی اروپا یا اوراتوم) را اصلاح کرد. **بازار داخلی:** قانون اروپای واحد، چارچوبی جامع برای ایجاد یک بازار داخلی بر اساس "چهار آزادی" (بیشتر شرح داده شدند) به عنوان اصول اصلی خود تعریف کرد.

هماهنگ‌سازی قوانین: قانون اروپای واحد، نیاز به هماهنگ‌سازی قوانین و مقررات ملی به منظور تضمین وجود شرایط رقابت منصفانه در بازار واحد را مورد تاکید قرار داده است. هماهنگ‌سازی، شامل استانداردسازی مقررات فنی و استانداردهای محصول بود.

روند تصمیم‌گیری: بر اساس قانون اروپای واحد، "رویه همکاری" و "تکمیل رویه بازار داخلی" مشخص شده است. این رویه‌ها فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه اروپا را ساده‌تر و کارآمدتر کرده است.

حوزه‌های جدید سیاست: قانون اروپای واحد، حوزه‌های سیاستی تحت صلاحیت جامعه اروپا را به حوزه‌های جدیدی از جمله حفاظت از محیط‌زیست، تحقیق و توسعه و سیاست‌های اجتماعی گسترش داد و اعمال نفوذ بیشتری در این زمینه‌ها به پارلمان اروپا اعطا کرده است.

جدول زمانی قانون اروپای واحد: قانون اروپای واحد به منظور رفع موانع مختلف و تکمیل بازار داخلی، تا ۳۱ دسامبر ۱۹۹۲ به کشورها فرصت داد. قانون اروپای واحد، انعکاسی از وجود اراده سیاسی قوی میان کشورهای عضو به منظور تعمیق یکپارچگی اروپایی و تقویت همکاری اقتصادی بود. به دیگر سخن در پرتو این قانون، یکپارچگی اقتصادی در اروپا شتاب بیشتری گرفت. این قانون، تاثیر عمیقی بر توسعه اتحادیه اروپا بر جای گذارد و منجر به رفع بسیاری از موانع تجارت و ایجاد بازار واحد شد که رشد اقتصادی و تجارت بین کشورهای عضو را به میزان قابل توجهی افزایش داد. علاوه بر این، قانون اروپای واحد، بستر مناسبی را برای ادغام بیشتر کشورهای اروپایی از جمله پذیرش واحد پول (یورو) و گسترش اتحادیه اروپا فراهم کرد.^۱

موافقتنامه شینگن (۱۹۸۵)

معاهده شینگن به طور مستقیم به بازار مشترک مربوط نمی‌شد، اما کنترل‌های مرزی بین کشورهای شرکت‌کننده را حذف کرد و امکان رفت و آمد آزادانه شهروندان را فراهم کرد.

1- <https://www.europarl.europa.eu/about-parliament/en/in-the-past/the-parliament-and-the-treaties/single-european-act>

معاهده ماستریخت (۱۹۹۳)

معاهده ماستریخت که رسماً به عنوان پیمان اتحادیه اروپا شناخته می‌شود، در سال ۱۹۹۲ به امضا رسید و در سال ۱۹۹۳ لازم‌الاجرا شد. این معاهده نقش مهمی در توسعه اتحادیه اروپا و تاثیر قابل توجهی بر بازار مشترک اتحادیه اروپا برجای گذارد. این معاهده یکپارچگی اقتصادی و سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را از چند مسیر افزایش داد:

- *اتحادیه اقتصادی و پولی*^۱ (*EMU*): معاهده ماستریخت، چارچوب اتحادیه اقتصادی و پولی (*EMU*) را بنا نهاد و پایه و اساس ایجاد واحد پول اروپایی (یورو) را برجا گذاشت. این معاهده ضوابط خاصی را که به عنوان معیارهای ماستریخت شناخته می‌شود و کشورهای عضو برای پذیرش در حوزه یورو موظف به رعایت آن‌ها هستند را مشخص کرده است. این معیارها شامل الزامات مربوط به نرخ تورم، کسری بودجه و نرخ بهره بود که تضمین‌کننده این امر بود که کشورهایی که واحد پول مشترک را اتخاذ می‌کنند، دارای اقتصاد باثباتی هستند.
- *تقویت بازار واحد*: هدف این معاهده، تعمیق بازار اروپایی واحد از طریق حذف موانع تجاری، هماهنگ‌سازی مقررات و تشویق جریان آزاد کالاها، خدمات، سرمایه و مردم بود که دامنه بازار واحد را به خدمات، مالکیت معنوی و تدارکات عمومی نیز گسترش داد. علاوه بر این، اصل عدم تبعیض بین شهروندان اتحادیه اروپا را بنا نهاد و آزادی آن‌ها در انتخاب محل کار و اقامت در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا را تضمین کرد.
- *سیاست خارجی و امنیتی مشترک*^۲ (*CFSP*): معاهده ماستریخت، سیاست خارجی و امنیتی مشترک کشورهای عضو اتحادیه اروپا را طراحی کرد که به دنبال ترویج همکاری نزدیک‌تر بین کشورهای عضو در زمینه سیاست خارجی و مسائل امنیتی بود. منطق چنین طرحی آن بود که یک محیط باثبات و امن برای عملکرد بازار مشترک ضروری است.
- *شهروندی اروپا*: این معاهده، مفهوم شهروندی اروپایی را معرفی کرد و به شهروندان اتحادیه اروپا حقوق خاصی مانند حق تردد و اقامت آزادانه در قلمرو کشورهای عضو اعطا کرد. این امر تحرک نیروی کار را تسهیل کرد و به ایجاد بازار کار یکپارچه‌تر در اتحادیه اروپا کمک کرد.
- *هماهنگی سیاست‌های اقتصادی*: این معاهده زمینه را برای هماهنگی بیشتر در سیاست‌های اقتصادی بین کشورهای عضو فراهم کرد. این هماهنگی به منظور تضمین ثبات در منطقه یورو و

1- Economic and Monetary Union

2- Common Foreign and Security Policy



جلوگیری از عدم تعادل اقتصادی که می‌تواند بر بازار مشترک تاثیر بگذارد، ضروری بود.

- **اصلاحات نهادی:** معاهده ماستریخت چندین تغییر نهادی از جمله ایجاد بانک مرکزی اروپا^۱ (ECB) و سیستم اروپایی بانک‌های مرکزی^۲ (ESCB) انجام داد. این نهادها نقش محوری در مدیریت یورو و ثبات بازار مشترک در اتحادیه اروپا ایفا می‌کنند.

- **مفاد/انصراف:** این معاهده شامل مفاد انصرافی نیز بود که به برخی از کشورهای عضو مجوز انصراف از حوزه‌های خاص ادغام اتحادیه اروپا، مانند یورو یا موافقت‌نامه شینگن که به کنترل‌های مرزی و رواید مربوط می‌شود، اعطا می‌کند.

در مجموع معاهده ماستریخت، یکپارچگی اقتصادی میان کشورهای اتحادیه اروپا را تعمیق بخشیده است و یورو را به عنوان پول رایج معرفی کرد و بستر مناسبی جهت ایجاد هماهنگی نزدیک‌تر در سیاست‌های اقتصادی بین کشورهای عضو فراهم کرد. علاوه بر این، به گسترش حقوق فردی و ارتقای یک سیاست خارجی و امنیتی مشترک کمک کرد که همگی در عملکرد بازار واحد اتحادیه اروپا به ایفای نقش می‌پردازند.^۳

در سال‌های پس از معاهده ماستریخت، اتحادیه اروپا به توسعه خود ادامه داد و به مهم‌ترین نهاد فراملی منطقه‌ای و نماد همگرایی اقتصادی و تجاری در جهان بدل شد و در این چارچوب بازار واحد شکل گرفت و همگرایی سیاسی به اوج رسید. اگر چه در سال‌های اخیر با رویدادهایی همچون خروج بریتانیا از این اتحادیه و جنگ اوکراین، این اتحادیه با چالش‌هایی مواجه شده است، اما همچنان بزرگ‌ترین بلوک اقتصادی و سیاسی همگرا و بزرگ‌ترین بازار واحد محسوب می‌شود. در ادامه به بررسی ویژگی‌های کلیدی بازار اروپای واحد خواهیم پرداخت:

۱- برخورداری از آزادی‌های چهارگانه که در بخش‌های قبل توضیح داده شد

۲. هماهنگ‌سازی مقررات: اتحادیه اروپا به منظور اطمینان از وجود شرایط رقابت منصفانه برای مشاغل و مصرف‌کنندگان، مقررات و استانداردها را در بخش‌های مختلف هماهنگ می‌کند. این هماهنگی شامل همسویی با استانداردهای فنی، ایمنی، کیفیت و همچنین رویه‌های تایید محصول است. هدف از این اقدام، کاهش موانع غیرتعرفه‌ای برای تجارت است.

۳. اتخاذ سیاست‌های رقابتی: اتحادیه اروپا قوانین سختگیرانه‌ای را به منظور ممانعت از بروز

1- European Central Bank

2- European System of Central Banks

3- <https://www.europarl.europa.eu/about-parliament/en/in-the-past/the-parliament-and-the-treaties/maastricht-treaty>

رفتارهای ضد رقابتی مانند انحصارها یا کارتل‌ها که می‌تواند بازار واحد را مخدوش کند، به اجرا در می‌آورد. در همین راستا، کمیسیون اروپا و مقامات ملی با یکدیگر به منظور شکل‌دهی به بازار رقابتی همکاری تنگاتنگی دارند.

۴. اتحادیه گمرکی: کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بخشی از یک اتحادیه گمرکی هستند؛ به این معنا که آن‌ها یک تعرفه خارجی مشترک و یک قلمرو گمرکی واحد را به اجرا می‌گذارند. این امر تجارت با کشورهای غیر اتحادیه اروپا را ساده ساخته و از نیاز به بررسی گمرکی در بازار واحد جلوگیری می‌کند.

۵. ارز رایج (منطقه یورو): با وجود این که تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا از یورو (EUR) استفاده نمی‌کنند، اما ارز واحد، یک ویژگی کلیدی برای کشورهای منطقه اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. این ارز واحد تراکنش‌های فرامرزی را ساده ساخته، خطرات مبادله ارز را حذف کرده و شفافیت قیمتی را ارتقا می‌دهد.

۶. شناسایی متقابل صلاحیت‌ها: مدارک حرفه‌ای اخذ شده در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا عموماً در سایر کشورهای این اتحادیه نیز به منظور تسهیل تردد آزادانه افراد به رسمیت شناخته می‌شود؛ امری که امکان کار متخصصان در سراسر مرزهای اتحادیه اروپا را فراهم می‌کند.

۱. یکپارچگی مالی: هدف اتحادیه اروپا، شکل‌دهی به یک بازار مالی هماهنگ با مقررات منسجم به منظور تسهیل بانک‌داری، سرمایه‌گذاری و خدمات مالی فرامرزی است.

۲. بازار واحد دیجیتال: اتحادیه اروپا در تلاش است تا یک بازار واحد دیجیتال ایجاد کند که در آن کالاها و خدمات دیجیتال می‌توانند به طور یکپارچه در سراسر مرزها ارائه شوند و تمامی شهروندان نیز به آن‌ها دسترسی داشته باشند. این روند، شامل هماهنگ کردن قوانین مربوط به تجارت الکترونیک، حفاظت از داده‌ها و حق چاپ است.

۳. تدارکات عمومی: بر اساس قوانین اتحادیه اروپا در مورد تدارکات عمومی، به منظور فراهم‌سازی شرایط رقابت منصفانه میان شرکت‌ها در سراسر بازار واحد، قراردادهای عمومی در اختیار شرکت‌ها قرار دارد؛ امری که موجب ارتقای انصاف و کارایی در تخصیص بودجه عمومی می‌شود.

۴. ساز و کارهای اجرایی: بازار اروپای واحد توسط طیف وسیعی از نهادها، از جمله کمیسیون اروپا، دیوان دادگستری اروپا و دادگاه‌های ملی مورد حمایت قرار می‌گیرد؛ امری که به اجرای قوانین بازار واحد و حل و فصل اختلافات کمک می‌کنند.



ویژگی‌های کلیدی که در بالا مورد بررسی قرار گرفتند، برای ایجاد یک بازار واحد یکپارچه، رقابتی و کارآمد طراحی شده‌اند تا با ارتقای رشد اقتصادی و کاهش موانع تجارت و سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا، هم برای کسب‌وکارها و هم برای مصرف‌کنندگان سودمند باشد.¹

ساختار حکمرانی بازار مشترک اروپا

ساختار حکمرانی بازار مشترک اتحادیه اروپا که اغلب به عنوان بازار واحد نیز از آن یاد می‌شود، شامل یک سیستم پیچیده است که نهادهای مختلف اتحادیه اروپا، دولت‌های کشورهای عضو و نهادهای نظارتی را در خود جای داده است. بازیگران کلیدی در این ساختار عبارتند از:

- **کمیسیون اروپا:** کمیسیون اروپا قوه اجرایی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود که در حکمرانی بر بازار مشترک نقش محوری دارد. کمیسیون، مسئول پیشنهاد قوانین، اجرای قوانین اتحادیه اروپا و همچنین اجرای سیاست‌هاست. این اداره بر اداره کل‌های (DGs) مختلف، از جمله اداره کل (DG) بازار داخلی، صنعت، کارآفرینی و SMEs که بر مسائل مربوط به بازار مشترک تمرکز دارند، نظارت می‌کند.
- **شورای اتحادیه اروپا:** این شورا که اغلب به عنوان شورای وزیران شناخته می‌شود، متشکل از نمایندگان اعضا اتحادیه اروپا (معمولاً در سطح وزیران) است. این شورا در تعامل با پارلمان اروپا، دارای اختیارات قانونگذاری و تصمیم‌گیری است. در واقع شورا، مسئولیت تصویب قوانین (از جمله قوانین مربوط به بازار مشترک)، سیاست‌ها و بودجه‌ها را برعهده دارد.
- **پارلمان اروپا:** پارلمان اروپا نهاد قانونگذاری اتحادیه اروپا به شمار می‌رود که اعضای آن به طور مستقیم انتخاب می‌شوند. در واقع پارلمان، با بحث و بررسی و اصلاح قوانین پیشنهادی در روند قانونگذاری شرکت می‌کند؛ اختیارات قانونگذاری را با شورا به اشتراک می‌گذارد و موظف به تصویب بسیاری از اقدامات مرتبط با بازار مشترک است.
- **شورای اروپا:** متشکل از سران کشورها یا دولت‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. شورای اروپا مستقیماً در تصویب قوانین جاری دخالت ندارد، اما جهت‌گیری راهبردی و اولویت‌های اتحادیه اروپا را که می‌تواند تاثیر قابل توجهی بر بازار مشترک داشته باشد را تعیین می‌کند.
- **دیوان دادگستری اتحادیه اروپا (CJEU):** اجرای منسجم قوانین اتحادیه اروپا را تفسیر

1- https://single-market-scoreboard.ec.europa.eu/performance-overview_en

و تضمین می‌کند. این نهاد از صلاحیت حل و فصل اختلافات حقوقی مربوط به بازار مشترک برخوردار است و رعایت قوانین اتحادیه اروپا را تضمین می‌کند.

- کشورهای عضو اتحادیه اروپا: دولت‌های ملی نقش مهمی در اجرای قوانین و مقررات بازار مشترک ایفا می‌کنند. آن‌ها مسئول گنجاندن دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا در قوانین ملی خود و حصول اطمینان از رعایت آن‌ها هستند.

- سازمان نظارتی انجمن تجارت آزاد اروپا¹ (EFTA): برخی از کشورهای عضو این سازمان (مانند نروژ، ایسلند، لیختن اشتاین)، بخشی از اتحادیه اروپا به شمار نمی‌روند اما از طریق توافقنامه EEA بخشی از بازار واحد هستند و سازمان نظارتی انجمن تجارت آزاد اروپا بر انطباق عملکرد آن‌ها با قوانین بازار واحد نظارت دارد.

- بانک مرکزی اروپا (ECB): بانک مرکزی اروپا مسئول اتخاذ سیاست‌های پولی در منطقه یورو است که زیرمجموعه‌ای از کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. این بانک در حفظ ثبات اقتصادی بازار واحد نقش مهمی ایفا می‌کند.

- نهادهای نظارتی ملی: آژانس‌های ملی مختلفی نیز در داخل کشورهای عضو هستند که بر بخش‌ها و صنایع خاص نظارت می‌کنند و از مطابقت آن‌ها با مقررات اتحادیه اروپا اطمینان حاصل می‌کنند. در واقع این آژانس‌ها، به اجرا و تنظیم قوانین بازار واحد در سطح ملی کمک می‌کنند.

- سازمان‌های ذینفع: انجمن‌های مختلف صنعتی، گروه‌های مصرف‌کننده و سایر ذینفعان از طریق مشاوره، حمایت و تعامل با نهادهای اتحادیه اروپا، در حکمرانی بازار مشترک مشارکت دارند.

ساختار حکمرانی بازار مشترک اتحادیه اروپا پیچیده است و فرایندهای تصمیم‌گیری و نظارت در بین نهادهای فراملی و سطوح مختلف دولت‌ها گسترده شده است. این پیچیدگی، نمایانگر تعهد اتحادیه اروپا به اصول دموکراتیک، همکاری و پیگیری بازار واحد و یکپارچه در سراسر کشورهای عضو است.²

1- European Free Trade Association

2- https://european-union.europa.eu/institutions-law-budget/institutions-and-bodies/types-institutions-and-bodies_en



روند تشکیل بازارهای مشترک : مرکوسور

درآمد

تشکیل بازار مشترک جنوبی که معمولاً با نام مرکوسور شناخته می‌شود، فرآیندی پیچیده و چند مرحله‌ای را طی کرده است. این فرایند در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد؛ تا پیش از آن، ایده یکپارچگی منطقه‌ای در آمریکای جنوبی سال‌ها مورد بحث و بررسی قرار داشت و با تلاش کشورها به منظور ارتقای همکاری اقتصادی و کاهش موانع تجاری، در دهه ۱۹۸۰ شتاب بیشتری گرفت. مراحل شکل‌گیری بازار مشترک مرکوسور را به صورت ذیل می‌توان ترسیم کرد:

۱- پیمان آسونسیون (۲۶ مارس ۱۹۹۱):

تشکیل MERCOSUR رسماً با امضای معاهده Asunción در پاراگوئه آغاز شد. این معاهده توسط چهار کشور بنیانگذار آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه به امضا رسید. اهداف اصلی این معاهده، ایجاد بازار مشترک و ارتقای یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو بود. ابعاد فنی این موافقتنامه کلیدی که مسیر ایجاد بازار مشترک جنوبی یا مرکوسور را محقق ساخت را به صورت ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱-۱- ادغام بازارها:

یکی از اهداف اصلی این معاهده، ایجاد بازار مشترک بین کشورهای امضاکننده بود. این امر به معنای رفع موانع تجاری و تسهیل جریان تبادل آزاد کالاها، خدمات و عوامل تولید (مانند سرمایه و نیروی کار) در میان کشورهای عضو به شمار می‌رود.

۱-۲- اتحادیه گمرکی:

یکی دیگر از طرح‌های برنامه‌ریزی شده در این معاهده، تشکیل اتحادیه گمرکی بود. در اتحادیه گمرکی، کشورهای عضو موافقت می‌کنند که تعرفه‌های خارجی مشترکی را اتخاذ و اعمال کنند. بدان معنا که حقوق ورودی مشترکی را برای کشورهای غیرعضو اعمال می‌کنند که به جلوگیری از انحراف تجارت و تقویت همکاری‌های اقتصادی کمک می‌کند.

۱-۳- آزادسازی تجارت:

معاهده آسونسیون همچنین شامل مقرراتی به منظور کاهش و در نهایت حذف موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای تجارت میان کشورهای عضو بود. اجرایی شدن این قواعد منجر به کاهش قابل توجه

محدودیت‌های تجاری در منطقه مرکوسور شد.

۴-۱- چارچوب نهادی:

دستورالعمل اورو پرتو که در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ و بر بنیان این معاهده امضا شد، نقشی اساسی در ایجاد چارچوب نهادی برای بازار مشترک ایفا کرد. این دستورالعمل نقطه عطفی در تلاش‌های همگرایی منطقه‌ای در میان کشورهای آمریکای جنوبی به شمار می‌رود.

پارلمان مرکوسور بر اساس دستورالعمل اورو پرتو تاسیس شد و بدین ترتیب یک نهاد قانونگذاری برای سازمان فراهم کرد. پارلمان، متشکل از نمایندگان کشورهای عضو است که نقش آن، توسعه و هماهنگ‌سازی قوانین در زمینه‌های مختلف از جمله تجارت، سیاست‌های اقتصادی و مقررات گمرکی است. این نهاد قانونگذاری، ضمن این که همکاری میان اعضا را تقویت می‌کند، منجر به شکل‌دهی به یک چارچوب قانونی همگون‌تر در داخل بلوک مرکوسور شده است.

دستورالعمل اورو پرتو زمینه را برای تعرفه مشترک خارجی در مرکوسور فراهم کرد. در نهایت، دستورالعمل، ساز و کار حل اختلاف را مشخص کرد که برای حفظ ثبات بلوک تجاری منطقه‌ای حیاتی است. در صورت بروز اختلافات یا اختلافات تجاری، اعضای مرکوسور موافقت کردند که از رویه‌های داوری برای یافتن راه حل‌های قابل قبول متقابل، ارتقاء همکاری و به حداقل رساندن درگیری‌های احتمالی استفاده کنند.

به طور خلاصه، دستورالعمل اورو پرتو که در سال ۱۹۹۴ اجرایی شد، عناصر فنی ضروری به منظور عملکرد مرکوسور را نهادینه و ساختار بندی نمود. در همین راستا می‌توان به تاسیس پارلمان مرکوسور، اجرای تعرفه خارجی مشترک و مکانیسم‌های حل اختلاف اشاره نمود. مفاد این دستورالعمل، در ایجاد چارچوبی برای همکاری اقتصادی و سیاسی میان کشورهای آمریکای جنوبی و کمک به توسعه و یکپارچگی منطقه، حائز اهمیت فراوانی بود.^۱

۵-۱- اجرای تدریجی:

در این معاهده بر زمان‌بر بودن روند یکپارچگی کامل اقتصادی تاکید شده بود. از همین رو یک رویکرد تدریجی برای آزادسازی تجاری و اجرای مقررات این نهاد ترسیم شده بود و بدین ترتیب به کشورهای عضو، فرصت و مجوز ایجاد انطباق میان اقتصاد خود با قوانین جدید را اعطا کرده بود.



۶-۱- استثنایا و مقررات ویژه:

معاهده آسونسیون، استثنایات و مقررات ویژه‌ای را به منظور پاسخگویی به نیازها و نگرانی‌های خاص کشورهای عضو طراحی کرده بود. به عنوان مثال، دوره‌های انتقالی را پیش‌بینی کرد و در طول این دوره، امکان مستثنی شدن برخی از محصولات، از قانون کاهش تعرفه را فراهم نمود.

۷-۱- همکاری در سایر زمینه‌ها:

با وجود آن که تمرکز اصلی این معاهده بر یکپارچگی اقتصادی قرار گرفته بود، اما بر همکاری در سایر زمینه‌ها از جمله فناوری، فرهنگ و توسعه اجتماعی نیز تاکید دارد که به نوعی منعکس کننده چشم‌انداز وسیع‌تری از همکاری منطقه‌ای است.

۸-۱- تصویب و لازم‌الاجرا شدن:

هر یک از کشورهای عضو می‌بایست این معاهده را از طریق فرآیندهای قانونی مختص خود، به تصویب می‌رساند. هنگامی که هر چهار کشور عضو، آن را تصویب کردند، معاهده آسونسیون لازم‌الاجرا شد و منجر به تاسیس رسمی مرکوسور در اول ژانویه ۱۹۹۵ شد.^۱

۱- روند تعیین تعرفه مشترک

بر مبنای معاهده آسونسیون، تعیین تعرفه مشترک به عنوان یکی از کلیدی‌ترین گام‌های شکل‌دهی به بازار مشترک در دستور کار قرار گرفت. یکی از اجزای مهم بلوک تجاری مرکوسور، وضع تعرفه خارجی مشترک به شمار می‌رود و فرایند تعیین آن پیچیده بوده است. در واقع، معاهده آسونسیون با هدف ایجاد "اتحادیه گمرکی"، پایه و اساس تعرفه مشترک خارجی را بنیان نهاد.

به منظور وضع و اجرای تعرفه مشترک خارجی، چندین دور مذاکره برگزار شد که برای تعیین تعرفه‌های خاص بر روی کالاهای مختلف و چگونگی ایجاد هماهنگی بین کشورهای عضو، از اهمیت فراوانی برخوردار بود. در ادامه به برخی از مهم‌ترین دوره‌های مذاکره اشاره خواهد شد:

دور اول (۱۹۹۱): دور اولیه مذاکرات، بر تنظیم چارچوب تعرفه مشترک خارجی متمرکز شد و به مباحثی از جمله: ساختار تعرفه‌ها، زمان کاهش تعرفه‌ها و معافیت‌ها پرداخته شد.

دور دوم (۱۹۹۳): هدف از برگزاری این دور از مذاکرات، تنظیم دقیق جزئیات تعرفه مشترک خارجی، تعیین جدول زمانی به منظور کاهش تعرفه‌ها و شناسایی محصولات حساسی که ممکن است به حذف تدریجی تعرفه نیاز داشته باشند، بود.

1- http://www.sice.oas.org/trade/mrcsr/treatyasun_e.asp.

دور سوم (۱۹۹۴): دور سوم مذاکرات، به نهایی‌سازی تعرفه مشترک خارجی و قوانین همراه آن اختصاص یافته بود. در طی همین دور از مذاکرات، کشورهای عضو بر روی نام‌گذاری مشترک یک سیستم دسته‌بندی برای کالاها و تعیین نرخ‌های تعرفه مشخص برای دسته‌های مختلفی از کالاها، به توافق رسیدند.

در نهایت پس از انجام چندین دور از مذاکرات، کشورهای عضو مرکوسور در مورد تعیین ساختار تعرفه مشترک خارجی به اجماع رسیدند. در همین قالب، آن‌ها بر سر یک برنامه تعیین تعرفه مشترک برای کالاهای وارداتی از خارج از بلوک توافق کردند. این جدول، نرخ تعرفه برای انواع محصولات و همچنین دوره‌های زمانی حذف تدریجی و کاهش تعرفه را مشخص می‌کرد. در همین راستا، سرانجام تعرفه خارجی مشترک به طور رسمی در ۱ ژانویه ۱۹۹۵ به اجرا درآمد. در واقع اول ژانویه، روز آغاز یک سیاست تعرفه‌ای یکپارچه برای تمامی کشورهای عضو مرکوسور بود.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که تعرفه مشترک خارجی ثابت نیست و می‌توان آن را در طول زمان و متناسب با شرایط اقتصادی در حال تغییر و نیازهای تجاری جدید، تطبیق داده و بازطراحی کرد. در همین راستا این احتمال وجود دارد که کشورهای عضو به منظور اصلاح نرخ‌های تعرفه‌های خاص یا گنجاندن برخی از محصولات جدید در ذیل تعرفه مشترک خارجی، در دوره‌های مذاکرات بیشتری شرکت کنند.

- از همین رو پس از اجرایی‌شدن موافقت‌نامه اولیه تعرفه مشترک خارجی، به منظور اصلاح و توسعه آن، مذاکرات همچنان تداوم یافت. طی سال‌های ۲۰۰۶ - ۱۹۹۵، مذاکرات در مورد جنبه‌های مختلف تعرفه مشترک خارجی از جمله نرخ‌های تعرفه، طبقه‌بندی کالاها و سایر مسائل مربوط به تجارت انجام شد. سرانجام کشورهای عضو مرکوسور در سال ۲۰۰۶ موافقت کردند که تعرفه مشترک خارجی را برای حدود ۸۵٪ از خطوط تعرفه‌ای خود اجرا کنند.^۱

موافقت‌نامه تعرفه مشترک خارجی در سال ۲۰۰۷ مجدداً اصلاح شد و بخش قابل‌توجهی از خطوط تعرفه را پوشش داد. با این حال، همچنان استثنائاتی برای برخی از بخش‌ها و کالاها باقی ماند و مذاکرات برای حل مسائل باقیمانده تداوم یافت. متعاقب همین امر، در طول دهه ۲۰۱۰ نیز مذاکرات در جهت اصلاح و گسترش تعرفه مشترک خارجی، حذف استثنائات باقیمانده و هماهنگ‌سازی سیاست‌های تجارت خارجی ادامه یافت. حتی در سال ۲۰۲۱ نیز برخی از کشورهای عضو مرکوسور تلاش کردند تا تعرفه‌ها را از متوسط ۱۳ درصد که در گذشته تعیین شده بود، مجدداً کاهش دهند؛ امری که با موفقیت همراه نبود. از آن‌جا که تصمیم‌گیری در این نهاد به صورت اجماعی انجام می‌شود، مخالفت برخی از اعضا،

1-https://www.cepal.org/sites/default/files/events/files/documento_carmen_estrades_ifpri.pdf

مذاکرات را به بن‌بست کشاند.^۱

با وجود تمامی این مسائل، اعمال تعرفه مشترک خارجی، از موفقیت‌های همگرایی اقتصادی در قالب مرکوسور به شمار می‌آید. تعرفه مشترک خارجی مرکوسور بر اصول ذیل استوار است:

- ساختار تعرفه‌ای هماهنگ: کشورهای عضو در مورد تعیین نرخ‌های تعرفه مشترک برای دسته‌های مختلفی از محصولات به توافق رسیدند.
- کاهش تدریجی تفاوت‌های تعرفه‌ها: به مرور و با گذشت زمان کشورهای عضو، هدف خود را به حداقل رساندن اختلاف در نرخ‌های تعرفه بر روی محصولات خاص تعیین کردند.
- قوانین/استثنا: کشورهای عضو برای محصولات یا بخش‌های خاصی که به زمان بیشتری برای تعدیل و کاهش نرخ تعرفه نیاز داشتند یا از شرایط منحصر به فردی برخوردار بودند، استثنائاتی در نظر گرفتند.
- فرآیند تصمیم‌گیری: در مرکوسور تصمیمات مربوط به تعرفه مشترک خارجی، معمولاً با اجماع بین کشورهای عضو گرفته می‌شود؛ این بدان معناست که تمامی اعضا باید با هر گونه تغییر یا اصلاح در تعرفه مشترک خارجی موافقت داشته باشند.^۲

۳. روند گسترش مرکوسور

همان‌گونه که اشاره شد، مرکوسور در سال ۱۹۹۱ توسط کشورهای آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه و با هدف ارتقای یکپارچگی اقتصادی و همکاری بین کشورهای عضو تاسیس شد. از آن زمان تاکنون، این سازمان موج‌های متعددی از گسترش را تجربه کرده است:

موج اول گسترش:

اولین مرحله از گسترش مرکوسور در سال ۱۹۹۶ و با عضویت شیلی به این نهاد رخ داد. علیرغم این که کشور شیلی از عضویت کامل در مرکوسور برخوردار نیست، اما توافقنامه ویژه‌ای با این بلوک امضا کرد که بر اساس آن، بسیاری از مزایای عضویت، مانند کاهش تعرفه‌ها و افزایش دسترسی به بازارهای مرکوسور را به آن اعطا کرد.

موج دوم گسترش:

مرکوسور در سال ۲۰۰۶، توسعه قابل توجه دیگری را تجربه کرد. ونزوئلا علاوه بر خود برای پیوستن به

1-<https://www.gisreportsonline.com/r/mercosur-divided/>.

2-<https://publications.iadb.org/en/mercosur-asymmetries-and-strengthening-customs-union-options-common-external-tariff>.

این بلوک را ابراز کرد و الحاق آن به طور رسمی در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسید. عضویت ونزوئلا به عنوان یک کشور مهم تولیدکننده نفت در مرکوسور، نفوذ کلی اقتصادی و سیاسی این بلوک را افزایش داد.

تعلیق موقت پاراگوئه:

پاراگوئه، به عنوان یکی از اعضای اصلی مؤسس، در یک چرخش تا حدی غیرمتعارف، در سال ۲۰۱۲ به دنبال مناقشات سیاسی و جنجال‌های مربوط به استیضاح رئیس‌جمهور آن، از عضویت مرکوسور تعلیق شد.

بپذیرش مجدد پاراگوئه:

پس از تثبیت وضعیت سیاسی در پاراگوئه و برگزاری انتخابات دموکراتیک، این کشور در سال ۲۰۱۳ مجدداً به مرکوسور پیوست؛ امری که نشان‌دهنده تعهد این بلوک به ارزش‌های دموکراتیک و حل اختلافات از طریق ابزارهای دیپلماتیک است. افزون بر این، برخی از کشورها به عنوان "همکار و شریک" به مرکوسور پیوسته‌اند و به همکاری‌های خود در بخش‌هایی با مرکوسور می‌پردازند.^۱

از آن‌جا که مرکوسور مهم‌ترین نماد تشکیل بازار مشترک در جهان در حال توسعه محسوب می‌شود و فرایند تشکیل آن نیز با شفافیت بیشتری همراه بوده است، در قالب ضمیمه این پژوهش متن دستورالعمل الحاقی به معاهده آسونسین در مورد ساختار نهادی مرکوسور، موسوم به "پروتکل اورو پرتو" که در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ به امضا رسید به طور کامل ترجمه شده است. این پروتکل ساختار یک بازار مشترک را به صورت دقیق و حقوقی تشریح می‌کند.

روند تشکیل بازار مشترک : شورای همکاری خلیج فارس

درآمد

ایجاد و تکامل بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس را می‌توان در چندین مرحله تجزیه و تحلیل کرد که هر کدام با تحولات اقتصادی و قانونی مشخصی متمایز می‌گردد. شورای همکاری خلیج فارس یک سازمان منطقه‌ای متشکل از شش کشور عربی در شبه جزیره عربستان از جمله بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. بازار مشترک، یکی از ارکان یکپارچگی اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس در کنار اتحادیه گمرکی و اتحادیه پولی به شمار می‌رود. روند تاسیس و تکامل بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس را می‌توان در

1-<https://www.mercosur.int/en/about-mercosur/mercosur-countries>.



قالب مراحل ذیل تقسیم‌بندی کرد:

۱. تاسیس شورای همکاری خلیج فارس (۱۹۸۱):

شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ با امضای منشور شورای همکاری خلیج فارس در ابوظبی تاسیس شد. هدف از تشکیل آن، تقویت یکپارچگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بین کشورهای عضو بود. با توجه به تهدیدات فوری که پیش روی کشورهای عضو در مرحله تاسیس شورا وجود داشت، تمرکز اولیه آن بر همکاری‌های سیاسی، امنیتی و دفاعی بود.

۲. اتحادیه گمرکی (۲۰۰۳):

اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۳ تاسیس شد. الزامات این اتحادیه، حذف عوارض گمرکی کالاهای مبادله‌شده بین کشورهای عضو، اتخاذ یک تعرفه مشترک خارجی و استانداردسازی رویه‌های گمرکی بود. در واقع این اتحادیه، گامی اساسی در جهت ایجاد یکپارچگی اقتصادی در داخل شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. ابعاد کلیدی موافقت‌نامه اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس را به صورت ذیل می‌توان ترسیم کرد:

۱-۱- هماهنگ‌سازی تعرفه‌های گمرکی: یکی از ویژگی‌های اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس، هماهنگ‌سازی تعرفه‌های گمرکی میان کشورهای عضو آن است. این امر بدان معناست که کشورهای شرکت‌کننده، موافقت کرده‌اند که نرخ‌های تعرفه یکسانی را برای کالاهای وارداتی از کشورهای غیر از عضو شورای همکاری خلیج فارس اعمال کنند. در واقع هماهنگ‌سازی، موانع تجاری را از بین برده و منجر به تضمین اجرای یک رویه یکسان در قبال عوارض گمرکی می‌شود.

۲-۲- انتقال آزاد کالاهای: کشورهای عضو اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس، امکان جابجایی آزاد کالا در داخل مرزهای خود را فراهم کرده‌اند؛ به این معنا که کالاهایی که در یکی از کشورهای این حوزه تولید یا وارد می‌شوند، می‌توانند آزادانه در سراسر منطقه شورای همکاری خلیج فارس و بدون محدودیت یا تعرفه گمرکی، تجارت و جابجا شوند.

۲-۳- تعرفه مشترک خارجی: اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس، یک تعرفه مشترک خارجی ایجاد کرده است که برای کالاهای وارداتی از کشورهای خارج از شورای همکاری خلیج فارس اعمال می‌شود؛ این بدان معنی است که کشورهای عضو به طور جمعی نرخ تعرفه واردات از کشورهای غیر از شورای همکاری خلیج فارس را تعیین می‌کنند که منجر به تسهیل تجارت در داخل می‌شود. اجرای تعرفه خارجی مشترک شورای همکاری خلیج فارس طی مراحل ذیل صورت گرفته است:

۱-۳-۲- آماده‌سازی و برنامه‌ریزی (۲۰۰۲-۲۰۰۰)

در طی این مرحله، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، قانون و مقررات گمرکی مشترک و رویه‌های گمرکی یکپارچه‌ای تدوین کردند. علاوه بر این، اعضا، ساز و کار واحدی به منظور دریافت حقوق گمرکی ایجاد کردند.

۲-۳-۲- اجرای تدریجی (۲۰۱۰-۲۰۰۳)

تعرفه مشترک خارجی در میان شورای همکاری خلیج فارس به تدریج و طی یک دوره هشت ساله به اجرا درآمد. برای اولین بار در سال ۲۰۰۳، تعرفه مشترک خارجی ۵ درصدی بر روی تمامی کالاهای خارجی وارداتی اعمال شد. البته استثنائاتی در قبال برخی از کالاهای اساسی، کالاهایی که طبق قانون گمرک مشترک شورای همکاری خلیج فارس مشخص شده بود و کالاهای مشمول تعهدات تعرفه‌ای سازمان تجارت جهانی، در نظر گرفته شد.

جالب آن که تعرفه مشترک خارجی در قبال تعداد محدودی از کالاها از جمله محصولات تنباکو و مشروبات الکلی در سال ۲۰۰۶ به ۷٫۵ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۱۰، تعرفه مشترک خارجی در مورد محصولات تنباکو و کالاهای خاص که واردات آن‌ها در برخی کشورها ممنوع است، اما در سایر کشورهای عضو مجاز است، به ۱۰۰٪ افزایش یافت.

۳-۳-۲- اجرای کامل (۲۰۱۰ تاکنون)

تعرفه مشترک خارجی به طور کامل توسط همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از سال ۲۰۱۰ اجرا شده است. همان‌گونه که اشاره شد، تعرفه مشترک خارجی ۵ درصد برای تمامی کالاهای خارجی وارداتی به استثنای برخی از کالاهای اساسی و کالاهایی که بر اساس قانون گمرک مشترک شورای همکاری خلیج فارس یا الزامات تعرفه‌ای سازمان تجارت جهانی برای برخی از کشورهای عضو از پرداخت عوارض گمرکی معاف هستند، اعمال می‌شود.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس طی این فرایند، اقدام به ایجاد یک کمیته اتحادیه گمرکی کردند که مسئولیت نظارت بر روند اجرا را برعهده داشت. این کمیته یک برنامه زمان‌بندی برای اعمال تعرفه مشترک خارجی تهیه کرد که در آن، کالاهای خاص مشمول تعرفه مشترک خارجی و نرخ‌های تعرفه مشخص شده است. همچنین این کمیته برخی اقدامات دیگر مانند اتخاذ رویه‌های گمرکی مشترک و ساز و کارهای حل و فصل اختلاف را تبیین و طراحی کرده است. نکته مهم دیگر آن که کشورهای عضو، اقدام به اعمال تدریجی تعرفه مشترک خارجی کردند تا به کسب و کارها به منظور ایجاد انطباق با شرایط جدید، فرصت داده شود. علاوه بر این، کشورهای



عضو به مشاغلی که در معرض تاثیرات منفی تعرفه مشترک خارجی قرار می‌گرفتند، کمک مالی ارائه کردند.

اجرای تعرفه مشترک خارجی شورای همکاری خلیج فارس، اثرات مثبتی بر اقتصاد شورای همکاری خلیج فارس برجای گذاشته است. این امر به افزایش حجم تجارت بین کشورهای عضو کمک کرده است. علاوه بر این کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را به مقصدی جذاب برای سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل نموده است. همچنین اعمال تعرفه مشترک خارجی، درآمد قابل توجهی برای دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس فراهم کرده است که می‌تواند برای تامین مالی پروژه‌های توسعه و برنامه‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.^۱

۲-۴- قوانین مبدا: اتحادیه گمرکی، قوانین مبدا خاصی را برای تعیین ملیت یا مبدا کالا تعریف کرده است. این قوانین برای تعیین محصولات واجد شرایط رفتار ترجیحی در اتحادیه و نیز به منظور اجرای تعرفه خارجی مشترک، حائز اهمیت فراوانی است. قوانین مبدا شورای همکاری بر اصول زیر استوار است:

- کالاهایی که تماماً در کشورهای عضو تولید می‌شوند: کالاهایی که به طور کامل در یکی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تولید می‌شوند؛ کالاهای استخراج‌شده از خاک، دریا یا بستر دریای کشور عضو، کالاهای برداشت یا جمع‌آوری شده در کشور عضو؛ حیوانات زنده متولد و بزرگ‌شده در کشور عضو؛ محصولات به دست آمده از حیوانات زنده در کشورهای عضو و محصولات به دست آمده از شکار یا ماهیگیری انجام شده در کشور عضو باشند، جزو کالاها با مبدا شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌روند.

دگرگونی اساسی: کالاهایی که در یکی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دستخوش دگرگونی اساسی شده‌اند نیز جزو مبدا کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تلقی می‌شوند. در واقع دگرگونی اساسی، فرآیندی است که به طور اساسی شخصیت، ماهیت یا استفاده از کالا را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، مونتاژ یک خودرو از قطعات وارداتی، یک تحول اساسی در نظر گرفته می‌شود.

- الزامات ارزش افزوده: برای کالاهایی که به طور کامل در یکی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به دست نیامده‌اند یا به طور اساسی تغییر شکل نیافته‌اند، بر اساس قوانین مبدا شورای همکاری خلیج فارس، باید درصد معینی از ارزش را در کشور عضو اضافه کند تا کالا به عنوان کالای متعلق به شورای همکاری خلیج فارس در نظر گرفته شود. شایان توجه است که بر

1- <https://www.cambridge.org/core/books/the-gulf-cooperationcouncil/814C920CC59B2EC6EA0DF42E3EF957E3>

این اساس، نیاز به ارزش افزوده بسته به نوع کالا متفاوت است. به عنوان مثال برای منسوجات و پوشاک، نیاز ارزش افزوده ۴۰ درصد لحاظ شده است.

واردکنندگان به منظور قرار گرفتن در شمولیت رفتار ترجیحی تحت تعرفه مشترک خارجی شورای همکاری خلیج فارس، ملزم به ارائه مدرک مبدا برای کالاهای وارد شده هستند. گواهی مبدا می‌تواند در قالب یک گواهی مبدا صادر شده توسط یک مقام صلاحیت‌دار در کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس که کالا در آن‌جا تولید یا پردازش شده است، یا در قالب یک اعلامیه مبدا امضاشده توسط واردکننده که توسط مقامات گمرکی شورای همکاری خلیج فارس مورد تایید قرار گرفته، صادر شود.

قوانین مبدا شورای همکاری خلیج فارس، بر اساس قوانین مبدا سازمان تجارت جهانی (WTO) است اما تفاوت‌هایی نیز میان آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، قوانین مبدا شورای همکاری خلیج فارس برای برخی کالاها مانند منسوجات و پوشاک، نیاز به ارزش افزوده کمتری دارد.

قوانین مبدا شورای همکاری خلیج فارس بر روی تمامی کالاهای مبادله‌شده بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و همچنین برای کالاهای وارد شده از خارج از شورای همکاری خلیج فارس اعمال می‌شود.

مقامات گمرک شورای همکاری خلیج فارس اقدام به طراحی و تدوین برخی رویه‌ها به منظور تسهیل اجرای قوانین مبدا نموده‌اند. به عنوان مثال، واردکنندگان می‌توانند به منظور کسب اطلاع در مورد این که آیا کالاها واجد شرایط رفتار ترجیحی تعرفه مشترک خارجی شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌گیرند یا خیر، درخواست دهند. از سوی دیگر، مقامات گمرک شورای همکاری خلیج فارس نیز به منظور تایید مدارک مبدا ارائه‌شده توسط واردکنندگان، با یکدیگر همکاری می‌کنند.

قوانین مبدا شورای همکاری خلیج فارس نقش مهمی در گسترش تجارت در اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس ایفا کرده است. در واقع قوانین مبدا با تسهیل تردد آزادانه کالاها بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، به تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای کمک کرده است.¹

۲-۵- رفع موانع غیرتعرفه‌ای: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از ابتدا، سیاست کاهش یا حذف موانع غیرتعرفه‌ای تجارت از قبیل استانداردهای فنی، مقررات و سایر اقدامات مرتبط با تجارت

1-<https://www.efta.int/media/documents/legal-texts/free-trade-relations/gulf-cooperation-council-GCC/Annexes%20Record%20of%20Understanding%20and%20Side%20Letters/GCC%20Annex%20IV%20-%20Rules%20of%20Origin.pdf>



که می‌تواند مانع از جریان آزاد کالا شود را دنبال کرده‌اند. نکته حائز اهمیت آن است که حذف موانع غیرتعرفه‌ای در اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس، فرآیندی پیچیده و شامل اقدامات فنی گوناگونی است. برخی از مراحل کلیدی رفع موانع غیرتعرفه‌ای که در این شورا طی شده‌است عبارتند از:

- **شناسایی و فهرست‌نویسی موانع غیرتعرفه‌ای:** اولین گام، شناسایی و فهرست‌نویسی تمامی موانع غیرتعرفه‌ای بود. این امر از طریق روش‌های مختلفی مانند بررسی مشاغل، سازمان‌های تجاری و بررسی مقررات و رویه‌های دولتی انجام شد.
- **اولویت‌بندی موانع غیرتعرفه‌ای برای حذف:** زمانی که موانع غیرتعرفه‌ای شناسایی و فهرست‌بندی شدند، برای حذف آن‌ها اولویت‌بندی انجام شد. این فهرست بر اساس برخی از عوامل مانند تاثیر اقتصادی موانع غیرتعرفه‌ای، سهولت حذف آن‌ها و اراده سیاسی تدوین شد.
- **توسعه و اجرای اقدامات برای حذف موانع غیرتعرفه‌ای:** پس از اولویت‌بندی موانع غیرتعرفه‌ای، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس اقداماتی از جمله تغییر مقررات، هماهنگ‌سازی استانداردها و بهبود رویه‌های گمرکی انجام دادند.
- **نظارت و ارزیابی حذف موانع غیرتعرفه‌ای:** پس از انجام اقداماتی برای حذف موانع غیرتعرفه‌ای؛ نظارت و ارزیابی اثربخشی آن‌ها از روش‌های مختلفی مانند نظرسنجی از مشاغل، بررسی داده‌های گمرکی و مطالعات موردی در دستور کار قرار گرفت.
- **هماهنگ‌سازی استانداردها:** کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جهت هماهنگ‌سازی استانداردهای محصولات و خدمات خود، اقدام کرده‌اند. این امر به کاهش نیاز کسب‌وکارها به رعایت مجموعه‌های مختلفی از استانداردها برای تجارت خود در درون اتحادیه گمرکی کمک کرده است.
- **ساده‌سازی رویه‌های گمرکی:** کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس رویه‌های گمرکی خود را با اقداماتی مانند اظهارنامه گمرکی واحد و استفاده از تبادل الکترونیکی داده‌ها^۱ (EDI) ساده‌سازی کرده‌اند.
- **ایجاد ساز و کار حل‌وفصل اختلافات:** کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس یک ساز و کار حل‌وفصل اختلاف تجاری ایجاد کرده‌اند. این اقدام در راستای حصول اطمینان از این‌که موانع غیرتعرفه‌ای در جهت محافظت ناعادلانه از صنایع داخلی اعضا مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

نکته حائز اهمیت آن است که حذف موانع غیرتعرفه‌ای در اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس، تاثیر قابل توجهی بر حجم تجارت در منطقه برجای گذاشته است. توجه به این نکته ضروری است که حذف موانع غیرتعرفه‌ای، یک فرآیند مداوم و پیوسته است. زیرا موارد جدیدی از موانع غیرتعرفه‌ای می‌توانند در طول زمان ایجاد شوند.^۱

۶-۲- همکاری گمرکی: کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، همکاری نزدیکی در امور گمرکی از قبیل اشتراک اطلاعات، اجرا و استانداردسازی رویه‌های گمرکی دارند. این همکاری به تسهیل جریان کالا و کاهش بار اداری بر روی مشاغل که در تجارت فرامرزی فعال هستند، منجر شده است. شایان توجه است که همکاری‌های میان کشورهای عضو در این حوزه از دهه ۱۹۹۰ بدین سو در قالب چند نهاد و موافقت‌نامه به تدریج نهادینه شده است:

- **تاسیس سازمان استاندارد خلیج فارس (GSO):** این سازمان با هدف توسعه و ترویج استانداردهای هماهنگ در بخش‌های مختلف از جمله محصولات غذایی، دارویی و الکترونیکی تاسیس شد.
- **تصویب سیستم ثبت تجارت هماهنگ شورای همکاری خلیج فارس:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۹۵، یک سیستم ثبت تجارت هماهنگ را به تصویب رساند که فرآیند ثبت و فعالیت مشاغل در منطقه را تسهیل نمود.
- **تصویب موافقت‌نامه فنی GCC برای محصولات غذایی:** شورای همکاری خلیج فارس یک توافق‌نامه فنی برای محصولات غذایی را در سال ۱۹۹۹ تصویب کرد که استانداردهای مشترکی را برای ایمنی و کیفیت مواد غذایی تدوین و طراحی کرد.
- **تصویب سیستم هماهنگ شورای همکاری خلیج فارس برای طبقه‌بندی کالاها:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۲ سیستم هماهنگ طبقه‌بندی کالاها را به تصویب رساند که یک استاندارد بین‌المللی برای طبقه‌بندی کالاها برای اهداف گمرکی به شمار می‌رود.
- **تاسیس کمیته فنی GCC برای داروها:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۵ اقدام به تاسیس یک کمیته فنی به منظور هماهنگ‌سازی مقررات در حوزه دارو نمود.
- **تصویب سیستم هماهنگ GCC به منظور مشخص کردن مواد خطرناک:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۸ در هماهنگی با سیستم جهانی برای طبقه‌بندی و برچسب‌گذاری مواد شیمیایی، اقدام به تدوین و تصویب یک استاندارد بین‌المللی به منظور طبقه‌بندی و برچسب‌گذاری

1-<https://www.jstor.org/stable/43783266>.

2- GCC Standardization Organization



مواد خطرناک نمود.

- تصویب سیستم هماهنگ *GCC* برای برچسب زدن مواد غذایی: شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ در حوزه برچسب زدن مواد غذایی، اقدام به ایجاد یک سیستم هماهنگ کرد که استانداردهای مشترکی را برای تمامی اعضا در قالب اطلاعات برچسب‌گذاری مواد غذایی تدوین نمود.
 - تصویب مقررات فنی یکپارچه *GCC* برای محصولات آرایشی و بهداشتی: شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۴ مجموعه‌ای از مقررات فنی یکپارچه برای محصولات آرایشی و بهداشتی به تصویب رساند که استانداردهای مشترکی برای حفظ سطح ایمنی و کیفیت محصولات آرایشی به شمار می‌رود.
 - ایجاد کمیته وزیران شورای همکاری خلیج فارس به منظور هماهنگی: شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۶ یک کمیته وزارتی به منظور نظارت بر هماهنگ‌سازی مقررات در سراسر منطقه ایجاد کرد.
 - تصویب سیستم هماهنگ *GCC* برای محصولات دارویی: شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۱ یک سیستم هماهنگ برای محصولات دارویی ایجاد کرد که استانداردهای مشترکی را به منظور ثبت، تولید و توزیع محصولات دارویی تبیین می‌کند.
 - تصویب مقررات فنی هماهنگ *GCC* برای تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی: شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۲ مجموعه مقررات فنی یکپارچه‌ای را برای تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی به تصویب رساند که استانداردهای مشترکی برای ایمنی و عملکرد محصولات الکتریکی و الکترونیکی ایجاد کرد.
- فارغ از تمامی این اقدامات، شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۲۳ نیز به تلاش‌های خود در جهت هماهنگ‌سازی مقررات در بخش‌های مختلف، از جمله دستگاه‌های پزشکی، اسباب‌بازی‌ها و افزودنی‌های غذایی ادامه می‌دهد.^۱
- این اقدامات نشان‌دهنده تعهد شورای همکاری خلیج فارس به هماهنگ‌سازی مقررات و ایجاد یک بازار واحد در منطقه است. شایان توجه است که هماهنگ‌سازی مقررات، نقش مهمی در تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، ارتقای رشد اقتصادی و افزایش حمایت از مصرف‌کننده در شورای همکاری خلیج فارس ایفا کرده است.

۲-۷- اتحادیه پولی

شورای همکاری خلیج فارس در حال برنامه‌ریزی برای شکل‌دهی به یک اتحادیه پولی با واحد پولی مشترک، مشابه منطقه یورو است. هرچند که این فرآیند با تاخیرها و چالش‌های قابل توجهی مواجه بوده است که علت این امر در درجه اول، ناشی از نابرابری‌های اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی متفاوت در میان کشورهای عضو بوده است. شورای همکاری خلیج فارس اقدامات ذیل را در مسیر شکل‌دهی به اتحادیه پولی صورت داده است:

- **حصول توافق در زمینه تثبیت نرخ ارز:** کشورهای شورای همکاری به منظور تثبیت نرخ مبادله واحد پول خود به دلار آمریکا، به توافق رسیدند. این اقدام، گام مهمی به سوی شکل‌گیری یک اتحادیه پولی به شمار می‌رود. زیرا ضمن کمک به برقراری ثبات اقتصادی در منطقه، به تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی کسب‌وکارها منجر شده است.
- **تاسیس شورای پول:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۹ شورای پولی را تاسیس کرد که وظیفه آن، تدوین نقشه راه برای ایجاد واحد پول مشترک برای منطقه خلیج فارس است. در همین راستا، شورای پول برای اولین بار در مارس ۲۰۱۰ تشکیل جلسه داد.
- **تصویب یک نظام ارزی:** شورای پولی در سال ۲۰۱۰ یک رژیم ارزی برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به تصویب رساند. این رژیم، قوانین و رویه‌های مدیریت ارز واحد از جمله نرخ مبادله در برابر سایر ارزها را مشخص می‌کند.
- **اقدامات مهم در راستای ایجاد یک ارز واحد:** شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۴ در جهت تعیین ارز واحد، اقداماتی از جمله ایجاد یک اتاق تهاتر مشترک برای معاملات بین‌بانکی و هماهنگ‌سازی مقررات پولی انجام داد.
- **عقب‌نشینی و خروج عمان و امارات:** عمان و امارات در سال ۲۰۱۵ با اشاره به نگرانی‌های خود در مورد همگرایی اقتصادی و تمایل کشورهای عضو برای کنار گذاشتن کنترل بر سیاست‌های پولی خود، خروج خود از پروژه ارز واحد را اعلام کردند.
- **ادامه پیشرفت توسط اعضای باقیمانده شورای همکاری:** پس از اعلام انصراف عمان و امارات از پروژه ارز واحد، سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس که عبارتند از: بحرین، کویت، قطر و عربستان سعودی به اقدامات خود در جهت ایجاد ارز واحد ادامه داده‌اند. در همین راستا، مطالعات امکان‌سنجی انجام شد و یک نقشه راه برای اجرای این پروژه تهیه شده است.



• تعهد مجدد به یک/ارز واحد: در سال ۲۰۲۰ رهبران شورای همکاری خلیج فارس مجدداً بر تعهد خود نسبت به ایجاد یک ارز واحد و منافع اقتصادی حاصل از آن تأکید کردند. در شرایط کنونی، شورای همکاری همچنان به مذاکرات و آماده‌سازی بسترهای مورد نیاز برای ایجاد ارز واحد ادامه می‌دهد. آن‌ها بر روی رسیدگی به نگرانی‌های مطرح‌شده از سوی عمان و امارات و همچنین حصول اطمینان از اجرای متمر ثمر اتحادیه پولی برای کشورهای عضو تمرکز کرده‌اند.

به طور کلی حرکت شورای همکاری به سوی ایجاد یک اتحادیه پولی، هم با پیشرفت‌های مهم و هم با ناکامی همراه بوده است. با این حال، رهبران منطقه همچنان متعهد به دستیابی به این هدف باقی مانده‌اند.^۱

ساختار حکمرانی شورای همکاری خلیج فارس

بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس (GCC) از طریق یک ساختار حاکمیتی پیچیده مدیریت می‌شود که نهادها و ارگان‌های مختلفی را در سطوح منطقه‌ای و ملی درگیر می‌کند. این ساختار به منظور حصول اطمینان از وجود هماهنگی موثر، تصمیم‌گیری و اجرای اهداف بازار مشترک طراحی شده است. اجزای کلیدی این ساختار عبارتند از:

۱. شورای عالی:

شورای عالی، بالاترین مرجع تصمیم‌گیری شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود که از سران شش کشور عضو تشکیل شده است. شورا، سالانه به منظور بررسی پیشرفت کلی بازار مشترک و ارائه راهنمایی‌های راهبردی به اعضا، اقدام به برگزاری جلسه می‌کند.

۲. شورای وزیران:

شورای وزیران، نهاد اجرایی شورای همکاری خلیج فارس است که از وزرای مربوطه هر یک از کشورهای عضو تشکیل شده است. این شورا به منظور بحث و بررسی و اجرای ابتکارات خاص بازار مشترک مانند موافقت‌نامه‌های تجاری و هماهنگ‌سازی مقررات، به طور منظم تشکیل جلسه می‌دهد.

۳. دبیرخانه:

دبیرخانه، بازوی اداری شورای همکاری خلیج فارس است که توسط دبیر کل اداره می‌شود. دبیرخانه مسئولیت پشتیبانی فنی از شوراهای عالی و وزیران، ایجاد هماهنگی در فعالیتهای بازار مشترک و

طراحی و تدوین مطالعات و گزارش‌ها را برعهده دارد.

۲- کمیته‌های تخصصی:

شورای همکاری خلیج فارس به منظور تمرکز بر حوزه‌های خاص همکاری در بازار مشترک از جمله بر روی تجارت، گمرک، سرمایه‌گذاری و استانداردهای مشترک، اقدام به ایجاد تعدادی کمیته تخصصی نموده است. این کمیته‌ها متشکل از کارشناسان کشورهای عضو هستند و توصیه‌هایی را به شورای وزیران ارائه می‌کنند.

شایان توجه است که کمیته‌های تخصصی شورای همکاری خلیج فارس، نقش مهمی در پیشبرد دستور کار بازار مشترک و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای ایفا می‌کنند. در سال‌های اخیر، این کمیته‌ها نقش قابل توجهی در توسعه و تحکیم یکپارچگی اقتصادی در جنبه‌های مختلف از جمله تجارت، گمرک، سرمایه‌گذاری و استانداردها ایفا کرده است. در ادامه، به برخی از تصمیمات کلیدی اتخاذشده توسط کمیته‌های تخصصی در سال‌های اخیر اشاره می‌شود:

۱. کمیته تجارت:
 - سیستم یکپارچه کد محصول^۱ (UPC) را به منظور تسهیل تجارت فرامرزی و کاهش هزینه‌های اداری اتخاذ کرد.
 - تدوین رویه‌های گمرکی هماهنگ و الزامات اسنادی به منظور تسهیل تجارت درون شورای همکاری خلیج فارس.
 - طراحی مدل‌های مذاکره با شرکای خارجی مذاکره.
۲. کمیته گمرک:
 - اجرای یک سیستم یکپارچه ترخیص کالا از گمرک که امکان جابجایی یکپارچه کالا در سراسر مرزهای شورای همکاری خلیج فارس را فراهم کرد.
 - هماهنگ‌سازی تعرفه‌های گمرکی و اتخاذ روش مشترک ارزش‌گذاری گمرکی.
 - تقویت هماهنگی فعالیت‌های اجرایی گمرک برای مبارزه با قاچاق و تقلب تجاری.
۳. کمیته سرمایه‌گذاری:
 - این کمیته، یک چارچوب سیاست سرمایه‌گذاری یکپارچه برای ترویج سرمایه‌گذاری فرامرزی و

حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران ایجاد کرد.

- یک آژانس ترویج سرمایه‌گذاری منطقه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرد.
- مقررات سرمایه‌گذاری هماهنگ را ایجاد و فرآیندهای تایید سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو را تسهیل کرده است.
- ۴. کمیته/استاندارد:
 - این کمیته مقررات هماهنگ‌سازی استانداردهای فنی (TSHR) را به منظور حصول اطمینان از سازگاری محصول و کاهش موانع تجاری به تصویب رساند.
 - یک سری استانداردهای فنی هماهنگ را صادر کرد که بخش‌های مختلفی از جمله مواد غذایی، دارویی و لوازم الکتریکی را پوشش می‌دهد.
 - طرح انطباق استانداردهای شورای همکاری خلیج فارس به منظور تسهیل فرآیند صدور گواهینامه و آزمایش محصول ایجاد کرد.
- ۵. کمیته/اقتصادی و مالی:
 - این کمیته، راهبرد یکپارچگی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس به منظور تعمیق همکاری اقتصادی و افزایش رقابت منطقه‌ای تدوین کرد.
 - تدوین سیاست‌های اقتصاد کلان هماهنگ با هدف ارتقای ثبات و رشد اقتصادی در کشورهای عضو.
 - ابتکارات یکپارچه‌سازی مالی، از جمله ایجاد بازار مالی شورای همکاری خلیج فارس را تدوین کرد.
- ۶. کمیته کشاورزی و آب:
 - این کمیته، چارچوب سیاست کشاورزی شورای همکاری خلیج فارس به منظور افزایش بهره‌وری کشاورزی و امنیت غذایی را تدوین کرد.
 - راهبرد منابع آب شورای همکاری خلیج فارس را برای ارتقای مدیریت پایدار و حفاظت از آب طراحی کرد.
 - از توسعه پروژه‌های کشاورزی و آب منطقه‌ای برای رسیدگی به چالش‌ها و فرصت‌های مشترک

حمایت کرد.

۷. کمیته صنعت و بازرگانی:

- چارچوب سیاست صنعتی شورای همکاری خلیج فارس برای ترویج توسعه و تنوع صنعتی به تصویب رساند.
- سرمایه‌گذاری‌های مشترک و مشارکت‌های صنعتی بین مشاغل GCC را تسهیل کرد.
- از توسعه خوشه‌های صنعتی منطقه‌ای برای افزایش رقابت‌پذیری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی حمایت می‌کند.

۸. کمیته حمل‌ونقل:

- این کمیته، طرح جامع حمل‌ونقل شورای همکاری خلیج فارس به منظور بهبود اتصالات منطقه‌ای و تسهیل تجارت و گردشگری را توسعه داد.
- مقررات و استانداردهای حمل‌ونقل هماهنگ را به منظور حصول اطمینان از جابجایی یکپارچه افراد و کالاها در سراسر مرزهای شورای همکاری خلیج فارس تدوین کرد.
- از توسعه پروژه‌های زیرساختی حمل‌ونقل منطقه‌ای از جمله راه آهن، جاده‌ها و بنادر حمایت کرد.

۹. کمیته گردشگری:

- این کمیته، راهبرد گردشگری شورای همکاری خلیج فارس به منظور ترویج توسعه گردشگری پایدار و جذب بازدیدکنندگان بین‌المللی را تدوین کرد.
- این کمیته، مقررات و استانداردهای گردشگری هماهنگ و یکسانی به منظور حصول اطمینان از ایجاد بسترهای لازم و مناسب برای ایجاد تجربه گردشگری با کیفیت بالا را تدوین کرد.
- از توسعه زیرساخت‌های گردشگری منطقه‌ای و طرح‌های بازاریابی حمایت کرد.

۱۰. کمیته فناوری اطلاعات و ارتباطات:

- این کمیته، راهبرد ICT شورای همکاری خلیج فارس را با هدف ارتقای تحول دیجیتال و تقویت اتصال منطقه‌ای تدوین کرد.
- تدوین مقررات و استانداردهای ICT هماهنگ به منظور تسهیل استقرار فناوری‌های جدید.



- از توسعه زیرساخت‌های ICT منطقه‌ای و برنامه‌های آموزشی مهارت‌های دیجیتال حمایت کرد.^۱

۴. کمیته‌های هماهنگی ملی^۲ (NCC):

کمیته‌های هماهنگی ملی شورای همکاری خلیج فارس، اجزای حیاتی چارچوب بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌روند که در تسهیل یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو نقشی محوری ایفا می‌کنند. این کمیته‌ها به‌عنوان بستری برای همکاری‌های بین‌دولتی عمل می‌کنند و در جهت ایجاد همسویی سیاست‌های ملی با اهداف کلی بازار مشترک تلاش می‌کنند. هر یک از کشورهای عضو، یک کمیته هماهنگی ملی به منظور هماهنگی در اجرای تصمیمات و ابتکارات بازار مشترک در سطح ملی تعیین کرده است. این کمیته‌ها همکاری نزدیکی با دبیرخانه کل و کمیته‌های تخصصی برقرار کرده‌اند. ساختار کمیته‌های هماهنگی ملی شورای همکاری خلیج فارس به صورت ذیل طراحی شده است:

- ترکیب: هر کمیته هماهنگی ملی، شامل نمایندگان متعددی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی مختلف مرتبط با بازار مشترک، از جمله مسئولین تجارت، امور مالی، گمرکات و استاندارد است. طراحی این ترکیب متنوع، منجر به تضمین انجام نمایندگی جامع از منافع ملی هر یک از اعضا و تخصص ملی آن‌ها می‌شود.
- ریاست: کمیته‌های هماهنگی ملی، معمولاً توسط یک مقام ارشد از وزارت بازرگانی یا یک وزارتخانه اقتصادی مشابه اداره می‌شوند. این رهبری متمرکز، منجر به تقویت هماهنگی و همسویی میان تصمیمات کمیته هماهنگی ملی با سیاست‌های اقتصادی ملی می‌شود.
- کمیته‌های فرعی: کمیته‌های هماهنگی ملی، از این امکان برخوردارند که به جهت تمرکز بر حوزه‌های خاص اجرای بازار مشترک مانند تسهیل تجارت، مقررات فنی و حقوق مالکیت معنوی، به ایجاد کمیته‌های فرعی اقدام کنند. کارویژه این کمیته‌های فرعی، ارائه مشاوره‌های تخصصی سطح بالا است که منجر به تسریع در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود.
- پشتیبانی فنی: کمیته‌های هماهنگی ملی، اغلب توسط کارشناسان فنی دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس و سازمان‌های منطقه‌ای مربوطه پشتیبانی می‌شوند. این پشتیبانی فنی، توانایی کمیته‌ها را به منظور تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده و ارائه توصیه‌هایی مبتنی بر شواهد علمی، افزایش می‌دهد.

1- <https://www.gcc-sg.org/en-us/GeneralSecretariat/Pages/default.aspx>

- نقش کمیته‌های هماهنگی ملی شورای همکاری خلیج فارس در بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس را در قالب‌های ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:
- هماهنگ‌سازی مقررات و استانداردها: کمیته‌های هماهنگی ملی، نقش اصلی را در هماهنگ‌سازی مقررات و ایجاد استانداردهای ملی در سراسر شورای همکاری خلیج فارس ایفا می‌کنند. این فرآیند، منجر به رفع موانع تجاری و همچنین تسهیل و گسترش جریان آزاد کالاها، خدمات و سرمایه در بازار مشترک می‌شود.^۱
- اجرای دستورالعمل‌های بازار مشترک: کمیته‌های هماهنگی ملی، بر اجرای دستورالعمل‌های بازار مشترک نظارت می‌کنند و از انطباق قوانین و اقدامات ملی با چارچوب منطقه‌ای مورد توافق، اطمینان حاصل می‌کنند. این فرآیند اجرا، منجر به تسهیل فعالیت‌های اقتصادی و کاهش مغایرت‌های قانونی می‌شود.^۲
- حل اختلافات: کمیته‌های هماهنگی ملی، منجر به تسهیل فرایند حل و فصل اختلافات تجاری بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌شوند. این ساز و کار حل اختلاف، منجر به گسترش محیط تجاری عادلانه و شفاف شده و اعضا را به پیروی از قوانین بازار مشترک تشویق می‌کنند.
- هماهنگی سیاست: کمیته‌های هماهنگی ملی، چارچوبی برای ایجاد هماهنگی منظم بین سیاست‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس فراهم می‌کنند. این امر، منجر به ایجاد هماهنگی دقیق میان راهبردهای اقتصاد ملی با اهداف گسترده‌تر بازار مشترک و رشد اقتصادی منطقه‌ای خواهد شد.
- ساز و کار بازخورد: کمیته‌های هماهنگی ملی، به عنوان یک سلز و کار دریافت بازخورد برای دولت‌های ملی عمل کرده و در جهت توسعه و اجرای بازار مشترک، به ارائه اطلاعات می‌پردازند. این حلقه بازخورد، منجر به پاسخگویی دائم بازار مشترک به نیازهای در حال تحول کشورهای عضو می‌شود.^۳

۵. کمیسیون‌های مشترک:

شورای همکاری خلیج فارس، اقدام به تاسیس کمیسیون‌های مشترکی با سایر سازمان‌های

1- <https://www.gcc-sg.org>.

2- <https://staddoha.com/en/uncategorized/gcc-coordination-committee-meeting-held-in-doha>.

3- <https://www.moec.gov.ae/en/-/gulf-cooperation-council-gcc>.

منطقه‌ای و بین‌المللی به منظور ارتقای همکاری در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و سایر زمینه‌های مورد علاقه دوجانبه کرده است. این کمیسیون‌ها، بستر گفتگو و همکاری میان شورای همکاری خلیج فارس با سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. در واقع، کمیسیون‌های مشترک شورای همکاری خلیج فارس، کمیسیون‌های دوجانبه دائمی هستند که بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایجاد می‌شوند. این کمیسیون‌ها، مسئول نظارت و اجرای توافقنامه بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس هستند.

کمیسیون‌های مشترک شورای همکاری خلیج فارس، متشکل از مقامات ارشد دولتی از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه هر کشور عضو هستند. کمیسیون‌ها به طور منظم جلساتی را به منظور مذاکره و حل و فصل مسائلی که احتمالاً در اجرای توافقنامه بازار مشترک ایجاد می‌شود، تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، آن‌ها نقش کلیدی در توسعه ابتکارات جدید برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایفا می‌کنند. همچنین این کمیسیون‌ها، نقش مهمی در پیشبرد بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس ایفا می‌کنند. برخی از ابعاد نقش آفرینی کمیسیون‌ها عبارتند از:

- نظارت و اجرای مفاد توافقنامه بازار مشترک.
- ارتقای همکاری اقتصادی و یکپارچگی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس.
- حل و فصل مسائلی که ممکن است در اجرای توافقنامه بازار مشترک ایجاد شود.
- توسعه ابتکارات جدید به منظور ترویج یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس.
- کمیسیون‌ها دستورالعمل‌هایی را به منظور اجرای مفاد توافقنامه بازار مشترک ایجاد و اجرا می‌کنند. به عنوان مثال، شورای همکاری خلیج فارس در حوزه گمرک، دستورالعملی را در مورد سیستم یکپارچه گمرکی برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است.
- کمیسیون‌ها بر اجرای توافقنامه بازار مشترک نظارت و ارزیابی کرده و هر گونه چالش یا مانعی در این مسیر را شناسایی می‌کنند.
- کمیسیون‌ها، اقدام به توسعه و ایجاد هماهنگی میان سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس می‌کنند. به عنوان مثال، شورای همکاری خلیج فارس، اقدام به تدوین یک راهبرد صنعتی مشترک در حوزه تجارت و صنعت برای کشورهای عضو شورای

همکاری خلیج فارس کرده است.

- کمیسیون‌ها، تجارت و سرمایه‌گذاری بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را گسترش می‌دهند. به عنوان مثال، شورای همکاری خلیج فارس در تجارت و صنعت، اقدام به برگزاری نمایشگاه‌های تجاری در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نموده است.
- کمیسیون‌ها، هرگونه اختلافی را که ممکن است بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با توافقنامه بازار مشترک ایجاد شود، حل و فصل می‌کنند.

۶. ساز و کار حل و فصل اختلاف^۱ (DSM):

شورای همکاری خلیج فارس، اقدام به ایجاد یک ساز و کار حل و فصل اختلافات به منظور رفع هرگونه اختلاف نظر بین کشورهای عضو در مورد تفسیر یا اعمال قوانین و مقررات بازار مشترک کرده است. این ساز و کار، منجر به تضمین منصفانه و ایجاد شفافیت در فعالیت‌های بازار مشترک می‌شود.

ساز و کار حل و فصل اختلاف شورای همکاری خلیج فارس، یک نهاد شبه قضایی است که بر اساس توافقنامه اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس به منظور حل و فصل اختلافات بین کشورهای عضو در پی تفسیر یا اجرای توافقات حاصله در سال ۱۹۸۱ ایجاد شده است. این نهاد، متشکل از ۳۰ عضو است که از هر کشور عضو، پنج نفر با توجه به تخصص و شایستگی در زمینه حقوقی و اقتصادی، انتخاب می‌شوند.

- حوزه صلاحیت قضایی این نهاد، حل و فصل تمامی اختلافات ناشی از توافقنامه اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس، از جمله اختلافات بر سر تعرفه‌ها، موانع غیر تعرفه‌ای، حقوق مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری می‌شود. در این ساز و کار، هر کشور عضو یا شورای عالی شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند اقدام به ارجاع موضوع مورد اختلاف به این نهاد کند. فرآیند حل و فصل اختلاف این نهاد، به دو مرحله تقسیم می‌شود:

۱- سازش: مرحله اول، ایجاد سازش است. در این مرحله، DSM به طرفین در نیل به یک توافق متقابل کمک می‌کند. اگر طرفین در مورد موضوعی موفق به حصول توافق نشوند، DSM وارد مرحله داوری می‌شود.

۲- داوری: در مرحله داوری، DSM جلسات استماع برگزار می‌کند و موارد کتبی طرفین را مورد بررسی



قرار می‌دهد. نهایتاً این نهاد، اقدام به ابلاغ یک تصمیم الزام‌آور می‌کند که هر یک از طرفین ملزم به رعایت آن هستند. اعضای DSM توسط شورای عالی شورای همکاری خلیج فارس، به مدت سه سال منصوب می‌شوند و ریاست DSM بر عهده یکی از اعضا است که توسط سایر اعضا انتخاب می‌شود. نکته شایان توجه آن است که اقدامات DSM، محرمانه است. تصمیمات این نهاد، با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود و برای طرفین اختلاف، الزام‌آور است.^۱

۷. مشاوره و مشارکت:

شورای همکاری خلیج فارس، ارتباط نزدیک و فعالانه‌ای با بخش خصوصی، جامعه مدنی و سایر ذینفعان برقرار می‌کند تا به جمع‌آوری بازخورد فعالان کسب‌وکار پرداخته و دیدگاه‌های آن‌ها را در سیاست‌ها و ابتکارات بازار مشترک مدنظر قرار دهد. اتخاذ این رویکرد مشارکتی، به حصول اطمینان از تامین منافع تمامی سهامداران در بازار مشترک منجر خواهد شد. این سازوکار در سال ۲۰۰۸ به منظور ارتقای گفت‌وگو و همکاری در مورد طیف وسیعی از موضوعات از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی طراحی شد. ساز و کار مشاوره و مشارکت شورای همکاری خلیج فارس، متشکل از نهادهای زیر است:

- شورای وزیران شورای همکاری خلیج فارس: شورای وزیران شورای همکاری خلیج فارس، به عنوان مرجع اصلی تصمیم‌گیری در شورای همکاری خلیج فارس به شمار می‌رود. این شورا، متشکل از وزرای خارجه شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است.
- کمیته وزیران شورای همکاری خلیج فارس برای گفت‌وگو و توسعه: کمیته وزیران شورای همکاری خلیج فارس برای گفت‌وگو و توسعه، یکی از نهادهای فرعی شورای وزیران شورای همکاری خلیج فارس محسوب می‌شود که مسئول نظارت بر اجرای سازوکار مشاوره و مشارکت در شورای همکاری خلیج فارس است.
- مجمع جامعه مدنی شورای همکاری خلیج فارس: مجمع جامعه مدنی شورای همکاری خلیج فارس، بستری برای سازمان‌های جامعه مدنی از هر شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس فراهم می‌آورد تا به تعامل با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس بپردازند.
- شورای جوانان شورای همکاری خلیج فارس: شورای جوانان شورای همکاری خلیج فارس، بستری برای تعامل جوانان هر یک از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس ایجاد کرده است.

- توسعه اقتصادی: از این ساز و کار، در جهت ارتقای گفت‌وگو و همکاری در مورد مسائل اقتصادی مانند یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای و تسهیل تجارت استفاده می‌شود.
- توسعه اجتماعی: این ساز و کار، می‌تواند به منظور گسترش گفت‌وگو و همکاری در مورد مسائل اجتماعی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و حمایت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.
- توسعه فرهنگی: از این سازوکار می‌توان برای ارتقای گفت‌وگو و همکاری در زمینه مسائل فرهنگی مانند تبادل فرهنگی و حفظ میراث فرهنگی بهره گرفت.

چالش‌ها و فرصت‌ها برای ساز و کار مشاوره و مشارکت شورای همکاری خلیج فارس

ساز و کار مشاوره و مشارکت شورای همکاری خلیج فارس، یک ابتکار نسبتاً جدید است و البته با چالش‌های مهمی نیز مواجه است. برخی از مهم‌ترین چالش‌ها پیش روی این ساز و کار، عبارتند از:

- ایجاد اعتماد بین دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و جوامع مدنی آن‌ها: بی‌اعتمادی بین دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس و جوامع مدنی آن‌ها دارای سابقه طولانی است و به منظور موفقیت این سازوکار، غلبه بر این امر، ضروری است.
- اطمینان از فراگیر بودن ساز و کار: این ساز و کار باید شامل تمامی بخش‌های جامعه شورای همکاری خلیج فارس از جمله زنان، جوانان و افراد دارای معلولیت باشد.
- حصول اطمینان از موثر بودن ساز و کار: این سازو کار باید در ارتقای گفت‌وگو و همکاری در مورد طیف وسیعی از موضوعات تاثیرگذار باشد.

۸. به اشتراک‌گذاری و انتشار اطلاعات:

شورای همکاری خلیج فارس به طور منظم اقدام به انتشار گزارش‌ها، مطالعات و سایر اطلاعات در مورد بازار مشترک می‌کند تا از این طریق شفافیت و آگاهی عمومی را افزایش دهد. این اطلاعات برای مشاغل، سیاست‌گذاران، محققان و عموم مردم در دسترس است.

۹. بررسی و ارزیابی:

شورای همکاری خلیج فارس، پیشرفت بازار مشترک را به طور دوره‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد تا زمینه‌های ایجاد بهبودی و سازگاری با شرایط اقتصادی در حال تغییر را شناسایی کند.



این ارزیابی مستمر، منجر به تداوم پاسخگویی موثر بازار مشترک به نیازهای کشورهای عضو می‌شود.

روند تشکیل بازار مشترک: آسه آن

درآمد

بازار واحد یا مشترک آسه آن را می‌توان یکی دیگر از تجربه‌های بسیار مهم در پهنه جهانی دانست. طیفی از کشورهای کوچک و متوسط در حال توسعه به صورتی تحسین برانگیز موانع تجارت میان خود را از میان برداشتند و به تدریج به بازار واحد شکل دادند. در ادامه این روند از منظر بحث حاضر که همانا ساختار و حکمرانی بازارهای مشترک است، روند تشکیل بازار مشترک آسه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. روند شکل‌گیری آسه آن را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

۱. تلاش‌های اولیه برای همکاری منطقه‌ای در متن جنگ سرد (دهه ۱۹۵۰-۱۹۶۰)

دوران جنگ سرد در آسیای جنوب شرقی با تنش‌های سیاسی، دسته‌بندی‌های ایدئولوژیک و درگیری‌های نوظهور شناخته می‌شود. با این وجود، تلاش‌های اولیه‌ای برای همکاری‌های منطقه‌ای، مانند انجمن آسیای جنوب شرقی (ASA) که در سال ۱۹۶۱ تشکیل شد، صورت گرفت. این تلاش‌ها به دلیل اختلافات سیاسی و دامنه محدود با موانع مهمی مواجه گشت.

۲. تاسیس آسه آن و بیانیه بانکوک (۱۹۶۷)

در ۸ آگوست ۱۹۶۷، وزرای امور خارجه از اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند اعلامیه بانکوک را امضا کردند و رسماً اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (ASEAN) را تاسیس کردند. این اعلامیه اهداف اولیه سازمان را تشریح کرد:

- همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، علمی و آموزشی
- ارتقای صلح و ثبات منطقه‌ای
- احترام به عدالت و حاکمیت قانون
- پایبندی به اصول منشور ملل متحد

۳. تحکیم و گسترش: دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰

دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دوره تحکیم و گسترش آسه‌آن بود. در این دوره تمرکز این سازمان بر ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه اقتصادی، تسهیل تجارت و تبادل فرهنگی شکل گرفته بود. در سال ۱۹۸۴، پروتئوی دارالسلام به آسه آن ملحق شد و تعداد اعضا به شش کشور افزایش یافت.

۴. چشم انداز آسه آن ۲۰۲۰ و منطقه آزاد تجاری آسه آن (AFTA)^۱ (دهه ۱۹۹۰)

در سال ۱۹۹۷، رهبران آسه آن چشم انداز ۲۰۲۰ آسه آن را به تصویب رساندند و یک راهبرد بلندمدت برای تبدیل منطقه به "منطقه رقابت اقتصادی، صلح، رفاه و هماهنگی" ترسیم کردند. این چشم‌انداز بر یکپارچگی اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و پایداری محیطی تاکید داشت.

در سال ۱۹۹۲، آسه آن منطقه آزاد تجارت آسه آن (AFTA) را با هدف حذف تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری بین کشورهای عضو تاسیس کرد. AFTA نقش مهمی در تقویت تجارت و سرمایه‌گذاری درون آسه آن ایفا کرد.

۵. طرح اقدام هانوی و اعلامیه آسه آن Concord II (دهه ۲۰۰۰)

برنامه اقدام هانوی که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید، نقشه راه دقیقی برای دستیابی به اهداف چشم انداز ۲۰۲۰ آسه آن ارائه کرد. این برنامه بر اقدامات خاص برای تسریع یکپارچگی اقتصادی، کاهش فقر و ترویج توسعه پایدار متمرکز بود. در سال ۲۰۰۳، رهبران آسه آن اعلامیه آسه آن Concord II را امضا کردند و بر تعهد خود برای ایجاد جامعه آسه آن، از جمله جامعه اقتصادی آسه آن (AEC)، تا سال ۲۰۲۰ تاکید کردند.

۶. ایجاد جامعه اقتصادی آسه آن^۲ (AEC) و فراتر از آن (۲۰۱۵ تا کنون)

در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵، آسه آن به طور رسمی AEC را راه‌اندازی کرد که نقطه عطفی مهم در مسیر یکپارچه‌سازی اقتصادی منطقه‌ای بود. هدف AEC ایجاد بازار واحد، افزایش رقابت‌پذیری و ترویج توسعه اقتصادی عادلانه بود.

جامعه اقتصادی آسه آن از زمان تاسیس به تکامل خود ادامه داده است و رهبران آسه آن ابتکارات مختلفی را برای تعمیق یکپارچگی منطقه‌ای و رسیدگی به چالش‌های نوظهور اتخاذ کرده‌اند. این سازمان همچنین نقش برجسته‌ای در ارتقای صلح، امنیت و همکاری منطقه‌ای در آسیا و اقیانوسیه

1- ASEAN Free Trade Area

2- ASEAN Economic Community



ایفا کرده است.^۱

مراحل شکل‌گیری و ساختار بازار مشترک آسه آن

همان‌گونه که اشاره شد، این پژوهش معطوف به تبیین ساختار و چارچوب حکمرانی بازارهای مشترک در پهنه جهانی است. از همین رو در ادامه از این منظر روند شکل‌گیری و تحول بازار مشترک آسه آن مورد بحث قرار می‌گیرد.

منطقه آزاد تجارت آسه آن (AFTA) گام اولیه برای ایجاد بازار مشترک را رقم زد. هدف آن حذف تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری میان کشورهای عضو آسه آن و ترویج جریان آزاد کالا در منطقه بود. شکل‌گیری و تکامل AFTA را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

۱. ۱۹۷۷-۱۹۹۲: ترتیبات تجارت ترجیحی^۲ (PTAS)

در سال ۱۹۷۷، توافقنامه تجارت ترجیحی آسه آن (PTA) مورد تأیید اعضا قرار گرفت. هدف اصلی این توافقنامه کاهش تعرفه‌های تجارت در درون آسه آن بود. PTA از نظر دامنه و اثربخشی محدود بود و آزادسازی تجارت به کندی پیش رفت. دوره ۱۹۷۷ تا ۱۹۹۲ مراحل اولیه تلاش‌های آسه آن برای یکپارچگی اقتصادی از طریق ترتیبات تجارت ترجیحی (PTAS) را نشان می‌دهد. آسه آن در سال ۱۹۷۷ توافقنامه تجارت ترجیحی آسه آن (PTA) را ایجاد کرد. این توافقنامه با هدف ترویج تجارت درون منطقه‌ای از طریق کاهش تعرفه‌های برخی محصولات در میان کشورهای عضو آسه آن به امضا رسید. این توافقنامه محصولات خاصی را که واجد شرایط کاهش تعرفه بودند، شناسایی کرد. کشورهای عضو موافقت کردند که تعرفه‌های گمرکی بر محصولات شناسایی شده را در تجارت بین کشورهای آسه آن کاهش دهند. همان‌گونه که اشاره شد این توافق دامنه محدودی داشت و با چالش‌های اجرایی روبرو بود. از جمله کندی کاهش تعرفه‌ها، سطوح مختلف توسعه اقتصادی در بین کشورهای عضو و مقاومت در برابر آزادسازی تجارت. در این دوره پیشرفت در کاهش تعرفه‌ها و دستیابی به آزادسازی تجاری معنی‌دار کند بود. تفاوت در ساختارهای اقتصادی، نگرانی در مورد نابرابری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو و تردید در تعهد کامل به آزادسازی از علل روند کند آزادسازی تجاری بود.

برای غلبه بر این وضعیت و سرعت بخشیدن به روند همگرایی اقتصادی، کشورهای آسه آن در سال ۱۹۸۱ طرح همکاری صنعتی آسه آن^۳ (AICO) را تدوین کردند. هدف AICO ترویج همکاری صنعتی بین اعضای آسه آن و تشویق همکاری در بخش‌های مختلف بود. در این راستا شرکت‌های مشترک

1- <https://asean.org/about-asean/the-founding-of-asean/>

2- Preferential Trade Agreement

3- ASEAN Industrial Cooperation Scheme

صنعتی آسه آن تشکیل شد و کشورهای عضو شروع به کاوش سرمایه‌گذاری مشترک در صنایع کلیدی کردند. هدف اصلی این همکاری‌ها تسهیل انتقال فناوری، توسعه صنعتی و ارتقای همکاری در زمینه‌های مورد علاقه متقابل بود.^۱ به بیان دیگر علیرغم چالش‌ها، تلاش‌هایی برای گسترش تجارت بین کشورهای آسه آن صورت گرفت. کشورهای عضو، درگیر مذاکره برای تقویت روابط اقتصادی و ارتقای همکاری در موضوعات مرتبط با تجارت شدند. این تلاش‌ها در راستای یک چارچوب جامع‌تر تجارت بود.

در طول دوره ۱۹۷۷-۱۹۹۲، توافقنامه تجارت ترجیحی آسه آن (PTA) پایه و اساس همکاری اقتصادی منطقه‌ای را ایجاد کرد. این مرحله اولیه در حالی که با چالش‌هایی مواجه بود، زمینه را برای ابتکارات بعدی از جمله تصویب AFTA در اوایل دهه ۱۹۹۰، فراهم کرد چراکه کشورهای عضو آسه آن به دنبال یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر در سال‌های آینده بودند.

۲. اعلامیه سنگاپور

در سال ۱۹۹۲ سران کشورها و دولت‌های آسه آن اعلامیه سنگاپور را امضا کردند و رسماً ابتکار AFTA را آغاز کردند. این اعلامیه کشورهای عضو آسه آن را متعهد کرد که آزادسازی تجارت کالا را از طریق طرح تعرفه ترجیحی موثر مشترک^۲ (CEPT) تسریع بخشند. طی سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۵ طرح تعرفه ترجیحی موثر مشترک میان کشورهای آسه آن اجرایی شد. طرح CEPT با هدف کاهش و در نهایت حذف تعرفه کالاهای مبادله شده بین کشورهای عضو آسه آن اجرایی شد. به دیگر سخن بیانیه سال ۱۹۹۲ سنگاپور که توسط سران کشورهای آسه آن در ۲۸ ژانویه ۱۹۹۲ امضا شد، لحظه‌ای مهم در تاریخ آسه آن بود. این بیانیه تاریخی نشان دهنده تعهد جمعی کشورهای عضو آسه آن برای حرکت به سمت جامعه اقتصادی آسه آن (AEC) تا سال ۲۰۲۰ بود. بیانیه سنگاپور چشم‌انداز جامعی را برای همکاری اقتصادی آسه آن ترسیم کرد و اولویت‌های همکاری را به صورت ذیل برشمرد:

۱,۲ تسهیل تجارت و کاهش تعرفه

بیانیه سنگاپور بر اهمیت تسهیل تجارت برای کاهش موانع تجارت و ارتقای جریان کالاها و خدمات در داخل آسه آن تأکید کرد. به طور خاص، خواستار ساده‌سازی رویه‌های گمرکی، هماهنگ‌سازی استانداردهای فنی و رفع موانع غیرتعرفه‌ای شد. علاوه بر این، این اعلامیه یک جدول زمانی برای کاهش تدریجی تعرفه‌ها در آسه آن با هدف دستیابی به یک طرح تعرفه ترجیحی موثر مشترک (CEPT) تا سال ۲۰۰۸ تعیین کرد.

1- <https://agreement.asean.org/media/download/20140421151331.pdf>

2- Common Effective Preferential Tariff Scheme



۲,۲ ترویج و آزادسازی سرمایه‌گذاری

اعلامیه سنگاپور با به رسمیت شناختن نقش حیاتی سرمایه‌گذاری در رشد اقتصادی، متعهد به ترویج و آزادسازی سرمایه‌گذاری در آسه آن بود. در این اعلامیه یک نظام سرمایه‌گذاری بازتر و شفاف‌تر ترسیم شد که جریان سرمایه‌گذاری را در سراسر منطقه تشویق می‌کرد. به طور خاص، این اعلامیه خواستار ایجاد یک منطقه سرمایه‌گذاری آسه آن^۱ (AIA) شد که هدف آن جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۲ (FDI) و تسهیل سرمایه‌گذاری فرامرزی در میان کشورهای آسه آن بود.

۳,۲ همکاری‌های صنعتی و ادغام بخش‌ها

بیانیه سنگاپور بر نیاز به همکاری صنعتی و ادغام بخشی برای افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی آسه آن تاکید کرد. این بیانیه توسعه صنایع در سطح آسه آن و هماهنگ‌سازی استانداردهای صنعتی را در نظر داشت. به طور خاص، این اعلامیه شش بخش اولویت‌دار را برای همکاری‌های صنعتی منطقه‌ای مشخص کرد: الکترونیک، خودرو، گردشگری، کشاورزی، جنگلداری و شیلات.

۴,۲ توسعه مشترک و همکاری اقتصادی

بیانیه سنگاپور اهمیت توسعه مشترک و همکاری اقتصادی برای رفع نیازهای متنوع کشورهای عضو آسه آن را به رسمیت شناخت. این بیانیه بر ایجاد ساز و کار مختلفی برای ارتقای توسعه منطقه‌ای، از جمله صندوق توسعه آسه آن^۳ (ADF) و مرکز کمک‌های فنی منطقه‌ای آسه آن^۴ (ARTAC) تاکید کرد. علاوه بر این، این بیانیه بر لزوم همکاری در زمینه‌هایی مانند توسعه زیرساخت‌ها، توسعه منابع انسانی و انتقال فناوری تاکید کرد. تاکید بیانیه سنگاپور بر این جنبه‌های فنی کلیدی، پایه و اساس مرحله نوین همگرایی اقتصادی آسه آن را ایجاد کرد.^۵

۳ طرح تعرفه‌های ترجیحی موثر مشترک

طرح تعرفه‌های ترجیحی موثر مشترک (CEPT) برای منطقه آزاد تجاری آسه آن (AFTA) یک ابتکار کلیدی بود که توسط کشورهای عضو آسه آن برای تقویت یکپارچگی اقتصادی و ایجاد منطقه تجارت آزاد طراحی و اجرا شد. طرح CEPT با هدف حذف تعرفه‌ها بر روی طیف قابل توجهی از کالاهای تولیدی که در آسه آن معامله می‌شدند، بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵ اجرا شد. اجرای این

1- ASEAN Investment Area

2- Foreign Direct Investment

3- Asean Development Fund

4- Asean Regional Technical Assistance Center

5- <https://asean.org/singapore-declaration-of-1992-singapore-28-january-1992/>

طرح به تدریج تعرفه‌ها را تا سال ۲۰۰۸ به صفر تا ۵ درصد کاهش داد.

طرح CEPT از ابتدا تقریباً ۹۰٪ از تمام محصولات معامله شده در آسه آن را تحت پوشش قرار داد (به استثنای لیستی از محصولات حساس که دوره‌های تعدیل طولانی‌تری برای آن‌ها اعطا شد). به علاوه طرح CEPT از یک برنامه کاهش تعرفه انعطاف‌پذیر بهره‌گرفت، برنامه‌ای که به کشورهای عضو امکان می‌داد کاهش تعرفه‌ها را با سرعت‌های مختلف بر اساس سطوح توسعه اقتصادی خود اجرا کنند. طرح CEPT مقررات ویژه‌ای را برای اعضای کمتر توسعه‌یافته آسه آن، مانند لائوس، کامبوج، میانمار، و ویتنام (کشورهای 'CLMV) تدوین کرد تا در اجرای کاهش تعرفه‌ها، انعطاف‌پذیری و پشتیبانی بیشتری برای آن‌ها فراهم کند. در این راستا هر کشور عضو آسه آن لیست‌های محصولات CEPT را تهیه و محصولاتی را که تحت این طرح مشمول کاهش تعرفه می‌شدند، مشخص می‌کرد. مهم‌تر آن که طرح CEPT قوانین مبدا را برای تعیین این که کدام محصولات واجد شرایط تعرفه‌های ترجیحی تحت این طرح هستند را تعیین کرد.

اجرای طرح CEPT در دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۵ تاثیر قابل توجهی بر تجارت و ادغام اقتصادی بین آسه آن داشت. این طرح منجر به کاهش قابل توجه تعرفه‌ها بر روی کالاهای تولیدی معامله شده در آسه آن شد و تجارت و سرمایه‌گذاری درون منطقه‌ای را تقویت کرد. افزون بر این به کسب و کارهای آسه آن دسترسی بیشتری به بازار منطقه داد، تجارت فرامرزی را تشویق و جابجایی کالاها و خدمات را تسهیل کرد. به علاوه اجرای طرح CEPT باعث تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و وابستگی متقابل اقتصادی بین کشورهای عضو آسه آن شد.

از دیگر سو علیرغم تاثیر مثبت آن، اجرای طرح CEPT در طول دوره ۱۹۹۳-۱۹۹۵ با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه شد. برنامه‌های مختلف کاهش تعرفه‌ها در بین کشورهای عضو، اختلافاتی را در سرعت آزادسازی تجارت ایجاد کرد. حذف محصولات حساس از این طرح مانع از تحقق کامل منطقه تجارت آزاد برای همه کالاهای تولیدی شد. موانع غیرتعرفه‌ای مانند استانداردهای فنی و رویه‌های گمرکی، موانعی بر سر راه تجارت درون‌آسه‌آن در دوره اجرای این طرح ایجاد کردند. با وجود این، اجرای طرح CEPT (۱۹۹۳-۱۹۹۵) گام مهمی به سوی یکپارچگی اقتصادی در آسه آن بود.^۲

۱۹۹۶-۱۹۹۸: تسریع اجرای AFTA

همان‌گونه که اشاره شد، در سال ۱۹۹۲، آسه‌آن طرح تعرفه‌های ترجیحی موثر مشترک آسه آن

1- Cambodia, Laos, Myanmar and Vietnam

2- <https://asean.org/questions-and-answers-on-the-cept/>



(AFTA) را به تصویب رساند که هدف آن حذف تعرفه‌ها بر روی تمام محصولات آسه آن تا سال ۲۰۰۳ بود. با این حال، اجرای AFTA کند و ناهموار بود.

در سال ۱۹۹۵، رهبران آسه آن در کوالالامپور گردهم آمدند و در مورد تسریع اجرای AFTA توافق نمودند. این تصمیم عمدتاً به دلایلی همچون رقابت فزاینده سایر بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا و توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) صورت گرفت.

برنامه تسریع اجرای AFTA² (AII) در نشست وزیران آسه آن در بروئی دارالسلام در سال ۱۹۹۶ به تصویب رسید. این برنامه هدف جدیدی را تا سال ۲۰۰۲ برای حذف تعرفه‌ها برای همه محصولات آسه آن به استثنای محصولات کشاورزی حساس و بسیار محافظت شده تعیین کرد. این طرح همچنین طیفی از اقدامات برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری، مانند هماهنگ‌سازی رویه‌های گمرکی و توسعه شبکه زیرساختی منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد.

از همین رو اجرای برنامه تسریع در منطقه تجارت آزاد آسه آن یک چالش بزرگ برای کشورهای عضو آسه آن بود. بسیاری از کشورها مجبور بودند برای رعایت الزامات این طرح، اصلاحات قابل توجهی در سیاست‌های داخلی خود ایجاد کنند. در برخی موارد، این تعدیل‌ها مستلزم تصمیم‌گیری‌های سیاسی دشواری بود.

با وجود چالش‌ها، کشورهای عضو آسه آن پیشرفت قابل توجهی در اجرای طرح تسهیل داشتند. تا سال ۲۰۰۲، آسه آن به کاهش تعرفه بیش از ۹۰ درصدی برای همه محصولات به جز محصولات حساس کشاورزی و کالاهای تولیدی بسیار محافظت شده دست یافته بود. به علاوه طرح تسهیل، پیشرفت‌های دیگر، مانند افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری درون آسه آن را نیز به همراه آورد. در سطح کلان، طرح تسهیل، تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد آسه آن داشت، به رشد و توسعه اقتصادی منطقه کمک کرد و آسه آن را در بازار جهانی رقابت پذیرتر نمود. طرح تسهیل علاوه بر مزایای اقتصادی، مزایای سیاسی زیادی نیز داشت. این طرح به تقویت همکاری و یکپارچگی منطقه‌ای در آسه آن و ارتقای صلح و ثبات در منطقه کمک کرد. تسریع اجرای AFTA در دوره ۱۹۹۶-۱۹۹۸ نقطه عطفی در توسعه آسه آن بود. به رشد اقتصادی، توسعه و ادغام در منطقه کمک کرد.^۳

۴. ۲۰۰۳: تصویب منطقه تجارت آزاد آسه آن

طرح AFTA در سال ۲۰۰۳ به تصویب رسید و نقشه راه را برای ادغام بیشتر اقتصادهای آسه آن ترسیم

1- North American Free Trade Agreement

2- The Accelerated AFTA Implementation Plan

3- <https://asean.org/acceleration-of-afta/>

کرد. هدف این طرح ایجاد بازار واحد و پایه تولید، تسهیل جریان آزاد کالاها، خدمات، سرمایه‌گذاری و نیروی کار ماهر و دستیابی به عدالت و توسعه اقتصادی بود. طرح منطقه آزاد تجارت آسه آن (AFTA) 2003 یک استراتژی جامع بود که اهداف بلندمدت همکاری اقتصادی آسه آن را مشخص می‌کرد. این طرح توسط وزیرای اقتصادی آسه آن در ۱ سپتامبر ۲۰۰۳ در هفدهمین نشست شورای AFTA در پنوم پن، کامبوج به تصویب رسید.

اهداف کلیدی طرح AFTA 2003 عبارتند از:

- ایجاد بازار واحد و پایه تولید^۱ در آسه آن
 - افزایش رقابت‌پذیری محصولات و خدمات آسه آن
 - تسهیل جریان تجارت و سرمایه‌گذاری در آسه آن
 - کاهش فقر و ترویج توسعه پایدار در آسه آن
 - استراتژی‌های کلیدی طرح AFTA 2003
- طرح AFTA 2003 برخی راهبردهای کلیدی را برای دستیابی به اهداف خود ترسیم می‌کرد، از جمله:
- تسریع در کاهش تعرفه‌ها و رفع موانع غیر تعرفه‌ای
 - تدوین استانداردها و مقررات مشترک
 - ترویج سرمایه‌گذاری در آسه آن
 - تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری
 - تقویت حمایت‌ها از حقوق مالکیت معنوی در آسه آن
 - ترویج همکاری‌های منطقه‌ای در بخش‌های کلیدی اقتصادی مانند کشاورزی، انرژی و گردشگری
 - طرح AFTA 2003 از زمان اجرای آن، نقش مهمی در ارتقای همکاری اقتصادی و یکپارچگی در آسه آن ایفا کرده است. برخی از دستاوردهای قابل توجه به شرح زیر است:
 - آسه آن پیشرفت چشمگیری در کاهش تعرفه‌ها داشته است. از سال ۲۰۲۳، اکثر محصولات آسه آن در داخل منطقه با تعرفه صفر معامله می‌شوند.

- آسه آن در توسعه استانداردها و مقررات مشترک پیشرفت کرده است. تعرفه هماهنگ آسه آن^۱ (AHTN) اجرا شده است و کار برای توسعه استانداردها و مقررات مشترک در سایر زمینه‌ها مانند ایمنی مواد غذایی و برچسب‌گذاری محصولات ادامه دارد.
- آسه آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) قابل توجهی را جذب کرده است. جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به آسه آن در سال‌های اخیر به طور پیوسته افزایش یافته و به رکورد ۱۶۱ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۲۲ رسیده است.
- آسه آن در تسهیل تجارت و جریان سرمایه‌گذاری پیشرفت داشته است. توافقنامه تسهیل تجارت آسه آن (ATFA) اجرا شده است و کار برای ساده کردن بیشتر رویه‌های گمرکی و کاهش هزینه‌های تجاری ادامه دارد.
- علیرغم پیشرفت قابل توجهی که از زمان اجرای طرح AFTA 2003 حاصل شده است، برخی چالش‌ها همچنان باقی مانده است. این چالش‌ها عبارتند از:
 - نیاز به رفع موانع غیرتعرفه‌ای باقی مانده برای تجارت در داخل آسه آن
 - نیاز به توسعه بیشتر استانداردها و مقررات مشترک
 - نیاز به بهبود مهارت‌ها و آموزش نیروی کار آسه آن
 - نیاز به رسیدگی به تنگناهای زیرساختی که مانع جریان تجارت و سرمایه‌گذاری در آسه آن می‌شود.
 - نیاز به اطمینان از این که منافع یکپارچه اقتصادی به طور عادلانه بین همه کشورهای آسه آن تقسیم می‌شود.
- طرح AFTA 2003 یک سند پویاست که به طور منظم بررسی و به روز می‌شود تا منعکس کننده چشم‌انداز اقتصادی در حال تغییر آسه آن باشد.^۲

۵. ۲۰۰۷: AFTA-CEPT برای کشورهای CLMV

در سال ۲۰۰۷، شورای منطقه آزاد تجاری آسه آن (AFTA) موافقتنامه AFTA-CEPT که در بالا مورد بحث قرار گرفت را به کشورهای CLMV گسترش داد. این موافقتنامه حذف تدریجی تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای بین این چهار کشور را با هدف ایجاد بازار واحد برای کالاها و

1- ASEAN Harmonised Tariff Nomenclature

2- <https://asean.org/the-seventeenth-meeting-of-the-asean-free-trade-area-afta-council-1-september-2003-phnom-penh-cambodia/>

3- Agreement on the Common Effective Preferential Tariff (CEPT) Scheme for the ASEAN Free Trade Area (AFTA)

خدمات فراهم کرد. این موافقتنامه همچنین شامل مقرراتی برای تسهیل سرمایه‌گذاری و توسعه قوانین مبدا مشترک بود.

گسترش دامنه موافقتنامه AFTA-CEPT به کشورهای CLMV گام مهمی در جهت ادغام کامل این کشورها در اقتصاد آسه آن بود. از نظر فنی، بر اساس موافقتنامه AFTA-CEPT برای کشورهای CLMV، تعرفه‌ها بر روی همه محصولات، به جز محصولات موجود در لیست‌های استثنای موقت^۱ (TELS)، تا سال ۲۰۱۲ به ۰-۵٪ کاهش یافت. TELS لیستی از محصولات حساس بودند. کاهش تعرفه‌های واردات این محصولات در دوره طولانی‌تری صورت گرفت. این موافقتنامه همچنین شامل مقرراتی برای حذف موانع غیر تعرفه‌ای مانند مقررات فنی و اقدامات بهداشتی و گیاهی بود. علاوه بر این، این موافقتنامه توسعه قواعد مشترک مبدا را نیز در بر داشت. موافقتنامه AFTA-CEPT برای کشورهای CLMV مزایای زیادی به همراه داشت. این مزایا عبارتند از:

- افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری
- بهبود رشد و توسعه اقتصادی
- افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری
- دسترسی بیشتر به بازارها و فناوری
- ایجاد مشاغل جدید
- درآمد بالاتر برای خانوارها

همچنین این موافقتنامه به یکپارچگی کلی اقتصاد آسه آن از مسیرهای ذیل کمک کرد:

- ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای
- هماهنگ کردن سیاست‌های تجاری و سرمایه‌گذاری
- تسهیل جابجایی کالا، خدمات و مردم
- تقویت هویت آسه آن^۲

۶ ۲۰۱۰-۲۰۱۵: تجارت خدمات و توسعه سرمایه‌گذاری

1- Temporary Exception Lists

2-<https://asean.org/the-twenty-first-meeting-of-the-asean-free-trade-area-afta-council-makati-city-philippines-23-august-2007-joint-media-statement/>



طی این سال‌ها آسه آن با هدف یکپارچگی اقتصادی بیشتر، دامنه AFTA را به تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری گسترش داد.

۷. ۲۰۱۶ به بعد: پیاده‌سازی کامل و فراتر از آن

از سال ۲۰۱۶ بدین سو، آسه آن به فعالیت در جهت اجرای کامل AFTA، رسیدگی به چالش‌ها و بهبود همکاری اقتصادی ادامه داده است. این فعالیت‌ها عبارت‌اند از: رسیدگی به موانع غیرتعرفه‌ای، تقویت پیوندهای اعضا و تقویت جامعه اقتصادی یکپارچه‌تر و رقابتی‌تر.

همان‌گونه که در مراحل مورد اشاره آمد، تکامل AFTA در چند مرحله رخ داد که هر مرحله نشان‌دهنده گامی به سوی یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر در میان کشورهای عضو آسه آن بود. این فرآیند شامل کاهش تدریجی تعرفه‌ها، گسترش موافقتنامه برای گنجاندن اعضای جدید و ادغام حوزه‌های خدمات و سرمایه‌گذاری برای ایجاد یک جامعه اقتصادی جامع بود.

۸. AEC Blueprint 2025 - 2017

طرح ۲۰۲۵ جامعه اقتصادی آسه آن (AEC) که در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید، چشم‌انداز و اقدامات راهبردی را برای دستیابی به یکپارچگی اقتصادی و همکاری بین ده کشور عضو آسه آن ترسیم می‌کند. طرح AEC 2025 حول پنج ویژگی کلیدی ساختار یافته است:

- اقتصاد بسیار یکپارچه و منسجم که شامل تعمیق یکپارچگی اقتصادی، کاهش موانع تجاری و ترویج جریان آزاد کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری در منطقه آسه آن می‌باشد.
- آسه آن رقابتی، نوآور و پویا: هدف این طرح ایجاد محیطی مناسب برای کسب و کار، ترویج نوآوری و کارآفرینی و افزایش رقابت‌پذیری صنایع آسه آن در بازار جهانی است.
- پیوندهای پیشرفته و همکاری بخشی: این ویژگی بر بهبود اتصالات فیزیکی و دیجیتال، توسعه زیرساخت‌ها و تقویت همکاری در بخش‌های کلیدی مانند کشاورزی، گردشگری و انرژی تمرکز دارد.
- آسه آن انعطاف‌پذیر، فراگیر، مردم‌محور و مردم‌مدار: این محور شامل ارتقای رفاه اجتماعی، توسعه سرمایه انسانی و شمولیت در رشد اقتصادی در عین تضمین مزایای یکپارچگی برای همه بخش‌های جامعه است.
- آسه آن جهانی: این طرح با هدف تقویت تعامل آسه آن با شرکای خارجی، گسترش فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و ارتقای نقش منطقه در اقتصاد جهانی است.



- برای دستیابی به این اهداف، طرح AEC 2025 اقدامات و ابتکارات استراتژیک خاص، از جمله تجارت و تسهیل سرمایه‌گذاری، اصلاحات نظارتی، هماهنگ‌سازی استانداردها و مقررات فنی، ارتقای تجارت الکترونیک، توسعه زیرساخت‌ها و ظرفیت‌سازی برای شرکت‌های کوچک و متوسط را در دستور کار قرار داده است. این طرح همچنین بر اهمیت مشارکت‌های منطقه‌ای و جهانی برای حمایت از یکپارچگی اقتصادی و پیشبرد اهداف توسعه منطقه تاکید می‌کند. به طور کلی، طرح AEC 2025 یک چارچوب جامع برای پیشبرد همکاری اقتصادی و یکپارچگی در آسه آن، با هدف نهایی ارتقای رشد پایدار و رفاه برای مردم منطقه است.¹

روند شکل‌گیری بازار مشترک: بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا

درآمد

بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا^۲ یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای است که هدف آن ارتقاء یکپارچگی اقتصادی و توسعه در کشورهای عضو است. ایده تشکیل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا برای اولین بار در اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان ابزاری برای ارتقای همکاری اقتصادی و یکپارچگی بین کشورهای شرق و جنوب آفریقا مطرح شد. این سازمان به طور رسمی در سال ۱۹۹۴ با امضای معاهده بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا تاسیس شد.

تشکیل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا با عضویت اولیه ۱۹ کشور از جمله برونودی، کومور، جمهوری دموکراتیک کنگو، جیبوتی، مصر، اریتره، اتیوپی، کنیا، لیبی، ماداگاسکار، مالاوی، موریس، رواندا، سیشل، سودان، سوازیلند، اوگاندا، زامبیا و زیمبابوه آغاز شد. از آن زمان، اعضای این سازمان به ۲۱ کشور افزایش یافته است.

اهداف اصلی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا ترویج یکپارچگی اقتصادی، آزادسازی تجارت و توسعه منطقه‌ای در بین کشورهای عضو آن است. این اهداف شامل ایجاد بازار مشترک، رفع موانع تجاری و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و مقررات اقتصادی است. بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا توسط طیفی از نهادها، از جمله مرجع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا^۳، شورای وزیران و دبیرخانه اداره می‌شود. این نهادها مسئول تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌ها برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی و توسعه در منطقه هستند.

1- <https://asean.org/book/asean-economic-community-blueprint-2025/>

2- COMESA

3- COMERSA Authority



یکی از ویژگی‌های کلیدی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا ایجاد یک منطقه تجارت آزاد است که هدف آن ترویج حرکت آزاد کالاها، خدمات و مردم در داخل منطقه است. این هدف شامل حذف تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری برای تسهیل تجارت و سرمایه‌گذاری فرامرزی است. همچنین بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا برای هماهنگ کردن سیاست‌ها و مقررات اقتصادی در بین کشورهای عضو خود اقداماتی مانند ایجاد رویه‌های گمرکی، استانداردها و مقررات فنی انجام داده است. این تلاش‌ها به ایجاد یک محیط تجاری مساعدتر و ترویج همکاری و یکپارچگی اقتصادی بیشتر کمک کرده است.

بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا علاوه بر ترویج تجارت و یکپارچگی اقتصادی، برای ترویج توسعه و همکاری منطقه‌ای در زمینه‌هایی مانند زیرساخت‌ها، کشاورزی و انرژی تلاش می‌کند. این اقدامات شامل اجرای پروژه‌ها و ابتکارات توسعه منطقه‌ای برای رسیدگی به چالش‌های مشترک و ترویج توسعه پایدار در منطقه می‌شود.

در تصویر کلان، تشکیل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا یک فرآیند پیچیده و رو به پیشرفت است که شامل هماهنگی سیاست‌های اقتصادی، آزادسازی تجارت و تلاش‌های توسعه منطقه‌ای میان کشورهای عضو آن است. بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا از طریق این تلاش‌ها قصد دارد یکپارچگی و توسعه اقتصادی در شرق و جنوب آفریقا را ارتقا دهد و به رشد اقتصادی و شکوفایی کلی منطقه کمک کند.^۱

معاهده بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا

معاهده ایجاد بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، سند پایه‌گذاری این نهاد است که جنبه‌های فنی کلیدی و چارچوب قانونی سازمان اقتصادی منطقه‌ای را تشریح می‌کند. این معاهده در سال ۱۹۹۴ امضا شد و در طول سال‌های پس از آن اصلاح و به روز شده تا نیازها و اولویت‌های در حال تحول کشورهای عضو را منعکس کند. ویژگی‌های کلیدی این معاهده عبارتند از:

۱. اهداف: این معاهده اهداف اصلی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا را ترسیم می‌کند که شامل ارتقای یکپارچگی اقتصادی، آزادسازی تجارت و توسعه منطقه‌ای بین کشورهای عضو آن است. این امر از طریق ایجاد بازار مشترک، رفع موانع تجاری و هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و مقررات اقتصادی حاصل می‌شود.
۲. عضویت: این معاهده معیارها و رویه‌های عضویت در بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا و همچنین

حقوق و تعهدات کشورهای عضو را مشخص می‌کند. این معاهده همچنین روند پذیرش اعضای جدید و خروج اعضای فعلی را تشریح می‌کند.

۳. ساختار نهادی: این معاهده ساختار نهادی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، از جمله مرجع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، شورای وزیران و دبیرخانه را مشخص کرده است. وظایف و اختیارات این نهادها و همچنین فرآیندهای تصمیم‌گیری و ساز و کارهای اجرای سیاست‌ها و ابتکارات نیز تبیین شده است.

۴. آزادسازی تجارت: این معاهده چارچوبی را برای ایجاد منطقه تجارت آزاد در داخل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، از جمله حذف تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری تعیین می‌کند. همچنین قوانین و رویه‌های تجارت بین کشورهای عضو و ساز و کارهای حل و فصل اختلافات تجاری را تشریح می‌کند.

۵. هماهنگ‌سازی سیاست‌ها: معاهده چارچوبی را برای هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و مقررات اقتصادی در بین کشورهای عضو، از جمله رویه‌های گمرکی، استانداردها و مقررات فنی مشخص می‌کند. همچنین ساز و کارهایی را برای هماهنگی و اجرای سیاست‌ها و ابتکارات مشترک تعیین می‌کند.

۶. توسعه منطقه‌ای: معاهده به توسعه و همکاری منطقه‌ای در زمینه‌هایی مانند زیرساخت‌ها، کشاورزی و انرژی می‌پردازد. چارچوبی را برای اجرای پروژه‌ها و ابتکارات توسعه منطقه‌ای برای رسیدگی به چالش‌های مشترک و ترویج توسعه پایدار در منطقه ترسیم می‌کند.

۷. حل و فصل اختلافات: معاهده شامل مقرراتی برای حل و فصل اختلافات بین کشورهای عضو، از جمله ایجاد ساز و کار حل و فصل اختلافات و رویه‌های حل و فصل اختلافات از طریق مذاکره، میانجی‌گری یا داوری است. به طور کلی، معاهده تاسیس بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، چارچوب قانونی و جزئیات فنی را برای ارتقای یکپارچگی اقتصادی، آزادسازی تجارت و توسعه منطقه‌ای در شرق و جنوب آفریقا فراهم کرده است. معاهده به عنوان پایه‌ای برای فعالیت‌ها و ابتکارات سازمان عمل می‌کند و مبنای قانونی را برای همکاری بین کشورهای عضو آن فراهم می‌کند.

ساختار حکمرانی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا

همان‌گونه که اشاره شد، ساختار حکمرانی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در معاهده ایجاد بازار مشترک مشخص شده است. این معاهده چارچوب قانونی را برای تشکیلات سازمانی، فرآیندهای



تصمیم‌گیری و نقش‌ها و مسئولیت‌های ارگان‌های مختلف آن فراهم می‌کند. عناصر کلیدی ساختار حکمرانی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا را بر مبنای معاهده پایه‌گذاری به صورت ذیل می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. مرجع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا: این معاهده، مرجع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا را به عنوان عالی‌ترین ارگان سیاست‌گذاری سازمان برشمرده است. این مرجع متشکل از سران کشورها یا دولت‌های کشورهای عضو است و مسئول تصمیم‌گیری در مورد مسائل مربوط به سیاست، جهت‌گیری راهبردی و حکمرانی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا است.
۲. شورای وزیران: معاهده، شورای وزیران را به عنوان دومین نهاد عالی سیاست‌گذاری در داخل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا تاسیس کرده است. این شورا متشکل از وزرای مسئول تجارت، دارایی و برنامه‌ریزی اقتصادی هر کشور عضو است. وظیفه شورای وزیران اجرای تصمیمات مرجع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا و نظارت بر عملیات روزانه سازمان است.
۳. دبیرخانه: دبیرخانه به عنوان ارگان اجرایی اصلی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا فعالیت می‌کند. دبیرخانه توسط دبیرکل اداره می‌شود و مسئولیت اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا و همچنین ارائه پشتیبانی اداری و فنی به ارگان‌های تصمیم‌گیری سازمان را بر عهده دارد.
۴. کمیته‌های فنی: معاهده، ایجاد کمیته‌های فنی و موسسات تخصصی برای حمایت از بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا مجاز دانسته است. این کمیته‌ها بخش‌های مختلفی مانند تجارت، گمرک، صنعت، کشاورزی و حمل و نقل را پوشش می‌دهند و ارائه مشاوره فنی، انجام تحقیقات و ارائه توصیه‌هایی در زمینه‌های خاص در سازمان به عنوان مسئولیت‌های آنان برشمرده شده است.
۵. فرآیند تصمیم‌گیری: معاهده، فرآیند تصمیم‌گیری در داخل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا که شامل مقامات بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا و شورای وزیران می‌شود را مشخص می‌کند. رویه‌های اتخاذ سیاست‌ها، مقررات و تصمیم‌گیری‌ها، ساز و کارهای حل و فصل اختلافات و منازعات بین کشورهای عضو به تفصیل در معاهده مشخص شده است.
۶. مدیریت مالی: معاهده به مدیریت مالی و رویه‌های بودجه‌ای بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، از جمله ایجاد ساز و کار مالی برای تامین مالی فعالیت‌های سازمان نیز می‌پردازد. این بخش شامل تشریح کمک‌های کشورهای عضو، فرآیند بودجه‌ریزی و الزامات حسابرسی و گزارش‌دهی برای مسائل مالی است.



ساختار حکمرانی که در معاهده ایجاد بازار مشترک برای شرق و جنوب آفریقا مشخص شده است، چارچوبی را برای فرآیندهای تصمیم‌گیری، ساختار نهادی و ساز و کارهای عملیاتی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا فراهم می‌کند.

تشکیل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در عمل

تشکیل بازار مشترک شرق و آفریقای جنوبی شامل یک فرآیند پیچیده و چند مرحله‌ای و دارای توافقات و ابتکارات مختلفی است. تشکیل بازار مشترک را می‌توان به چند مرحله تقسیم کرد:

۱: ایجاد منطقه تجاری ترجیحی (PTA)

موافقتنامه ایجاد منطقه تجارت ترجیحی کشورهای آفریقای شرقی و جنوبی در سال ۱۹۸۱ امضا شد. هدف PTA ترویج آزادسازی تجارت و همکاری اقتصادی بین کشورهای عضو آن بود. توافقنامه تجارت ترجیحی گام مهمی در شکل‌گیری یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای بود و پایه و اساس بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا را ایجاد کرد. تسهیل آزادسازی تجارت بین کشورهای عضو از طریق رفتار ترجیحی در قبال کالاهایی که منشأ آن از داخل منطقه بود، هدف کلیدی این موافقتنامه محسوب می‌شد. رفتار ترجیحی شامل کاهش یا حذف تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای بر کالاهای مبادله شده بین کشورهای عضو بود.

در قالب این موافقتنامه، ساز و کارهای نهادی برای اجرایی شدن آن تعریف شده بود که شامل ایجاد دبیرخانه‌ای برای نظارت بر اجرای مفاد معاهده، تسهیل فعالیت‌های مرتبط با تجارت و ارتقای همکاری بین کشورهای عضو بود. به علاوه تشکیل کمیته‌ها و گروه‌های کاری تخصصی را برای رسیدگی به موضوعات خاص مرتبط با تجارت مانند همکاری گمرکی، تسهیل تجارت و رفع موانع فنی تجارت پیش‌بینی کرده بود.^۱

۲. تبدیل به بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا

در سال ۱۹۹۴، پس از امضای معاهده بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، PTA به بازار مشترک آفریقای شرقی و جنوبی تبدیل شد. این معاهده گام مهمی به سوی یکپارچگی اقتصادی عمیق‌تر و ایجاد بازار مشترک در منطقه بود.

۳. منطقه تجارت آزاد

منطقه تجارت آزاد در سال ۲۰۰۰ با هدف حذف تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری بین کشورهای



عضو راه‌اندازی شد. منطقه تجارت آزاد در ۳۱ اکتبر ۲۰۰۰ با ۹ کشور عضو راه‌اندازی شد. این اولین منطقه تجارت آزاد در آفریقا تحت نظر اتحادیه آفریقا بود. در شرایط کنونی این منطقه متشکل از ۱۶ کشور عضو است که به طور کامل بدون عوارض گمرک و بدون سهمیه، تجارت می‌کنند و کشورهای باقی‌مانده در مراحل مختلف پیوستن به منطقه هستند. ویژگی‌های کلیدی منطقه تجارت آزاد بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا عبارتند از:

- دسترسی بدون عوارض گمرکی به کشورهای عضو بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا : برای بهره‌مندی از دسترسی بدون عوارض گمرکی در منطقه بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا، صادرکننده باید محصولات خود را به کشورهای عضو این منطقه صادر کند. کشورهای عضو منطقه تجارت آزاد، به صورت معاف از عوارض گمرک و بدون سهمیه تجارت می‌کنند.

- قوانین مبدا: صادرکننده همچنین باید اطمینان حاصل کند که محصولات او قوانین مبدا را رعایت می‌کنند. دستورالعمل قوانین مبدا در کتابچه راهنمای رویه‌های بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا موجود است. اگر محصولات زیر دارای منشا ترجیحی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا باشند، پذیرفته می‌شوند:

۱- کالاها به طور کامل در کشور عضو بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا تولید یا به دست آمده‌اند: کالاهایی که در کشور عضو بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا تولید شده‌اند، ارزش CIF^۱ مواد خام وارداتی مورد استفاده در تولید آن‌ها نباید از ۶۰٪ هزینه کل مواد مورد استفاده در تولید آن‌ها تجاوز کند یا ارزش افزوده حاصل از فرآیند تولید کالا از مواد وارداتی حداقل ۳۵ درصد هزینه کارخانه‌ای کالا را تشکیل دهد.

۲- دریافت گواهی مبدا بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا : گواهی مبدا بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا توسط وزارت صنعت، بازرگانی و حمایت از مصرف‌کننده صادر و تایید می‌شود. همچنین کاهش تعرفه ۹۰ درصدی برای واردات از کشورهای غیرعضو در منطقه تجارت آزاد بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا (به عنوان کشورهای عضو گروه دوم شناخته می‌شوند که در کومسا^۲ عضویت دارند، اما به منطقه تجارت آزاد نیپیوسته‌اند) با گواهی مبدا معتبر اعمال می‌شود.

۳- کشورهای عضو سیستم پرداخت و تسویه منطقه‌ای و الکترونیکی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا^۳

1- Cost Insurance Freight

2- Common Market for Eastern and Southern Africa

3- COMESA Regional Payments And Settlement System



(REPSS) می‌توانند با استفاده از REPSS به راحتی وجوه را در بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا انتقال دهند. واردکنندگان می‌توانند هزینه کالاها و خدمات را به ارز محلی خود پرداخت کنند، در حالی که صادرکنندگان می‌توانند محصولات خود را به ارز محلی خود فاکتور کنند. REPSS بر اساس استانداردهای باز ساخته شده است و برای کشورهای غیرعضو نیز قابل دسترسی است. بانک‌های محلی می‌توانند از طریق بانک مرکزی خود به این سیستم پرداخت دسترسی داشته باشند.^۱

۴: اجرای اتحادیه گمرکی

اتحادیه گمرکی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در سال ۲۰۰۹ و پس از امضای پروتکل اتحادیه گمرکی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا تاسیس شد. هدف این گام، ادغام بیشتر اقتصاد کشورهای عضو از طریق هماهنگ کردن رویه‌های گمرکی و سیاست‌های تجاری بود. کشورهای عضو بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا بر اساس ماده ۴۷ معاهده موافقت کرده‌اند که «تقریباً یک تعرفه خارجی مشترک در مورد کلیه کالاهای وارد شده به کشورهای عضو از کشورهای ثالث ظرف مدت ده سال پس از لازم‌الاجرا شدن معاهده و بر اساس برنامه‌ای که توسط شورا تصویب می‌شود، اعمال نمایند». ماده ۴۵ معاهده صراحتاً مقرر می‌دارد که «در طی یک دوره انتقالی ده ساله از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده، اتحادیه گمرکی بین کشورهای عضو به تدریج ایجاد خواهد شد».

این اصول و قواعد در دو سند حقوقی کلیدی اتحادیه گمرکی، یعنی "مقررات شورای حاکم بر اتحادیه گمرکی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا" و "مقررات مدیریت گمرکات بازار مشترک" موجود است. مقررات شورای حاکم بر اتحادیه گمرکی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا برای ایجاد اتحادیه گمرکی، منطقه تجارت آزاد داخلی، روابط با کشورهای ثالث از جمله اعمال تعرفه مشترک خارجی (CET)، راه‌حل‌های تجاری، ترویج صادرات و حل و فصل اختلافات را پیش‌بینی می‌کند. مقررات مدیریت گمرکات بازار مشترک، تعیین و جمع‌آوری عوارض و مالیات، مدیریت و اداره گمرکات، انعقاد قراردادهای گمرکی و تجاری و سایر موارد را پیش‌بینی می‌کند.

علاوه بر این، رهبران "تشکیل کارگروه بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در اتحادیه گمرکی برای نظارت بر اجرا و عملکرد اتحادیه گمرکی" (برای رسیدگی به هرگونه تحولات آینده) را تصویب کرده‌اند. فعالیت مستمر اتحادیه گمرکی مستلزم انطباق تدریجی با تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین نهایی شدن هرگونه موضوع باقی مانده از جمله اجرای نقشه راه برای دوره گذار است. کارگروه هر ساله به ارگان‌های عالی بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا گزارش می‌دهد.

1-<https://www.mcci.org/en/global-marketplace/trade-agreements/comesa/#:~:text=The%20COMESA%20Free%20Trade%20Area,stages%20of%20joining%20the%20FTA.>



دهد. این بدان معناست که یک چارچوب نهادی برای رسیدگی به مسائل باقی مانده و برای پاسخگویی به هر تحولی که می‌تواند بر عملکرد و اجرای اتحادیه گمرکی تأثیر بگذارد وجود دارد.

۵. پروتکل بازار مشترک

پروتکل بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در سال ۲۰۱۰ تصویب شد. هدف این پروتکل تسهیل حرکت آزاد کالاها، خدمات و عوامل تولید و همچنین ایجاد بازار مشترک در منطقه بود.

۶. هماهنگ سازی سیاست ها و مقررات

بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در راستای هماهنگ کردن سیاست‌ها، استانداردها و مقررات اقتصادی در بین کشورهای عضو کار نیز اقداماتی را صورت داده است. این اقدامات شامل تلاش‌هایی برای همسویی رویه‌های گمرکی، مقررات فنی و سایر سیاست‌های مرتبط با تجارت برای ارتقای شرایط بازی برابر برای تجارت و فعالیت‌های اقتصادی است.^۱

به طور خلاصه، گام‌ها و موافقت‌نامه‌ها یا ابتکارات که در بالا بررسی شد نشان‌دهنده رویکرد تدریجی و جامع بازار مشترک شرق و جنوب آفریقا در فرایند تشکیل است. این فرآیند شامل تحول همکاری‌های تجاری و اقتصادی از یک منطقه تجاری ترجیحی به اتحادیه گمرکی و در نهایت ایجاد بازار مشترک در منطقه است.

ضمیمه: پروتکل اورپرتو

پروتکل الحاقی به معاهده آسونسین^۲ در مورد ساختار نهادی مرکوسور، موسوم به "پروتکل اورپرتو" است که در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ به امضا رسید. بر اساس این پروتکل، کشورهای جمهوری آرژانتین، جمهوری فدرال برزیل، جمهوری پاراگوئه و جمهوری شرقی اروگوئه به عنوان «دولت‌های طرف» نامیده شده‌اند. در این پروتکل، ضمن معرفی اتحادیه گمرکی به عنوان مرحله مهمی در ایجاد بازار مشترک، اصول و اهداف معاهده آسونسیون و ضرورت توجه ویژه به کشورها و مناطق کمتر توسعه‌یافته مرکوسور مورد اشاره قرار گرفته است. کشورهای امضاکننده پروتکل اورپرتو، علاوه بر به رسمیت شناختن دستاوردهای برجسته نهادهای موجود در طول دوره انتقال، به نیروهای موثر و متحول‌کننده در هر فرآیند یکپارچه‌سازی اشاره کردند که انطباق ساختار نهادی مرکوسور با دگرگونی‌های انجام‌شده را ضروری ساخته است. آن‌ها با موارد ذیل موافقت نمودند:

1-<https://ustr.gov/countries-regions/africa/regional-economic-communities-rec/common-market-eastern-and-southern-africa-comesa#:~:text=The%20Common%20Market%20for%20Eastern,Burundi>

۲-Asuncion: معاهده آسونسین در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۱ به امضا رسید.

(۱) ساختار مرکوسور

بر اساس پروتکل اورو پرتو، ساختار نهادی مرکوسور شامل ارگان‌های زیر می‌باشد:

- ۱- شورای بازار مشترک (CCM)؛
- ۲- گروه بازار مشترک (CMG)؛
- ۳- کمیسیون تجارت مرکوسور (MTC)؛
- ۴- کمیسیون مشترک پارلمانی (JPC)؛
- ۵- مجمع مشورتی اقتصادی - اجتماعی (ESCF).
- ۶- دبیرخانه اداری مرکوسور (MAS).

بند مجزأ: امکان ایجاد ارگان‌های کمکی مورد نیاز دیگری در جهت دستیابی به اهداف فرآیند یکپارچگی تحت شرایط این پروتکل وجود دارد.

(۲) ماده ۲:

نهادهای بین‌دولتی دارای اختیارات تصمیم‌گیری در حوزه‌های شورای بازار مشترک، گروه بازار مشترک و کمیسیون تجارت مرکوسور هستند.

(۳) بخش اول: شورای بازار مشترک

ماده ۳:

شورای بازار مشترک، بالاترین ارگان مرکوسور است که مسئولیت رهبری سیاسی فرآیند ادغام و اتخاذ تصمیمات لازم به منظور حصول اطمینان از دستیابی به اهداف تعریف‌شده توسط معاهده آسونسیون و ایجاد نهایی بازار مشترک را بر عهده دارد.

ماده ۴:

شورای بازار مشترک، متشکل از وزرای امور خارجه و وزرای اقتصادی کشورهای عضو یا هم‌تایان آنها خواهد بود.

ماده ۵:

ریاست شورای بازار مشترک بین کشورهای عضو به ترتیب حروف الفبا برای دوره‌های شش ماهه

تغییر می‌کند.

ماده ۶:

شورای بازار مشترک هر زمان که صلاح بداند و حداقل هر شش ماه یک بار، با حضور روسای کشورهای عضو تشکیل جلسه خواهد داد.

ماده ۷:

جلسات شورای بازار مشترک، توسط وزرای امور خارجه هماهنگ خواهد شد و سایر وزرا یا مقامات وزارتی ممکن است برای شرکت دعوت شوند.

ماده ۸:

وظایف و اختیارات شورای بازار مشترک به شرح زیر است:

نظارت بر اجرای معاهده آسونسیون، دستورالعمل‌های آن و موافقت‌نامه‌های امضا شده در چارچوب آن؛

تدوین سیاست‌ها و ترویج اقدامات لازم برای ایجاد بازار مشترک؛

بر عهده گرفتن شخصیت حقوقی مرکوسور؛

مذاکره و امضای قراردادهای از طرف مرکوسور با کشورهای ثالث، گروه‌هایی از کشورهای سازمان‌های بین‌المللی. این وظیفه را می‌توان از طریق ارائه دستور صریح به گروه بازار مشترک تحت شرایط مندرج در بند ۷ ماده ۱۴ تفویض کرد.

تصمیم‌گیری در مورد پیشنهادهای ارائه شده توسط گروه بازار مشترک؛

تعیین ترتیب جلسات وزرا و صدور حکم در مورد توافقاتی که به آن ارجاع می‌شود.

ایجاد ارگان‌هایی که مناسب می‌داند و همچنین برخورداری از اختیار اصلاح یا حذف برخی از ارگان‌ها.

شورای بازار مشترک موظف است که در صورت لزوم، ماهیت و محدوده تصمیمات خود را روشن کند.

انتصاب مدیر دبیرخانه اداری مرکوسور؛

اتخاذ تصمیمات مالی و بودجه‌ای.

تصویب آیین‌نامه داخلی گروه بازار مشترک.

ماده ۹:

احکام شورای بازار مشترک برای کشورهای عضو، الزام‌آور خواهد بود.

✦ بخش دوم: گروه بازار مشترک

ماده ۱۰:

گروه بازار مشترک ارگان اجرایی مرکوسور است.

ماده ۱۱:

گروه بازار مشترک، متشکل از چهار عضو و چهار عضو علی‌البدل برای هر کشور است که توسط دولت متبوع آن‌ها منصوب می‌شوند که باید نمایندگان وزارتخانه‌های امور خارجه، وزارتخانه‌های اقتصاد (یا وزارتخانه‌های مشابه آن‌ها) و بانک‌های مرکزی باشند. گروه بازار مشترک توسط وزارتخانه‌های امور خارجه هماهنگ خواهد شد.

ماده ۱۲:

گروه بازار مشترک هنگام تهیه پیش‌نویس و پیشنهاد تدابیر خاص در راستای انجام کار خود، می‌تواند هر زمان که صلاح بداند، از نمایندگان سایر ارگان‌های دولتی یا ساختار نهادی مرکوسور دعوت کند.

ماده ۱۳:

گروه بازار مشترک، جلسات عادی یا فوق‌العاده خود را هر چند وقت یک بار، بر اساس شرایط لازم برگزار می‌کند.

ماده ۱۴:

تصویب آیین‌نامه داخلی کمیسیون بازرگانی و مجمع مشورتی اقتصادی - اجتماعی.

ماده ۱۵:

تصمیمات گروه بازار مشترک به شکل قطعنامه‌هایی خواهد بود که برای کشورهای عضو، الزام‌آور است.

بخش سوم: کمیسیون تجارت مرکوسور

ماده ۱۶:

وظیفه کمیسیون تجارت مرکوسور، کمک به گروه بازار مشترک، نظارت بر اعمال ابزارهای سیاست تجاری مشترک مورد توافق کشورهای عضو در رابطه با عملکرد اتحادیه گمرکی، پیگیری و بررسی

ابهامات و مسائل مربوط به سیاست‌های تجاری مشترک، تجارت درون مرکوسور و کشورهای ثالث است.

ماده ۱۷:

کمیسیون تجارت مرکوسور متشکل از چهار عضو و چهار عضو علی‌البدل برای هر کشور عضو خواهد بود و توسط وزارتخانه‌های امور خارجه هماهنگ خواهد شد.

ماده ۱۸:

کمیسیون تجارت مرکوسور حداقل ماهی یک بار یا هر زمان که گروه بازار مشترک یا هر یک از کشورهای عضو درخواست کند، تشکیل جلسه خواهد داد.

ماده ۱۹:

- وظایف و اختیارات کمیسیون تجارت مرکوسور به شرح زیر است:
- نظارت بر اعمال ابزارهای سیاست تجاری مشترک هم در مرکوسور و هم در رابطه با کشورهای ثالث، سازمان‌های بین‌المللی و موافقت‌نامه‌های تجاری.
- بررسی و صدور حکم در مورد درخواست‌های ارائه‌شده توسط کشورهای عضو در ارتباط با اعمال تعرفه مشترک خارجی و سایر اسناد سیاست تجاری مشترک و رعایت آن‌ها.
- پیگیری اجرای ابزارهای سیاست تجاری مشترک در کشورهای عضو.
- تجزیه و تحلیل توسعه ابزارهای سیاست تجاری مشترک مربوط به عملکرد اتحادیه گمرکی و ارائه پیشنهادات در این زمینه به گروه بازار مشترک.
- اتخاذ تصمیمات مرتبط با اداره و اعمال تعرفه خارجی مشترک و ابزارهای سیاست تجاری مشترک مورد توافق کشورهای عضو.
- گزارش به گروه بازار مشترک در مورد توسعه و به کارگیری ابزارهای سیاست تجاری مشترک، در مورد رسیدگی به درخواست‌های دریافتی و تصمیمات اتخاذشده در رابطه با این درخواست‌ها.
- پیشنهاد مقررات جدید تجاری و گمرکی مرکوسور یا تغییرات در مقررات موجود به گروه بازار مشترک.
- پیشنهاد تجدیدنظر در مورد نرخ‌های مشترک خارجی تعرفه برای اقلام خاص و به منظور

رسیدگی به موارد مربوط به فعالیت‌های تولیدی جدید در مرکوسور.

- تشکیل کمیته‌های فنی موردنیاز برای انجام وظایف محوله و هدایت و نظارت بر فعالیت آن‌ها.
- انجام وظایف مرتبط با سیاست تجاری مشترک درخواست‌شده توسط گروه بازار مشترک.
- اتخاذ مقررات رویه‌ای برای ارائه به گروه بازار مشترک برای تصویب.

ماده ۲۰:

تصمیمات کمیسیون تجارت مرکوسور باید به صورت دستورالعمل یا پیشنهاد باشد. دستورالعمل‌های صادرشده توسط کمیسیون تجارت مرکوسور برای کشورهای عضو، الزام‌آور خواهد بود.

ماده ۲۱:

علاوه بر وظایف و اختیارات مندرج در مواد ۱۶ و ۱۹، کمیسیون تجارت مرکوسور مسئول رسیدگی به شکایاتی است که توسط بخش‌های ملی کمیسیون تجارت مرکوسور به آن ارجاع داده می‌شود که از طرف کشورهای عضو یا اشخاص حقیقی یا حقوقی در ارتباط با شرایط پیش‌بینی‌شده در ماده ۱ یا ۲۵ این قانون مطرح شده است. پروتکل برازیلیا، حوزه صلاحیت آن را مشخص کرده است.

بند ۱: بررسی شکایات مذکور در کمیسیون تجارت مرکوسور مانع از اقدام دولت عضو شاکی بر اساس پروتکل برازیلیا برای حل و فصل اختلافات نخواهد شد.

بند ۲: به شکایات ناشی از شرایط شرح داده شده در این ماده طبق رویه مندرج در ضمیمه این پروتکل رسیدگی خواهد شد.

بخش چهارم: کمیسیون مشترک پارلمانی

ماده ۲۲:

کمیسیون مشترک پارلمانی، ارگانی است که پارلمان‌های کشورهای عضو در مرکوسور را نمایندگی می‌کند.

ماده ۲۳:

کمیسیون مشترک پارلمانی، از تعداد مساوی از اعضای پارلمان به نمایندگی از کشورهای عضو تشکیل خواهد شد.

ماده ۲۴:

اعضای کمیسیون مشترک پارلمانی، توسط پارلمان‌های ملی مربوطه، طبق رویه‌های داخلی آن‌ها منصوب می‌شوند.

ماده ۲۵:

کمیسیون مشترک پارلمانی در جهت تسریع اجرای رویه‌های داخلی مربوطه در کشورهای عضو تلاش می‌کند تا از اجرای سریع تصمیمات اتخاذشده توسط ارگان‌های مرکب که در ماده ۲ این پروتکل ذکر شده است، اطمینان حاصل شود. همسو با این اقدامات، کمیسیون مشترک پارلمانی به منظور پیشبرد اقدامات ضروری برای فرایند یکپارچه‌سازی، به هماهنگ‌سازی قوانین نیز کمک خواهد کرد. در صورت لزوم، شورا از کمیسیون مشترک پارلمانی به منظور بررسی موضوعات دارای اولویت درخواست خواهد کرد.

ماده ۲۶:

کمیسیون مشترک پارلمانی، از طریق گروه بازار مشترک، توصیه‌هایی را به شورای بازار مشترک ارائه خواهد کرد.

ماده ۲۷:

کمیسیون مشترک پارلمانی، آیین‌نامه داخلی خود را تصویب خواهد کرد.

بخش پنجم: مجمع مشورتی اقتصادی-اجتماعی

ماده ۲۸:

مجمع مشورتی اقتصادی-اجتماعی، ارگانی است که بخش‌های اقتصادی و اجتماعی را نمایندگی می‌کند و از تعداد مساوی نماینده از هر کشور عضو تشکیل می‌شود.

ماده ۲۹:

مجمع مشورتی اقتصادی-اجتماعی، وظیفه مشورتی دارد و نظرات خود را در قالب توصیه‌هایی به گروه بازار مشترک ارائه خواهد کرد.

ماده ۳۰:

مجمع مشورتی اقتصادی-اجتماعی، آیین‌نامه داخلی خود را برای تصویب به گروه بازار مشترک ارائه خواهد کرد.

بخش ششم: دبیرخانه مرکوسور

ماده ۳۱:

مرکوسور باید به منظور ارائه پشتیبانی عملیاتی، یک دبیرخانه تاسیس نماید. دبیرخانه مرکوسور، مسئول ارائه خدمات به سایر ارگان‌های مرکوسور خواهد بود و مقر آن در شهر مونته‌ویدئو خواهد بود.

ماده ۳۲:

دبیرخانه اداری مرکوسور، فعالیت‌های زیر را انجام خواهد داد:

- به عنوان آرشیو رسمی برای اسناد مرکوسور عمل می‌کند.
- وظیفه انتشار تصمیمات اتخاذشده در چارچوب مرکوسور را برعهده دارد؛ در این راستا، دبیرخانه باید با هماهنگی کشورهای عضو، ترجمه‌های معتبری به زبان اسپانیایی و پرتغالی را از کلیه تصمیمات اتخاذشده توسط ارگان‌های ساختار نهادی مرکوسور، مطابق با مفاد ماده ۳۹ را انجام دهد.
- انتشار نشریه رسمی.
- سازماندهی اقدامات لجستیکی، برگزاری جلسات شورای بازار مشترک، گروه بازار مشترک، کمیسیون تجارت مرکوسور و سایر ارگان‌های مرکوسور که در مقر آن برگزار می‌شود. در مورد جلساتی که در خارج از مقر اصلی دبیرخانه اداری مرکوسور برگزار می‌شود نیز پشتیبانی به عمل می‌آورد.
- اطلاع‌رسانی پیوسته به دولت‌های عضو در مورد اقدامات اتخاذشده توسط ارگان‌های مختلف مرکوسور و یا هر کشور در سیستم حقوقی خود.
- تهیه فهرست ملی داوران و کارشناسان و انجام سایر وظایف تعریف‌شده در پروتکل برازیلیا.
- انجام وظایف درخواست‌شده توسط شورای بازار مشترک، گروه بازار مشترک و کمیسیون تجارت مرکوسور.
- تهیه پیش‌نویس بودجه خود و پیگیری حسن اجرای آن پس از تصویب توسط گروه بازار مشترک.



- ارائه گزارش فعالیت‌ها و صورت حساب‌های خود به صورت سالانه به گروه بازار مشترک.

ماده ۳۳:

دبیرخانه اداری مرکوسور توسط مدیری با تابعیت یکی از کشورهای عضو اداره می‌شود. او توسط گروه بازار مشترک و به صورت چرخشی پس از مشورت با کشورهای عضو، انتخاب و توسط شورای بازار مشترک منصوب خواهد شد. مدت تصدی وی دو سال است و امکان انتخاب مجدد وی وجود ندارد.

فصل دوم: شخصیت حقوقی

ماده ۳۴:

مرکوسور دارای شخصیت حقوقی حقوق بین‌المللی است.

ماده ۳۵:

مرکوسور در اجرای وظایف خود، به انجام هر اقدام ضروری در راستای دستیابی به اهدافش مجاز است؛ به ویژه امضای قراردادهای، خرید و فروش اموال شخصی و غیرمنقول، حضور در دادگاه، نگهداری وجوه و نقل و انتقالات.

ماده ۳۶:

مرکوسور قراردادهای مقرر منعقد خواهد کرد.

فصل سوم: سیستم تصمیم‌گیری

ماده ۳۷:

تصمیمات ارگان‌های مرکوسور با اجماع و با حضور تمامی کشورهای عضو اتخاذ خواهد شد.

فصل چهارم: اجرای تصمیمات اتخاذ شده توسط ارگان‌های مرکوسور از سوی اعضا

ماده ۳۸:

کشورهای عضو به انجام تمامی اقدامات لازم به منظور حصول اطمینان از انطباق با تصمیمات اتخاذ شده توسط ارگان‌های مختلف مرکوسور که در ماده ۲ این دستورالعمل ذکر شده، متعهد هستند. کشورهای عضو موظفند تا اقدامات اتخاذ شده در این زمینه را به اطلاع دبیرخانه اداری مرکوسور برسانند.

ماده ۳۹:

محتوای تصمیمات شورای بازار مشترک، قطعنامه‌های گروه بازار مشترک، دستورالعمل‌های کمیسیون تجارت مرکوسور، احکام داوری حل اختلاف و همچنین هر سندی که از نظر شورای بازار مشترک یا گروه بازار مشترک نیاز به انتشار رسمی داشته باشد، باید به طور کامل به زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی در مجله رسمی مرکوسور منتشر شود.

ماده ۴۰:

به منظور حصول اطمینان از لازم‌الاجرا شدن همزمان تصمیمات اتخاذشده توسط ارگان‌های مرکوسور که در ماده ۲ این پروتکل ذکر شده است، روش زیر باید دنبال شود:

پس از اتخاذ تصمیم، کشورهای عضو اقدامات لازم را به منظور گنجاندن آن در سیستم حقوقی داخلی خود اتخاذ خواهند کرد و دبیرخانه اداری مرکوسور را مطلع خواهند کرد.

هنگامی که تمامی کشورهای عضو، ادغام در سیستم‌های حقوقی داخلی مربوطه خود را گزارش کرده‌اند، دبیرخانه اداری مرکوسور به هر یک از دولت‌های عضو اطلاع خواهد داد.

تصمیمات به طور همزمان در تمامی کشورهای عضو ظرف ۳۰ روز پس از تاریخ ابلاغی که توسط دبیرخانه اداری مرکوسور انجام شده است، طبق شرایط بند قبل لازم‌الاجرا خواهد بود. به این منظور، دولت‌های عضو، ظرف مهلت ذکرشده، لازم‌الاجرا شدن تصمیمات مورد بحث را در نشریات رسمی مربوطه خود منتشر خواهند کرد.

فصل پنجم: منابع حقوقی مرکوسور

ماده ۴۱:

منابع قانونی مرکوسور عبارتند از:

معاهده آسونسیون، پروتکل‌های آن و اسناد اضافی یا تکمیلی.

موافقتنامه‌های منعقدشده در چارچوب معاهده آسونسیون و دستورالعمل‌های آن.

تصمیمات شورای بازار مشترک، قطعنامه‌های گروه بازار مشترک و دستورالعمل‌های کمیسیون تجارت مرکوسور که از زمان لازم‌الاجرا شدن معاهده آسونسیون، اتخاذ شده‌اند.

ماده ۴۲

تصمیمات اتخاذ شده توسط ارگان‌های مرکوسور مقرر در ماده ۲ این دستورالعمل لازم الاجرا بوده و در صورت لزوم باید طبق رویه‌های پیش‌بینی شده در قوانین هر کشور در سیستم‌های حقوقی داخلی گنجانده شود.

فصل ششم: سیستم حل و فصل اختلاف

ماده ۴۳

اختلافاتی که بین کشورهای عضو در مورد تفسیر، اعمال یا عدم اجرای مفاد معاهده آسونسیون و توافقات منعقد شده در چارچوب آن یا تصمیمات شورای بازار مشترک، قطعنامه‌های گروه بازار مشترک و دستورالعمل‌ها ایجاد می‌شود، تابع روش‌های حل و فصل مندرج در پروتکل برازیلیا است که در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۱ به امضا رسیده است.

دستورالعمل‌های کمیسیون تجارت مرکوسور نیز در مواد ۱۹ و ۲۵ پروتکل برازیلیا گنجانده شده است.

ماده ۴۴:

کشورهای عضو پیش از تکمیل فرآیند همگرایی در تعرفه خارجی مشترک، باید سیستم کنونی حل و فصل اختلافات مرکوسور را با هدف اتخاذ سیستم دائمی مذکور در بند ۳ پیوست III معاهده آسونسیون و ماده ۳۴ پروتکل برازیلیا بررسی کنند.

فصل هفتم: بودجه

ماده ۴۵

دبیرخانه اداری مرکوسور باید به منظور تامین هزینه‌های عملیاتی و هزینه‌های مجاز توسط گروه بازار مشترک، از بودجه برخوردار باشد. این بودجه از طریق ارائه کمک‌های مساوی از سوی دولت‌های عضو تامین می‌شود.

فصل هشتم: زبان‌ها

ماده ۴۶:

زبان رسمی مرکوسور، اسپانیایی و پرتغالی است. نسخه رسمی اسناد کاری باید به زبان کشور میزبان جلسه باشد.

فصل نهم: بررسی

ماده ۴۷:

کشورهای عضو در صورت صلاحدید، اقدام به برگزاری یک کنفرانس دیپلماتیک به منظور بررسی ساختار نهادی مرکوسور خواهند کرد.

فصل دهم: لازم‌الاجرا شدن

ماده ۴۸:

این دستورالعمل که بخش جدایی‌ناپذیر از معاهده آسونسیون است، مدت نامحدودی خواهد داشت و ۳۰ روز پس از تاریخ تودیع سومین سند تصویب، لازم‌الاجرا خواهد شد و دستورالعمل و اسناد تصویب آن نزد دولت جمهوری پاراگوئه سپرده خواهد شد.

ماده ۴۹:

دولت جمهوری پاراگوئه، تاریخ تودیع اسناد مصوب و زمان لازم‌الاجرا شدن این دستورالعمل را به سایر دولت‌های عضو اعلام خواهد کرد.

ماده ۵۰:

قواعد تعیین‌شده توسط معاهده آسونسیون در مورد این دستورالعمل، در رابطه با الحاق و انصراف نیز به طور کامل اعمال خواهد شد. الحاق یا فسخ معاهده آسونسیون یا این پروتکل، خودبه‌خود متضمن الحاق یا فسخ این دستورالعمل و معاهده آسونسیون خواهد بود.

فصل یازدهم: مقررات انتقالی

ماده ۵۱:

ساختار نهادی پیش‌بینی‌شده در معاهده آسونسیون در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۹۱ و ارگان‌های ایجادشده توسط آن تا زمان لازم‌الاجرا شدن این پروتکل حفظ خواهند شد.

فصل دوازدهم: مقررات عمومی

ماده ۵۲:

این دستورالعمل "پروتکل اورو پرتو" نامیده می‌شود.

ماده ۵۳:

کلیه مفاد معاهده آسونسیون مصوب ۲۶ مارس ۱۹۹۱ که با مفاد این دستورالعمل یا با محتوای

تصمیمات اتخاذ شده توسط شورای بازار مشترک در طول دوره انتقال مغلوط دارد، لغو می‌شود. یک نسخه اصلی به زبان‌های پرتغالی و اسپانیایی در شهر اورو پرتو در جمهوری فدرال برزیل، در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ نگهداری می‌شود که هر دو متن به یک اندازه معتبر هستند. دولت پاراگوئه یک نسخه معتبر از این پروتکل را برای سایر کشورهای عضو ارسال خواهد کرد.

ضمیمه پروتکل اورو پرتو

رویه عمومی برای ارائه شکایات به کمیسیون تجارت مرکوسور:

ماده ۱:

شکایاتی که توسط بخش‌های ملی کمیسیون تجارت مرکوسور، دولت‌های عضو یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، مطابق با مفاد ماده ۲۱ پروتکل اورو پرتو ارائه می‌شود، مشمول رویه مندرج در این پیوست خواهد بود.

ماده ۲:

دولت عضو شاکی، شکایت خود را به رئیس کمیسیون تجارت مرکوسور Pro-Tempore ارائه خواهد کرد که حداقل یک هفته پیش از ارائه شکایت، اقدامات لازم را به منظور درج این سوال در دستور کار جلسه بعدی کمیسیون تجارت مرکوسور انجام خواهد داد. اگر در آن جلسه تصمیمی اتخاذ نشود، کمیسیون تجارت مرکوسور بدون انجام اقدامات بیشتر، پرونده را به کمیته فنی ارسال می‌کند.

ماده ۳:

کمیته فنی حداکثر ظرف مدت سی روز، باید نظر مشترکی در مورد این سوال تهیه و به کمیسیون تجارت مرکوسور ارائه کند؛ در صورت عدم اجماع نظر میان کارشناسان کمیته فنی در زمان صدور حکم، شکایت توسط کمیسیون تجارت مرکوسور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ماده ۴:

کمیسیون تجارت مرکوسور در اولین جلسه عادی خود پس از دریافت نظر مشترک یا در صورت وجود اجماع نظر کارشناسان در مورد شکایت تصمیم می‌گیرد، اگرچه ممکن است جلسه فوق‌العاده‌ای نیز برای این منظور تشکیل شود.

ماده ۵:

اگر در اولین جلسه مذکور در ماده ۴ اجماع حاصل نشود، کمیسیون تجارت مرکوسور باید گزینه‌های مختلف پیشنهادی را به همراه نظر مشترک یا نتیجه‌گیری کارشناسان کمیته فنی برای گروه بازار مشترک ارسال کند تا منجر به اتخاذ تصمیم مناسب شود. گروه بازار مشترک ظرف سی روز پس از دریافت پیشنهادهای ارائه‌شده توسط کمیسیون تجارت مرکوسور تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۶:

اگر در مورد شکایت توافقی حاصل شود، شکایت موجه تلقی شده و کشور عضوی که علیه آن مطرح شده است، اقداماتی را اتخاذ خواهد کرد که در کمیسیون تجارت مرکوسور یا گروه بازار مشترک مورد تایید قرار گرفته است. در هر مورد، کمیسیون تجارت مرکوسور یا متعاقباً، گروه بازار مشترک، موظفند که یک دوره معقول را به منظور اجرای این اقدامات تعیین کنند. اگر در مدت مقرر، کشور متشاکی تصمیمات اتخاذشده توسط کمیسیون تجارت مرکوسور یا گروه بازار مشترک را اعمال نکنند و زمان تعیین‌شده منقضی شود، کشور شاکی می‌تواند مستقیماً به رویه مقرر در فصل چهارم پروتکل برازیلیا متوسل شود.

ماده ۷:

اگر در کمیسیون تجارت مرکوسور یا در گروه بازار مشترک، اجماع حاصل نشود یا کشوری که علیه آن شکایت شده است در مدت مقرر در ماده ۶، تصمیم اتخاذشده را رعایت نکند، کشور شاکی می‌تواند مستقیماً به رویه تعیین‌شده در فصل چهارم پروتکل برازیلیا متوسل شود و دبیرخانه اداری مرکوسور را در این مورد مطلع کند.

دیوان داوری ظرف پانزده روز پس از تشکیل و پیش از صدور حکم، باید اقدامات موقتی را که طبق شرایط مندرج در ماده ۱۸ پروتکل برازیلیا مناسب می‌داند را اعلام کند.